بسمه تعالی

سفر روحانی من: خاطرات قبل و بعد از سفر حج ۱۳۹۳: قسمت اول

نوشته نادر حسن زاده

از بعد عرفانی کعبه مکعب است چون چهار چوب دارد. پرده دارد چون عفاف دارد.

مدت سفر حدود یک ماه بود(۱۳۹۳/۶/۲۷ لغایت ۱۳۹۳/۷/۲۵). شماره من بعنوان زائر خانه خدا بر حسب فیش ۲۱۹۷۰۷ و مطابق با شماره زائر کاروان عدد ۶۶ بود. آقای جوشقانی (۱۷۹۹۷) مدیر کاروان بودند. ثبت خاطرات از زمان ثبت نام تا پایان مراسم حج و بعد از آن است. خاطرات خود سفر هنوز تایپ نشده است.

اغلب اشعار از دو ماه مانده به شروع ایام مراسم حج و اعزام حجاج سروده شده است و به ترتیب در سایت بینانیوز درج شده است. عجیب است این مقدار سروده در این مدت کوتاه. فکر نمی کردم توفیق سرودن این مقدار شعر در موضوع انسان ساز حج را خداوند متعال نصیب من بکند.

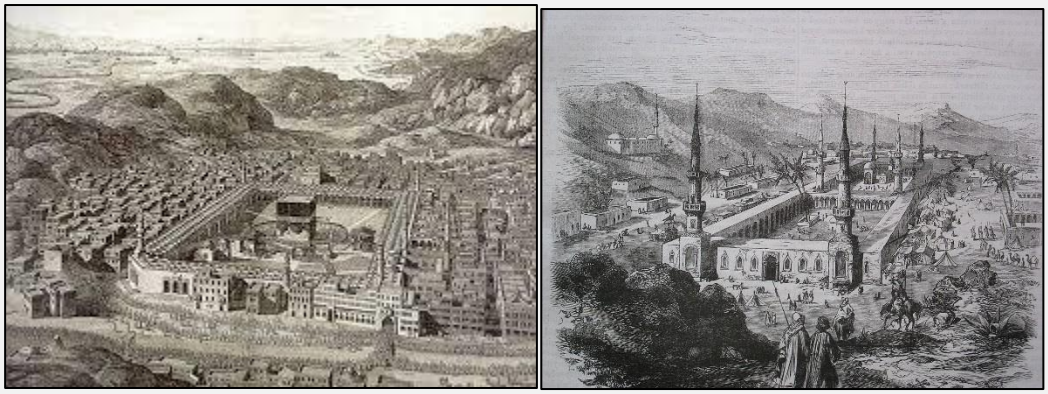
نکته مهم دیگر تولد من مهر ماه و اعزام من به مکه مصادف در مهر ماه بوده است. بقیه حوادث مربوط به مهرماه زندگی خود را در فایل خاطرات خوش زندگی آورده ام. حوادث و دلنوشته های بعد از سفر حج در این فایل و فایلهای دیگر به تناسب موضوع آورده شده است.

در یک جمله سفر حج ۱۳۹۳ برای من پر از الهام و همه سالهای بعد از آن، سال پر از برکات الهی بود. سرشار از دریافت ها و نوشته های ویژه بود. این فایل تا آخر سال ۱۳۹۵ را پوشش می دهد.

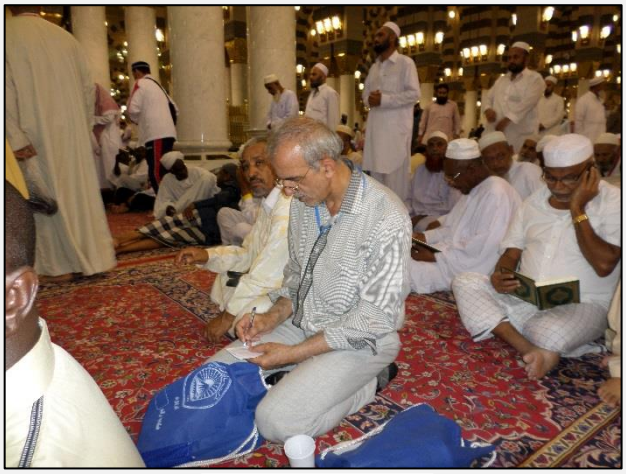
قسمت دوم انشالله اگر عمر باقی باشد و فرصت تایپ مطالب جمع آوری شده میسر باشد.

تاریخ نشر ۱۳۹۵/۵/۲۲. تاریخ دهمین نسخه بازبینی ۱۴۰۲/۴/۳

hasanzadehr@yahoo.com



نمائی از مسجدالحرام و مسجد نبی در روزگاران نه چندان دور



مسجد نبی ۱۳۹۳

مطالب مربوط به قبل از تشرف به حج تمتع ۱۳۹۳:

تاریخ ثبت نام:

- مهرماه ۱۳۸۴حق تالیف کتاب خود را دریافت کردم. ۱۳۸۴/۸/۱۷ برای تشرف به مکه معظمه و مدینه منوره در بانک ملی شعبه میدان کاج ثبت نام کردم. پول ودیعه اول (۱ میلیون تومان) از محل حق تالیف کتاب "شناسائی و طبقه بندی باکتریهای بیماریزای گیاهی" تامین شد که خالص ترین پول زندگی من بود زیرا ۲ سال بابت نوشتن آن زحمت کشیده شده بود. بقیه درآمدهای من هم پاک و از راه حلال بوده است بطوریکه با هر یک ماه از حقوق ماهیانه خود می توانم به حج بروم و با هر یک ریال آن می توانم معراج کنم. اما این پول ثبت نام، مغز پخته درآمدهای من بود. **حق تالیف شد ۲،۵۷۲،۰۰۰ تومان** (مراجعه شود به فایل دغدغه های من).

پارسال (۱۳۹۰) که تاریخ جدید برای اعزام به حج تمتع سپرده گذاران اعلام شد من نگران تهیه بقیه پول و دیگر هزینه های سفر بودم (منبع بالا). حقیقتش مدتها دلواپس این خبر بودم که نکند نوبت من بشود (من عاشق خدا و خانه خدا، در سن مطلوب ۵۶ سالگی با مدرک دکترا و با ۲۶ سال سابقه کار!) و من از عهده

مالی آن بر نیآیم!! سریع مدارک داخل کمد را گشتیم و دیدیم نوبت ما نشده است!! بخصوص که بتول هم چند هفته پس از ثبت نام من به صرافت افتاد که برای مکه ثبت نام کند و در معیت من مشکلی برای او از لحاظ جسمانی پیش نیآید. مبلغ ودیعه را از حساب خود پرداخت کرد. او حدودا ۵۰ روز بعد از من (۱۳۸۴/۱۰/۷) اقدام به این کار کرد.

اما من خیلی علاقمند بودم با برادرم ناصر این سفر را بروم تا هم سفر و هم صحبت خوبی برای هم باشیم. او که نیآمد من هم به همه اعلام کردم که برای این سفر بهتر است بقول مرحوم دکتر شریعتی چون کرگدن تنها سفر کن. همین هم شد. تا توانستم ستاره چیدم و با فرشتگان معزز خدا که بمانند کبوتران خانه امن الهی در بالای سر زائرین با بالهای رحمت خود در پرواز دائم بودند دست دادم.

نام نویسی از زائرین حج تمتع ۱۳۹۲ و انصراف من بدلیل عدم امکان شرکت همزمان من و بتول در حج ۹۲:

- با اعلام شروع ثبت نام از ودیعه گذاران حج تمتع تا تاریخ ۱۳۸۴/۸/۲۰ متوجه شدیم بتول نمی تواند در این سفر مرا همراهی کند. زیرا تاریخ ثبت نام او ۱۳۸۴/۱۰/۷ و تاریخ ثبت نام من ۱۳۸۴/۸/۱۷ بود (۵۰ روز اختلاف زمانی). بتول و آمینا دیروز به سازمان حج و اوقاف مراجعه کردند تا موضوع را پی گیری کنند. به ایشان گفته شده بود امکان ثبت نام هر دوی ما وجود ندارد اما من می توانم یکسال ثبت نام خود را به تاخیر بیاندازم تا سال بعد با هم مشرف بشویم. این سئوال را از یکی از کاروانهای اعزام هم پرسیده بودند که پاسخ هر دو یکی بود. با آنکه نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت و سرپرست حجاج ایرانی همسایه ما بودند مع الوصف هیچ تماس و التماس دعائی از ایشان نشد.

به جای آن، پنجشنبه ۱۳۹۲/۱/۲۹ ایمیلی به سازمان فرستادم و خواستم پاسخ رسمی بدهند که ندادند! مثل هر ارگان رسمی دولتی دیگر که سایت دارند اما از نوع غیرفعالش! دلیلش هم روشن است کادر اداری این سازمانها نه به خود اهمیت می دهند و نه به سازمان متبوع خود و نه به تکریم ارباب رجوع خود! اگرچه مشتریان ایشان ویژه و از زائرین خانه خدا باشند. چون تعداد داوطلبان حج تمتع امسال کم بود (بدلیل مشکلات اقتصادی) دیشب ۱۳۹۲/۱/۱۱ تلویزیون ایران از قول سازمان اوقاف فهرست بیشتری را اعلام کرد و از دارندگان قبض ودیعه گذاری علی الحساب حج تمتع تا آخر آذرماه هم دعوت بعمل آورد تا به به یکی از کاروان های مربوطه یا اینترنت مراجعه و ثبت نام کنند. متاسفانه تاریخ های جدید هم مشکل ما را حل نکرد زیرا با تاریخ ثبت نام بتول ۳ روز اختلاف داشت!

همین شد که من از رفتن به حج ۱۳۹۲ باز ماندم. شاید در این فاصله گذاری زمانی حکمتی باشد و شاید هم مثل هر کار دیگر ما اینجا هم یک امائی باید باشد!

در حال حاضر یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر در نوبت اعزام به حج تمتع هستند. اما چه کنم که سفرحج من پس از چند انتظار بعمد به سال بعد موکول شد. شاید سال آینده شاید وضع ما و کشور بهتر و ساخت و ساز دور حرم رو به اتمام باشد که مانع دیدن خوب ما نباشند.

کار زمین است به من سخت گذشت

بر تو و بر من به من سخت گذشت

موسم حج است نصیبم نشد

نوبت من بود به من سخت گذشت

معضل اقتصادی و عدم استقبال گسترده آحاد مردم از حج:

- معضل دیگر، بدلیل گرانی های سرسام آور یکسال اخیر و افزایش قیمت دلار از ۱۰۰۰ تومان در زمان ثبت نام به ۳۵۰۰ تومان (بازار آزاد) در سال جاری (۱۳۹۲) اعزام حجاج مثل هر مورد دیگر با مشکل مالی سازمان اوقاف و مردم روبرو شده است. از آنجائیکه سازمان حج برای اعزام هر فرد به مکه ۱۲-۱۰ میلیون تومان طلب کرده است (هزینه حج امسال برای هر زائر ایرانی سه هزار و ۹۶۱ دلار تعیین شده است) که این امر موجب اعتراض مردم ودیعه گذاران و عدم استقبال ایشان برای رفتن به این سفر روحانی شده است. سازمان اوقاف ناچار شده است برای تکمیل ظرفیت کاروانها از دارندگان فیش های تا آخر آذرماه هم درخواست ثبت نام بکنند (مورد استثنائی درطول تاریخ کشور!) اقتصاد کشور را به کجا کشانده اند که یک سفر حج برای یک حاجی حداقل ۱۸ میلیون تومان آب می خورد! گرانترین سفر جهان!
- طبق خبر دیروز مورخ ۱۳۹۲/۲/۳۰ تاکنون ۵۷ هزار نفر ثبت نام کرده اند و برای تکمیل ظرفیت کاروانها برای بار سوم اعلام کردند که دارندگان فیش های ۱۳۸۴/۱۰/۱نیز می توانند ثبت نام کنند! باز این تمدید مشمول بتول نشد. طبق اطلاع امسال ۶۳ هزار نفر از ایران اعزام می شوند. دلیل این کاهش توسعه محوطه مسجد الحرام است. با توافق با کشور عربستان، کاهش تعداد پرسنل اعزامی خود سازمان و نیز بعضی صرفه جوئی های دیگر قرار شد بین ۲-۱/۵ میلیون تومان از کل مبلغ به هر فیش برگردانیده شود.
- اما اعتراضی که وارد است این است چرا بانک ها سالها پول مردم را نزد خود نگه می دارند. برای خود یک سرمایه ثابت دست و پا می کنند اما در موقع اعزام حجاج این نوسانات قیمت ها در حسابهای ذخیره لحاظ نمی شود (سود ۲۰٪ لحاظ گردیده است). خوب از مملکت اسلامی و بانکداری اسلامی بدون ربا هم جز این انتظار نیست! اما این انتظار است پول بانکها میلیاردها میلیارد توسط این و آن بغارت برود! نمونه اش اختلاس سه هزار میلیارد تومانی مدیر عامل سابق بانک ملی آقای خاوری.

آمادگی اعتقادی و عرفانی من برای رفتن به حج:

- از بعد اعتقادی و فلسفی من از نیمه دوم سال ۱۳۹۱ چندین نظر (کامنت) استثنائی در سایت خبری شفقنا در ارتباط با مقالات مربوط به حج، عرفات، مکعب بودن خانه خدا، طواف برخلاف عقربه های ساعت و نیز دو مقاله مستقل راجع به فلسفه نماز و زبان نماز ارائه داده بودم (مراجعه شود به اصل و تکمله این دو مقاله در همین سایت) که احساسات خیلی ها را از جمله خودم، دوستان و دانشجویانم را برانگیخت که از مهمترین آنها می توانم به ایمیل خانم مهندس تجلی پور-شاعر اشاره کنم که نوشته بود:

"من مطمئنم به امید خدا شما حج با شکوهی را خواهید داشت" و ایمیل آقای دکتر جوکار دیگر دانشجوی سابق و ارزنده من نظر مرا به دوستان خود باز ارسال کرده بود (۴ آبان ۱۳۹۱) با این مضمون که: "امروز روز عرفه است و استاد باکتری شناس من تصویر جالبی از این موضوعات داده و همه را به خواندن اصل مطلب در سایت الف و سایت شفقنا جلب می کنم". و بالاخره شخصی بنام نیما در موضوع چهار گوش بودن کعبه نوشته بود"

"جناب حسن زاده چقدر زیبا عرفانی و دلنشین کلمات را به طواف چهار گوشه ی دل بردید! با مفاهیم علمی گاهی می شود تعابیری عاقلانه به کار برد که عشق را شیدا می کند. آرزو می کنم به مقام های والای عرفانی دست یابید. با توصیفات شما اشک ریختم و به گرد کعبه چرخیدم بی آنکه به آنجا رفته باشم. خدا توفیقتان دهد. از شفقنا هم ممنونم".

همه این نظرات در همان یک ماه حج تمتع ۱۳۹۱ ارائه گردید که حجاج از آن بی خبر و ایرانیان شفقناخوان از آن با خبر شدند.

من اگر حج بروم حج دگر را بکنم

حج خود را بکنم حج دگر را بکنم

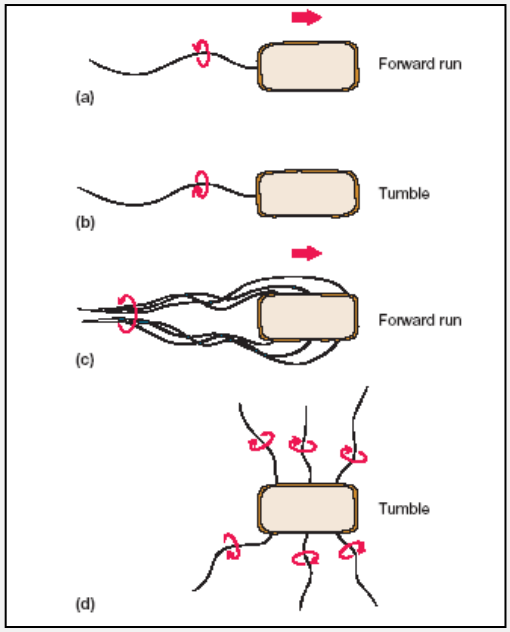
نفسی تازه کنم رنگ کمان را ببرم

تا دلم خانه کند حج دگر را بکنم

- نظر من (فایل ۲) ذیل گزارش مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۴ سایت شفقنا تحت عنوان چرا حجاج بخلاف حرکت عقربه های ساعت طواف می کنند؟

برای آنکه مطلب فوق از دو بعد علم بیولوژی و معرفت شناسی نیز بررسی شود لازم است به انواع حرکت باکتریها بعنوان موجودات تک سلولی نیز اشاره شود. باکتریها با استفاده از تاژک یا اندامک حرکتی خود می توانند به دو صورت حرکت کنند: در جهت عقربه های ساعت (clockwise movement) و یا بر خلاف عقربه های ساعت (counterclockwise movement). اگر بخواهند یک حرکت بیهوده کرده باشند و وقتی را بگذرانند دست به حرکت در جهت عقربه های ساعت می زنند (tumble or twiddle).

عموما در این نوع حرکت باکتریها بارها می لغزند و می افتند! اما اگر قصد دویدن داشته باشند تاکید می کنم دویدن (run) آنهم برای دست یافتن به یک ماده مفید حتما از حرکت خلاف جهت عقربه های ساعت استفاده می کنند.



افزایش سرعت حرکت باکتریها در صورت حرکت در جهت خلاف عقربه های ساعت.

اگر بخواهیم این مطلب را با موضوع مطرح توسط آقای دکتر حسین اردکانی هم سو کنیم می گوئیم اولا قصد خدا در طواف اذیت حاجیان نیست بلکه دادن آرامش، انرژی و نور در میدان مغناطیسی طواف است. برای این کار هم باید سرعت و هم رنگ مناسب داشت.

حتی نور خورشید هم نباید مزاحم نور خدا باشد. انتخاب رنگ سفید برای حجاج و رنگ مشکی برای خانه کعبه در همین راستاست.

تا زمانیکه ۵ نیرو یا هر چند نیرو به انسان وارد نشود و نیروها و انرژیهای ساطع سمت خانه خدا سرازیر نشوند تبادل نور و جذب نور از مبدا نور حاصل نمی شود. حجاج پرتو نور دیده صحرای عرفات را برای چند روز منور می کنند بدون آنکه خود آن نور را رویت کنند! اما این تمام داستان نیست باید ظلمت ها (گناهان) از جسم و روح ایشان خارج و یا حداقل قابل جدا شدن باشد.

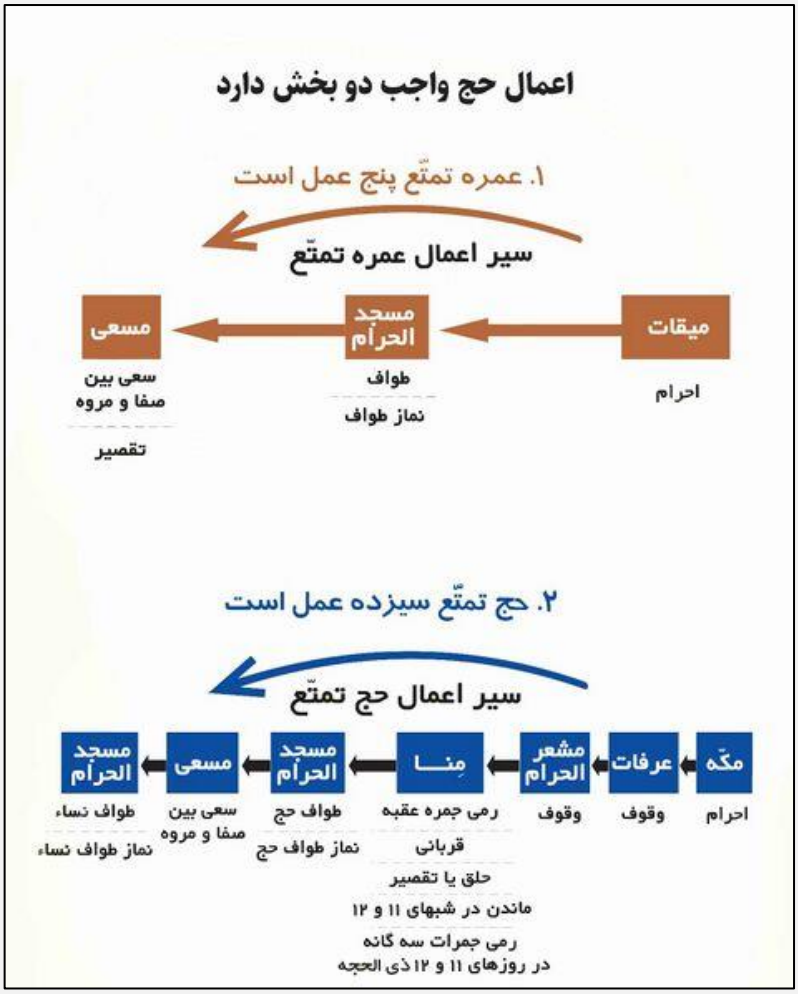
کجا بهتر از عرفات! نور جذب شده در طواف و نفوذ کرده در عرفات مهمترین سوغاتی معنوی حجاج از زیارت مکه است. شایان ذکر است این مطالب دو سال قبل از تشرف من به حج تمتع نوشته شده است. بقول معروف شنیدن کی بود مانند دیدن. فی الواقع سلسله مراتب پاکیزگی روح و جسم در مناسک حج طی چند مرحله متوالی و مستمر صورت می گیرد:

۱) احرام و زیارت ابتدائی خانه خدا (مدینه اولی ها ابتدا زیارت مسجد نبی و قبور ائمه بقیع را انجام می دهند)، ۲) رفتن به عرفات (وقوف ۱ و دومین عمل واجب حج که در روز عرفه در صحرای عرفات انجام می شود)، حرکت به سمت مشعر (وقوف ۲)، رمی جمرات، قربانی کردن، حلق (تراشیدن یا کوتاه کردن مو) در منا و خارج شدن از احرام (همه محرمات)، برگشت به مکه و زیارت مجدد خانه خدا (طواف زیارت/نماز طواف حج)، سعی مجدد سعی و مروه (از ارکان حج) و بالاخره طواف نسا و نماز

طواف نسا است. این نهایت خودسازی در کوتاه ترین زمان ممکنه است. در مکه دوم انسان حاجی، سبک ترین فرد روی زمین است. بی آلایش بدون پیرایش. چون یک کودک عاری از هر گناه است. انسانی است پریوش و پری وزن. **چهار حرکت را با هم و همزمان انجام داده است: وضعی و انتقالی و محرابی و معراجی**. در بازگشت به میهن همه حجاج خود را متفاوت می بینند چون مزه حضور را چشیدند و تابش نور را در جسم و جان خود حس کرده اند. این سبکبالی چقدر دوام می آورد به هنر درک هر حاجی از تشرف بستگی دارد. هرچه پایدارتر حاجی تر. راه حل من برای حفظ این ارزش افزوده حج در میهن خود.

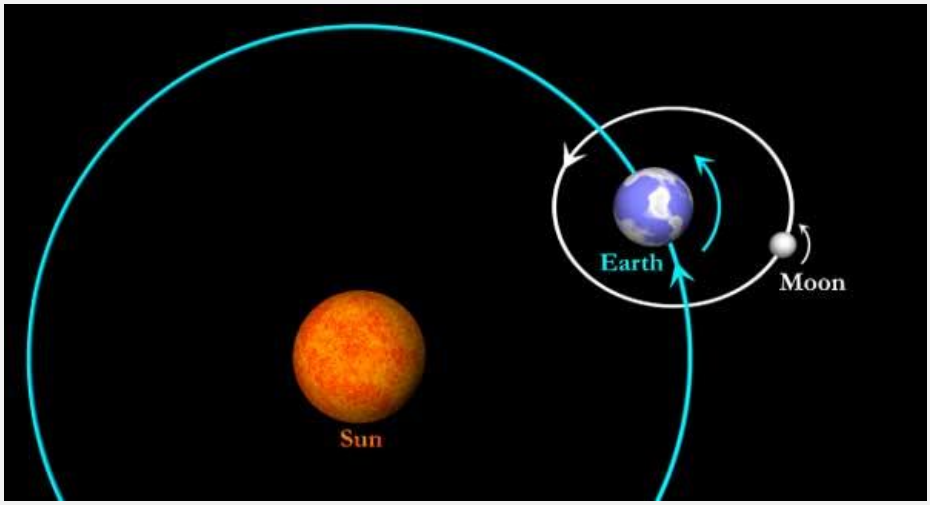
ترتیب اعمال حج تمتع

عمره تمتع
۱ شوال تا ۹ ذوالحجه
احرام در میقات • طواف • نماز طواف • سعی • تقصیر
حج
نهم ذوالحجه
احرام در مکه • وقوف در عرفات
شب دهم
وقوف در مشعر
روز دهم
رمی جمره عقبه • قربانی • حلق یا تقصیر
شب یازدهم
بیتوته در منا
روز یازدهم
رمی جمرات سه‌گانه
شب دوازدهم
بیتوته در منا
روز دوازدهم
رمی جمرات • طواف زیارت • نماز طواف • سعی • طواف نساء • نماز طواف نساء



- در مطالعات بعدی متوجه شدم همه گردش ها به دور هسته ها (هسته ستارگان کهکشان شیری و سیارات منظومه شمسی) در مدار دایره و در جهت خلاف حرکت عقربه‌های ساعت است. موجودات چندی هم هستند که ترجیح می دهند در جهت حرکت خلاف عقربه‌های ساعت بدوند تا بچرخند. بنابراین اکثر گردش ها به سمت خلاف جهت حرکت عقربه های ساعت است.

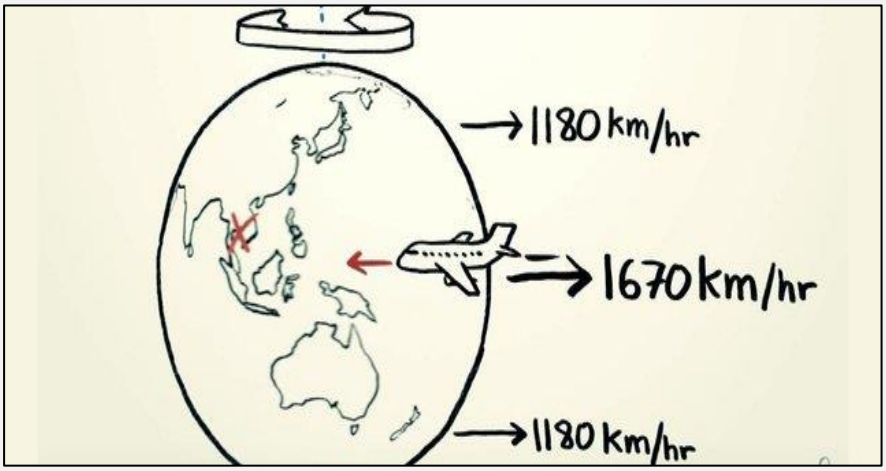
خود زمین هم که دارای دو حرکت وضعی (دور خود) و انتقالی (دور خورشید) است در هر دو حرکت، خلاف جهت عقربه های ساعت و از غرب به شرق گردش به چپ می کند.



حرکت وضعی و انتقالی زمین به ترتیب دور خود و دور خورشید.

فرمول فوق در پرواز با هواپیما هم صدق می کند. یک هواپیما چنانچه از غرب به شرق در حرکت باشد سریع تر از غرب به شرق به مقصد می رسد. به طور مثال، پرواز به سمت غرب شهر لس آنجلس یک ساعت طولانی تر از پرواز برگشت به سمت شرق است.

علت هم مشخص است. هر چیزی که روی زمین است از جمله هواپیما با سرعت ۱۶۷۰ کیلومتر بر ساعت به سمت شرق حرکت می‌کند. فرض کنید سرعت حرکت هواپیما به سمت شرق، ۱۶۰ کیلومتر در ساعت باشد. سرعت حرکت هواپیما (۱۶۰ کیلومتر در ساعت) + سرعت حرکت وضعی زمین (۱۶۷۰ کیلومتر بر ساعت) موجب می شود هواپیما با سرعت ۱۸۳۰ کیلومتر در ساعت در حرکت باشد. برعکس، اگر مقصد هواپیما از شرق به غرب باشد، از سرعت حرکت هواپیما طبق فرمول فوق کاسته می شود زیرا ۱۶۰ کیلومتر در ساعت سرعت حرکت هواپیما از سرعت حرکت موضعی زمین کسر می گردد (۱۶۷۰ منهای ۱۶۰ می شود ۱۵۱۰). لذا عملا هواپیما با سرعت فرضی ۱۵۱۰ کیلومتر بر ساعت حرکت می کند و لذا دیرتر به مقصد می رسد (ایسنا ۱۳۹۷). برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به دو مقاله "فلسفه خواندن نماز آیات" و "روزه شانه ائی از پیش شانه های زمین" در همین سایت ۱۳۹۷.



دو بیتی های سال ۱۳۹۲

بنده

راه تو رفتیم نرفتیم خدا

حج تو کردیم نکردیم خدا

نوبت صبح شد دریغ از نماز

بنده نوازیم نبودیم خدا

نماز-زکات-حج-ثلث مال

اگر دیدی خدا آنجا نماز است

زکات هر نماز هم یک نماز است

به حج رفتی نگو یک بار دیگر

برای ثلث مال یکصد نماز است

حج امام حسین (ع)

موسم حج است به حج می رود

سرمد حق است به خط می رود

کربلا را بلا را ببین

حامل پیک است کجا می رود

این ذبیح

عید ذبیح، ذبح ذبیح، این ذبیح

نذر ذبیح، پخش ذبیح، این ذبیح

فخر تو این است به حج رفته ائی

قصد من این است خورم این ذبیح

خانه خدا

روز و شب فکر من اینست که خدا خانه کیست

دل اگر خانه اوست پس رگ من خانه کیست

به جز از خانه دل هرچه حرم خانه اوست

به من از خانه بگو کعبه دل خانه کیست

- نظر زیر روز جمعه هفتم آذرماه ۱۳۹۳حدود یک ماه پس از بازگشت از سفر روحانی حج همراه با یک متن کوتاه در سایت بینانیوز ذیل خبر "فراخوان حج تمتع ۱۳۹۴ اعلام شد" انتشار یافت (فایل ۸۴):

جمله معروف و مشهور برای حجاج تازه برگشته از زیارت بیت الله الحرام: انشالله یک بار دیگر حج تمتع دیگر نصیب شما بشود. پاسخ من به این دعا این بود طالب اگر طالب است یک حج بس است! هزاران رکعت نماز شب کم است! منتها به چه کسی می شود گفت من هرشب نماز شب می خوانم! وقتی عبادات پنهانی من نمود عینی ندارد!

بلی کسی که یک بار حج رفت و روشن شد معلوم می شود یک عدد کبریت بر روشن شدن شمع وجودی او کافی بوده است. برای آنکه آن شمع او خاموش نشود کافیست او شمع دیگران را با شمع روشن خود روشن بکند. تاکید می کنم با شمع روشن خود و نه با کبریت.

پس مثال کسی که دهها بار مکه می رود و باز از سفر حج سیر نمی شود! به فردی می ماند که یک بسته کبریت را بر دست گرفته و مرتب بر شمع روشن خود کبریت می زند! البته اگر خدای ناکرده شمع وجودی او خیس و کبریت او بی گوگرد نباشد! بعینه شاهد بودم چه افرادی که در انتظار نوبت طولانی خود پیر و معلول شده بودند و حسرت می خوردند برتوانائی جسمی خود در روز ثبت نام. مباد با این خیل عظیم منتظران کسی هوس حج تمتع دوباره بکند.

سینه دارم سینه خیز از راه دیگر می روم

فارغ از دنیای خاک با گام دیگر می روم

سالها در می زنم بی در کجا من می روم

این مسیر تازه را با جان جانان می روم

من ندارم بال خود با بال دیگر می روم

ضرب عالم را ببین با ضرب عالم می روم

من لباس آدمم با هر لباسی می روم

راه سختی رفته ام باز از طریقی می روم

تا نگویند والسلام من راه خود را می روم

من شرابی خورده ام تا حج دیگر می روم

حج من ایمان من بی حج کجا من می روم

خانه دارم راه دور با نام دیگر می روم

عبد عبدم تا ابد با عهد آدم می روم

با طواف و بی طناب من تا ثریا می روم

- دو نظر دیگر من (فایل ۳) ذیل گزارش مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۰ سایت شفقنا تحت عنوان چرا کعبه چهارگوش است؟ انواع نام های "خانه خدا" به شرح مشروح زیر است:

نظر اول:

کعبه چهار گوش است چون دارای چهار چوب است. کتاب چهار گوش است چون دارای چهار چوب است و به همین ترتیب مومن چهار گوش است چون دارای چهار چوب است. یا هر فرد مومن و یا هر کشور مسلمان اگر چهار چوب نداشت پس دایره است. دایره یعنی انعطاف یعنی ورود و خروج بسیاری از ناخواسته ها یعنی خیلی چیزها که امروز گرفتار آن هستیم. نمادها خود بهتر حرف می زنند.

اگر کعبه اولین خانه ساخت بشر است پس طرحش هم باید ساده می بود. کدام شکل کامل تر، هندسی تر و چشم نوازتر از مکعب! این شکل مدل نقاشی هر کودکی است. مدل معماری هر خانه ای است. اما باید بیشتر دید و زمینی تر گفت. اینکه خانه ساده است، بی پیرایه است، تکرارش ملال آور نیست، صورت تنزل یافته دایره عرش است همه درست. اما دیگر چی؟

من دوست دارم باز از دو بعد بیولوژی و عرفانی به این مهم نگاه کنم.

در بحث تاریخچه پیدایش اولین سلول زنده (سلول باکتری) پرسشی که مدتها مطرح بود این بود سلول اول که ۳/۵ بیلیون سال پیش پدید آمد آیا گرد بود یا میله ای شکل (دارای طول، عرض، سطح و حجم)؟ بالاخره این اواخر نتیجه گرفتند میله ای شکل بوده است. سلول اول یک سلول ابتدائی نبوده بلکه کاملترین سلول بوده است و ظاهرا همه سلولها از آن منشعب شده اند (سلول مظهر و معجزه آفرینش و حیات است). مکعب (مستطیل یا مربع) یک شکل سه بعدی متشکل از ۶ مربع است.

کعبه موعود بعنوان خانه/سلول، مکعب است. چهار دیوار قابل تکیه و ۸ گوشه قابل جذب و رویت دارد. از بعد عرفانی کعبه مکعب است چون چهار چوب دارد. پرده دارد چون عفاف دارد. به هر چهار دیوارش می شود از نزدیک تکیه کرد و به هر چهار گوشه اش می شود علامت گذاشت.

اما از مسافت های دور چطور؟ برای غیر حجاج چی؟ دهها میلیون نمازگزار روزی ۵ بار از چهار گوشه دنیا به سمت یکی از گوشه های کعبه خدا پیغام می فرستند. دایره، حریم مناسب برای گوش محرم نیست. همه گوش ها و نه گوشه ها می توانند دریافت کننده پیغام ها باشند.

سیگنالهای چهار سوی دنیا توسط ۸ گوش خانه کعبه [شاید هم چهار گوشه بالا که در ارتفاع قرار دارند (رکن یمانی/رکن حجرالاسواد/رکن شامی/رکن عراقی) و مثل دیش ماهواره ها عمل می کنند] شنیده می شود. کعبه پس از آن دیگر کعبه نیست، بیت المعمور است (بیت المعمور خانه ای است در آسمان که درست برابرِ کعبه قرار گرفته است) که از بالا (سقف خانه کعبه) مشرف به عرش برین است.

در واقع کعبه بزرگترین، قدیمی ترین و معنوی ترین مرکز دیجیتال جذب، ساماندهی و رله سیگنالهای چهار گوشه مردم مسلمان دنیا به جانب عرش برین است. در زمین و زیر زمین کعبه چه می گذرد (منظورم دحو الارض بودن مکه و گسترش یافتن زمین از این منطقه، تاثیر انباشت سیگنالهای جماعت میلیاردی مسلمانان در این مکان و تا روز میعاد است. قبور انبیا در جنب خانه خدا مزید بر علت است) والله اعلم".

خانه ائی از یک کتاب

خانه ائی در یک کتاب

با تو گفتند این کتاب

خانه ائی با یک کتاب (درج نظر در فایل ۱۱۵ سایت بینانیوز ذیل خبر زمان ثبت‌نام نمایشگاه کتاب تهران تمدید شد. ۳۰ بهمن ۱۳۹۳).

- نظر دوم:

از زبان دکتر حسن بلخاری استاد و پژوهشگر فلسفه هنر می خواندم در عالم معنا، مربع شکل تنزل یافته دایره است. کعبه مربع و عرش دایره کامل است. حجاج با طواف خود سعی می کنند دایره بسازند ولی به خاطر حجر اسماعیل و.. طواف دور کعبه یک دایره کامل نیست". از این منظر من یکبار دیگر به شکل کعبه و به حریم طواف و محرم های داخل طواف نگریستم دیدم داستان بزرگتر از آنست که بشود توصیف کرد.

اولا حریمی که برای طواف تعیین شده است کاملا دایره است. داخل این دایره سه حریم است: ۱) حجر اسماعیل (مدفن هاجر و انبیا) ۲) حجرالاسواد سنگ آسمانی که باید از جنس عرش و به نقل از پیامبر (ص) دست راست خدا بر روی زمین باشد که هر کس آن را مسح کند دست خدا را مسح کرده است (سنگ بودنش هم شاید بخاطر قرار گرفتن در زمین است) و۳) مقام ابراهیم (جای پای ابراهیم به هنگام ساختن کعبه) که خوشبختانه کلا از دایره طواف دور نیفتاده (به مشیت خدا).

اما جابجائی آن با این تصویری که می خواهم ارائه بدهم خطای بزرگ بوده است. اما حجاج (باید نماینده های همه رنگ ها و نژادهای روی زمین باشند. با یک قوم طواف/حج کامل نیست چون خالق نماینده همه مخلوقات خود را یکجا می پذیرد) با هفت بار طواف دایره وار خود و با اتمام بار هفتم طواف، کعبه را از حالت کعبه به حالت دایره در می آورند. کعبه تا شکل کروی نگیرد با تمام حریم ها و میهمانهای جدید خود به مکان مشخص بر روی عرش ملحق نمی شود. مثل نشستن یک هلیکوپتر بر روی خط دایره ای که از قبل تعیین شده است/شاید هم الحاق سفینه به ایستگاه بین المللی فضائی). این کار با حج عمره میسر نیست! نیروی عظیم انسانی می طلبد مثل امسال (۱۳۹۱) با بیش از ۳ میلیون زائر بیت الله الحرام. آیا حج عمره عروج جمعی می تواند داشته باشد؟ محل اتصال کعبه به عرش باید از ناحیه سنگ حجرالاسود باشد (در هنگام اتصال این سنگ به چه شکل در می آید خدا می داند). به همین دلیل هم هست که آغاز و پایان طواف از این نقطه است.

ما در علم بیوشیمی و ژنتیک پدیده ای بنام قفل و کلید داریم. دو مولکول متفاوت از هم وقتی قادرند به هم وصل شده و انجام کاری و تولید محصولی بکنند که چون قفل و کلید تمام زوایا و دندانه های هر دو مولکول منطبق به هم باشد. اما مهم نشستن نیست، استقبال شدن است و چه استقبالی زیباتر از در معیت مقام ابراهیم و حجر اسماعیل بودن! و البته در روز قیامت با خود ذریه ابراهیم بودن! حاجی ها باید بدانند با حج خود معراج موقت می کنند.

پس حق حج، حاجی ماندن برای تمام عمر است. برای هر مسلمان یکبار حج کفایت می کند. بی نوبت، با نوبت خریدن و متعدد رفتن به مکه خط قرمز زیارت است. آسانسور نیست که مثل بچه ها با آن عروج کنی! مسئولیت هر بار مکه رفتن به مراتب بالاتر از نرفتنش است. زیارت حج رسالت ایثار را بر دوشت می گذارد. آیا آمادگی آن را داری؟ اگر نه پس سعی کنی شمعی را که با نور خدا روشن کردی خاموش نکنی. چگونه؟ حداقل سالی یک بار ذبح و توزیع گوشت آن فقط بین مستمندان فراموش نشود!! موضوع مهم دیگر مناسک حج و مقام های متعدد در آن طوری طراحی شده است که قابل مقایسه با دیگر امکان مقدسه نیست.

اینکه می گویند مشهد حج فقرا است درست نیست. بلکه حج فقرا، فقط و فقط نماز است. اما مشهد جایگاه امام نور است. در نزد خدا دارای قرب است. قلب رئوف و دست رضا دارد. کسی از حرم او دست خالی بر نمی گردد. خود من آنرا حداقل دوبار تجربه کرده ام. شما هم تجربه بکنید.

- نظر دیگر من (فایل ۴) ذیل گزارش مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۰ سایت شفقنا تحت عنوان آیا واقعا امام حسین حجش را نیمه تمام گذاشت؟ که مشروح آن به شرح زیر است:

مقدمتا باید بنویسم برای نوشتن نظر زیر سر از پا نمی شناختم. یادم هست تا ۳ نصف شب بیدار ماندم. سر بر بالش خود در تاریکی شب فقط فکر می کردم. چند لحظه در چشمان بسته خود سایه لشکر امام حسین (ع) را به صورت ساکن می دیدم. "سه پرده از رمز و راز حج را پیرامون دو موضوع" چرا کعبه چهارگوش است" و چرا "حجاج خلاف جهت عقربه های ساعت طواف می کنند" در قالب های تصویری ممکن بیان کردم. امروز که روز اول محرم است و ماه ایثار و ماتم است حق است به آن شهید تاریخ و آن زائر بنام کعبه ادای احترام کنیم و به خود گوشزد که رنج اسلام فراوان و وظیفه مسلمانی و حاجی بودن سنگین. طبق نوشته بالا امام حسین (ع) چه عمره مفرده کرده باشد و چه عمره تمتع، هفتم ذی حجه در مکه بوده است. هشتم ذی حجه یعنی یک روز قبل از شروع حج تمتع از مکه خارج شده است.

پرسش اینجاست منظور او از آمدن این همه راه چه بوده است؟ پیداست هدف بزرگی داشته است. او هم چون هر انسان دیگر محتاج دعا و پیغام است. مرکز پیغام کعبه است. محل انتشار نور دایره طواف است. مدار اتصال است. زمان عروج دور آخر طواف است.

اما او در این طواف تنها نیست. چند نسل او از ابراهیم- هاجر- اسماعیل تا محمد- فاطمه-علی او را در این طواف بعنوان یکی از دو شباب الجنه مشایعت می کنند. او به همراه ذریه قبل و بعد از خود در هفتمین دور طواف از بیت المعمور می گذرد. حکم را رسما می گیرد، با نور خدا، نور علی نور می شود. در زمین لختی می ایستد و بعد با عجله راه کربلا را در پیش می گیرد. بقیه مناسک چی؟ حرمت حج نیمه کاره چه می شود؟.. او چون جد بزرگوارش دارای رسالت است. حامل پیغام عظیم است.

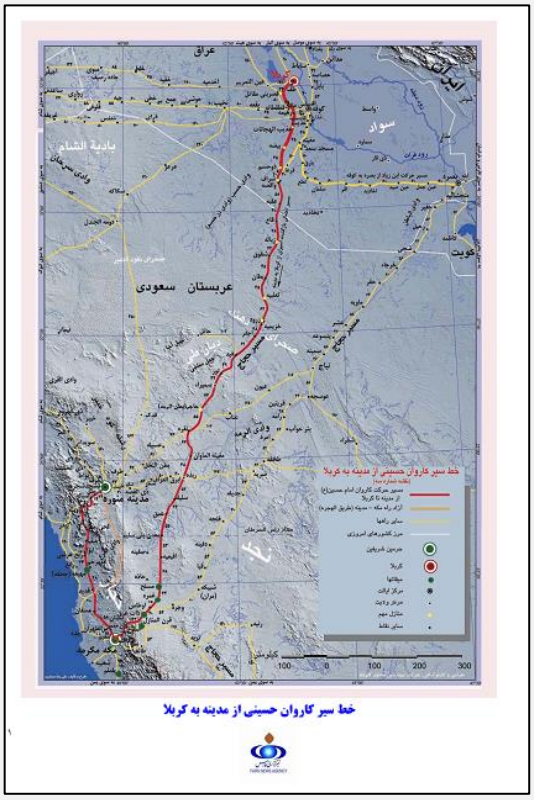
اگر پیامبر هم اجازه داشت پیغام را از کعبه و نه از غار حرا می آورد. اما ظاهرا اسلام استقرار یافته و این مقدار اجازه را به دارندگان و اصلاح کنندگان پیغام می دهند!

باید کعبه را به کربلا متصل کند. چه مشابهت اسمی زیبائی کعبه و کربلا! شما می فرمائید وقوف در عرفات و مشعر چه می شود؟ رَمی جمرات چه می شود؟ او می گوید اسلام چه می شود؟ منزل به منزل ردپای نور کعبه را می شود پشت آن کاروان که همه از اخیار بودند را دید. این خط/پیغام نور همیشه بین کعبه و کربلا بر قرار است. اما نکته آخر او نگران قربانی کردن نیست! محلش تغییر یافته ذبیحش آماده است. سلام بر حسین ذبیح الله (چون جدش اسماعیل ذبیح الله). "السلام علی الحسین و.....اصحاب الحسین".

- اما این تمام داستان من برای فهم درست عاشورای نبود.

روز عاشورای ۱۳۹۱ خیلی علاقمند شدم مسیر کاروان از شروع (مدینه) تا روز واقعه (کربلا) و تا بردن اسرا (۱۶ پسربچه بعلاوه ۱ نفر حضرت امام سجاد و کمتر از این تعداد خانم ها بودند که خانم زینب رئیس و فرمانده کاروان اسرا بود. در کل تعداد اسرا کمتر از یک سوم شهدا بودند) به کوفه و دمشق و تا بازگرداندن اسرا به مدینه را دقیق بدانم. از تعداد اسرا بدانم و.. در اینترنت ۳ فایل را پیدا کردم و ضبط کردم که نشان می داد کل مسیر زیارت-جهاد-اسارت ۴۱۰۰ کیلومتر، کل اسرا حدود یک سوم شهدا و سه خطبه حضرت زینب

در بازار کوفه (مردم کوفه)، بارگاه ابن زیاد (کوفه) و دربار یزید (کاخ سبز در شام است. اما بعضی منابع مثل مورد پائین دمشق نوشته اند. علت این است که شام درگذشته شامل سوریه، لبنان، اردن و فلسطین بوده و همچنین به پایتخت سوریه که هم اکنون دمشق نام دارد نیز گفته می شد. اما طبق یک منبع جدید فاصله شام تا دمشق با ماشین نیم ساعت است (مراجعه شود به مقاله محرم: پایان حج نیمه تمام کاروان امام حسین (ع)، ۱۳ مهر ۱۳۹۵ در همین سایت).



- باز در منابع آمده از جمله کارهای مدبرانه حضرت زینب (س) برگزاری مجالس سوگواری و عزاداری در شام و مدینه و دستور وی مبنی بر سیاه پوش نمودن محمل ها بود که فرمود: اجعلوها سوداء حتی یعلم الناس، انا فی مصیبة وعزاء لقتل اولاد الزهراء (س) – محمل ها را سیاه پوش کنید تا مردم بدانند که ما در مصیبت و عزاداری برای کشته شدن فرزندان زهرا هستیم. هر چند این گونه امور از نظر دشمنان ساده و بی ارزش بود ولی در حقیقت همین کارهای با ارزش زمینه ساز قیام و انقلاب مردم علیه قاتلان امام حسین علیه السلام بود که توانست کاخ یزیدیان را متزلزل کند.
- و بعد هم فهمیدم در عمل دو کاروان عازم کربلا بودند. کاروانی که مقصد نهائی ایشان کربلا بود و کاروان دیگر که مقصد نهائی آن مدینه دوم بود. این دو کاروان یک قافله سالار، یک علمدار و یک پیام دار بنام داشت. پیام مکه را به حضرت امامش دادند. پیام دوم در کربلا صادر شد و تا کربلائی نشد بدست حضرت زینب سپرده نشد. هر دو پیام برنوشته از نور بودند. اما پیام دوم به جهل قوم یزید و به فخر شهدا خونین شد. خیلی

وقت ها پیام های صلح و دوستی کاری را از پیش نمی برند و لازم است پیام سرخ/اسارت به گوش ها برسد! زینب حامل پیام "نور و خون" باید خبر پیروزی اسلام را با خطبه های نورین- خونین خود به اطلاع همه مسلمین جهان اسلام می رساند. کجا ثبت کند که بی هیچ کاستی ثبت بشود، تحریف نشود و آیندگان از آن درس"همه جا کربلا و هر روز عاشورا" بگیرند. هر جائی که کانون خبر عالم اسلام است! کجا؟ "دربار- بارگاه- بازار کوفه، شام و دمشق و آخر سر هم به مردم مدینه".

این دربارها قرنها بود که خون مردم را به شیشه می کردند و در طول تاریخ مرتب شبیه سازی می شدند. جنس این شیشه های رنگین از ظلم و ظلمت است. محال است خون به شیشه شده مردم در آن ظروف شیشه ای قابل رویت باشد.

کار حضرت زینب و امام ساجدین در آن روزهای سخت که گفتنش سهل، درکش دشوار و تحملش غیرممکن است ترک دادن این ظروف شیشه ای پر خون با نرم افزار پیروزی خون بر شمشیر بود. هر دو کاروان با این دو پیام همه رنج های سفر اول و دوم را تحمل کردند تا نور خدا بر روی زمین ثبت گردد.

یکایک اعضای کاروان خود در لحظات سخت تصمیم، تقدیم خون و تکریم امام خود یک امام کامل بودند. چنان شانه به شانه به امامشان و خدای دینشان عرض ارادت می کردند که تمایز ایشان به جز از طریق نام افراد غیر ممکن بود.

در آن عصر فقط این ۷۲ نفر قابلیت امام شدن را داشتند. امت ۷۲ نفری برای بیداری هم امت ها و بویژه امت ۲ میلیاردی امروز مسلمانان. خدایا مصیبت بزرگ بود. می دانم محدود به زمین و دشت وحشت کربلا نمی شد و کل سما و ارض به تماشای این تابلو بی بدیل تاریخ بودند اما از زیارت نامه امام حسین می آموزم که خدایا "مرا به معرفت ایشان گرامی و بیزاری از دشمنان ایشان را روزی من بفرما".

- نظر دیگر من (فایل ۵) ذیل گزارش مورخ ۱۳۹۱/۹/۲۰ سایت شفقنا تحت عنوان ائمه بقیع از نزدیک ترین فاصله.تصاویر اختصاصی شفقنا ارمغان حج ۱۴۳۳/۱۳۹۱:

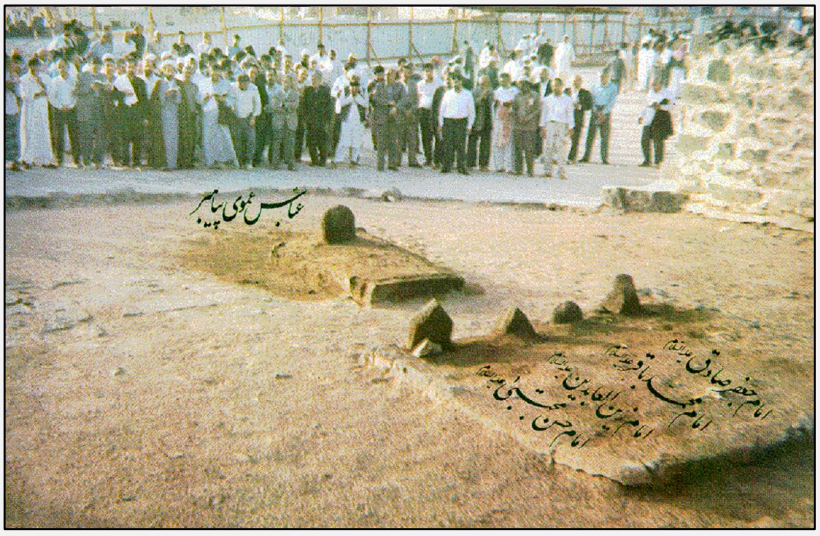
مپرسید که من چه می بینم/ در بقیع نور چلچراغ می بینم/ میاندازید سایه نور بر این انوار/ که من در بقیع نور خدا می بینم. بقیع نور، نور چراغ نمی خواهد، بقعه و آذین نمی خواهد. نور عالم تاب دارد. جزو لاینفک



دحو الارض است. جمع جمیع نورین است. هر مانعی از جنس نور/ سایه، مانع ساطع انوار آن بر عالم می شود. چرا این را می گویم چون امامان ما نورند. بلکه فوق نورند. شهیدان آغشته به خون هم نورند. ما مردگان را می شوئیم اما شهیدان را نه! چرا زیارت قبور می رویم؟ چرا موقع رفتن به گورستانها نباید زیارت قبور شهدا را فراموش بکنیم؟ جواب ساده است. اثر معجز آسای نور. شهید آغشته در خون، آکنده در نور هم هست. لذا نور را با آب شستن محال و بلکه عبث تر از خون به خون شستن است. برعکس، بدن انسان مرده را باید شست. زیرا بدن غسل شده او هنوز استحقاق جذب نور را دارد. لذا بر او نماز می گزارند، او را با صلوات و گفتن لااله الا الله/محمد رسول الله به سمت منزلگاه ابدی مشایعت می کنند. درگوش او تلقین می کنند. با این امید که اثر نور این اذکار او را در آن لحظات سخت وداع حمایت کند. ضمن آنکه دهان مشایعت کنندگان نیز پر نور می شود. در توصیه به زیارت قبور هم علاوه بر عبرت، دمیدن نور در قالب زیارت نامه یا فاتحه بر روح متوفی است.

درحالیکه در مورد شهدا ایشان به مقام زائر نور رسیده اند. هر جا دفن کنند منشا نورند. هرکس زیارت کند نورانی و مطهر می شود. چون شهدا در چشم خدا و چشم و چراغ ملت خود هستند. در سفره نورند و روزی خدا می خورند (ولاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عندهم یرزقون). چشم جان باید تا این نورها را دید و فهمید شعاع نور بقیع و امامان نور بقیع تا کجاست.

بقیع فقط برای گریستن بر قبور مطهر نیست. جای دیدن یک نور خاص هم نیست. جای تماشای جولانگاه انوار الهی است.



- وقتی مطلب فوق را برای نشر به سایت شفقنا فرستادم بیم آن داشتم که با مخالفت روبرو بشود. زیرا از قدیم الایام بقیع مظهر مظلومیت و ریختن اشک بود و ارائه این نظر برای دوستداران و نه مریدان واقعی آن امامان همام و دیگر صحابه پیامبر باید سخت بوده باشد. از آن طرف کینه و حسادت آل سعود به این قبور بر کسی پوشیده نیست. تخریب بقیع در ۸۹ سال پیش نشان از ترس ایشان از احیای تفکر اسلام صدر اسلام است.

ما شیعیان هم اجازه یابیم آنجا را که یکی از اسلامی ترین قبرستانهای دنیا است سریع تبدیل به ضریح و آئینه کاری می کنیم. به این امید که به ائمه خدمت کرده ایم. غافل از اینکه هر دستکاری در بافت اصیل مکه ما را از شواهد تاریخی و مظاهر اسلامی دور می کند.

نور بقیع در نور خفتگان ایشان است. ایشان درحیات خود نور بودند و در ممات خود حتما هزاران نور شدند. هنوز امید دارم یک روزی حسگر/سنسوری کشف بشود تا بتواند نور نامرئی اینگونه امکان و اذکار بر دهان مومنین را نمایان و آشکار کند. زیارتنامه ای هم که همراه فایل در سایت آمده بود حکایت از حضور دائمی ملائکه دارد (ای سرپرستانم، آیا وارد شوم/ ای اولیای خدا آیا وارد شوم/ ای ملائکه خدا که در برگیرنده این حرم و مقیم در این زیارتگاهید).

- خوشبختانه قبرستان بقیع علیرغم تخریب ها و کینه توزی های آل سعود تاکنون به مشیت خدا اصیل و بی بدیل و با بوی محمدی باقی مانده است. بویژه که قبر مبارک حضرت رسول در فاصله ۲۰۰ متری آنجا و مشرف به بقیع است. یعنی چه؟ آیا این موضوع تصادفی است؟ تصادف است که نور چشمی و چشمان پیامبر در ۲۰۰ قدمی پیامبر باشند و ما به آن سایبان یا نور کم جان برق بیاندازیم؟
- رنگ قبرستان بقیع (جنات البقیع) به رنگ خاک رس است. جز این هم انتظار نیست. اما نظر من به نورانی بودن قبرستان بقیع بدلیل نورانی بودن اکثر خفتگان در آنست. در سفر حج ۱۳۹۳ می دیدم بعض حجاج قصد داشتند مشتی از خاک آنجا را به تبرک ببرند که شرطه ها اجازه این کار را نمی دادند. کبوتران این خاک کاش می دانستند کجا را برای پرواز انتخاب کرده اند. خدا را شکر در ورودیه بقیع قبر۴ امام همام (امام حسن، امام سجاد، امام باقر و امام صادق) قرار داشت و همه حجاج می ایستادند و به این بزرگ بزرگواران که جای واقعی ایشان کنار قبر رسول الله است زیارتنامه می خواندند.

همه ابعاد زمین آن حرم نورین است

عرفات یا جمرات از حرم نورین است

خس میقات جمالم بکنم یاد جلال

همه اموات بقیع در حرم نورین است

نام نویسی از زائرین برای حج تمتع ۱۳۹۳ و ثبت نام من در غیاب همسرم بتول:

- با اینکه من و بتول امسال می خواستیم با هم به مکه تشرف پیدا کنیم و یکسال من معطل ثبت نام او شدم به دلائلی از جمله اشتغال به کار آمینا و نگرانی از آنیتا این سفر فقط برای من مقدر شد! حقیقتش را بخواهید دل من یک چیز می خواست. ته دل من چیز دیگری می خواست و خواست خدا هم یک چیز دیگری بود. خدا می خواست من این سفر را پس از ۹ سال انتظار تنها بروم تا هر چه در توانم هست را دریافت و یادداشت کنم. آرزوئی که من از سالهای خیلی دور داشتم اما به مرور تسلیم تصمیمات دیگر شدم. خلوت گزینی با خدا

در خانه خدا بزرگترین نعمت است، بالاترین قرب است. هر کسی آن را خدشه دار کند مغرض است. همین قدر بگویم در این سفر من تنها خبرنگار خبرگزاری خود بودم. لحظه ائی قلم از دست من نیفتاد حتی در هنگام ورود به سالن (سوله) رمی جمرات!

- ۱۷ بهمن ۱۳۹۲ از دفتر پلیس+۱۰ سعادت آباد اقدام به تهیه پاسپورت کردم. قرار بود ۱۰ روز دیگر پاسپورت جدید به آدرس خانه ارسال بشود. اما دو روز بعد به خانه تلفن زدند که در پاسپورت قدیمی تاریخ تولد را ۱۳۳۴/۸/۷ نوشته اند در حالیکه در شناسنامه تاریخ دقیق ۱۳۳۴/۷/۷ است! برای اصلاح آن مجبور شدم به اداره گذرنامه یافت آباد مراجعه کنم. چقدر راه بود بماند! و چرا باید به جای اداره گذرنامه پل گیشا باید مسیر دوردست را می رفتم تا برای خیابانها عامل ترافیک، برای سوخت کشور عامل مصرف، برای سمند عامل استهلاک و برای جسمم عامل خستگی باشم بماند! چقدر از ماشین پیاده شدم و از مردم آدرس پرسیدم بماند! فکر می کردم مثل بقیه ادارت دولتی آنجا هم یک فضای سبز و یک ساختمان عریض و طویل دارد. دیدم یک ساختمان دوطبقه آپارتمانی است با چند پلیس و چند خانم افسر پشت باجه! روی فتوکپی شناسنامه من افسر محترم نوشت "مورد اصلاح شود". دادم باجه ۴ در کامپیوتر وارد کرد و گفت به سلامت!! آیا نمی شد همان دفتر سعادت آباد این را وارد بکند؟ واقعا که دولت الکترونیک معجزه می کند!
- پاسپورت را که دریافت کردم سراغ کاروانها رفتم. نزدیکترین به ما شهرک غرب بود. ۹۲/۱۲/۶ به آنجا مراجعه کردم. گفتند روز اول ظرفیت پر شد! دل نگران شدم! به دفتر زیاتی پگاه رو (آقای سعیدی مدیر آژانس هواپیمائی پگاه رو (شماره تلفن ۶۶۹۳۶۲۶۹)و آقای محسن جوشقانی مدیر کاروان (۰۹۱۲۱۵۹۳۶۰۵) واقع در میدان توحید روبروی بیمارستان سوانح سوختگی زنگ زدم گفتند پذیرش می دهیم. البته دو هفته در مراجعه من به کاروانها تاخیر افتاد و در این مدت سازمان اوقاف بدلیل خالی ماندن ظرفیت کاروانها، مشمولین بیشتری را (تا ۲۰ بهمن ۱۳۸۴) دعوت به ثبت نام کرد. چرا که هزینه اعزام به حج تمتع حدود ۱۱ میلیون تومان است و خیلی ها قادر به ثبت نام آن نیستند!

بیشترین این افراد از مومنین هستند که مثل من حدود ۹ سال در نوبت بودند و حرام و حلال حالی شان است و مثل بعضی ها نیستند که از جیب مردم می خوردند، بهترین درآمدها را دارند، غلط کرد زندگی شاهانه! حاضرند برای حضور در کنسرت های نوروزی ترکیه با جمع خانواده خود بروند و میلیونها تومان خرج کنند تا چند شبی را با هوی و هوس خود حال بکنند! دولت هم فقط پول می شناسد ولاغیر! تنها کمکش به زائرین این است که به هر زائر ۱،۱۰۰،۰۰۰ تومان تخفیف می دهد (از سال گذشته بخاطر افزایش بی رویه قیمت هر یک دلار از ۱۰۰۰ تومان به ۳۰۰۰ تومان و انصراف و یا به تاخیر انداختن سفر حج توسط افرادی که سالها در نوبت حج بودند سازمان اوقاف را بر آن داشت بانک ها را وادار کند بابت ودیعه چندساله افراد به آنها سود بدهد. بتول که به بانک مراجعه کرده بود تا ۵ میلیون تومان علی الحساب را پرداخت نماید گفته بودند سود بانکی پول شما حدود ۱،۴۰۰،۰۰۰ تومان است.

موضوع جالب دیگر این بود که بانک ۵ میلیون تومان را از بتول گرفته بود و ۲،۴۰۰،۰۰۰ تومان آن را پس از ثبت نام به بتول برگردانده بود. در واقع ۵ میلیون تومان درخواستی شامل اصل پول ودیعه+ مبلغ سود+ ۲،۶۰۰،۰۰۰ بود). اما روزی که من به دفتر آژانس پگاه نو مراجعه کردم خالی از مشتری بود! چند روز هم که از ثبت نام من گذشته ظرفیت پذیرش او و بیشتر کاروانها خالی است!

دفتر آژانس به من گفتند این کاروان مدینه اول است! گفتم فرقی به من ندارد! بعد به خود گفتم عجب سعادتی اول زیارت نبی بعد رب نبی! من مرده سلسله مراتبم!

بعد یک فرم دادند تکمیل بکنم. دیدم در یکی از بندها نوشته شده نام مرجع تقلید! گفتم ننویسم چی؟ گفتند باید اسم یک فرد را بنویسی. پس از لختی درنگ، یاد آیت الله سیستانی افتادم که اعلم است و من او را به عنوان عالم دینی که خود را آلوده دنیا نکرده و عراق را بعد از صدام نجات داده است بدون اینکه وارد عالم سیاست بشود را قبول دارم. اسم ایشان را نوشتم. بعد از من خواستند ۵ میلیون تومان علی الحساب تا ۲۰ اسفند به حساب اوقاف واریز نمایم.

هزینه کل را حدود ده میلیون و ششصد هزار تومان اعلام کردند. در حالیکه هزینه اعلام شده بعضی آژانس ها حدود یازده میلیون و دویست هزار تومان بود (۶۰۰ هزار تومان اختلاف!). علت را پرسیدم. گفتند این بابت اسکان است و گرنه اطاق ها همه چهار تخت خوابی هستند. هر کاروان شامل حدود ۱۶۰ نفر بود.

- ۱۳۹۳/۲/۸ دوباره فیش قسط دوم را پرداخت کردیم. مبلغ فیش ۵،۵۷۸،۱۰۰ تومان بود. بانک ۱،۱۰۰،۰۰۰ تومان آن را برگرداند و مبلغ ۴،۵۰۰،۰۰۰ تومان بابت قسط دوم پرداخت شد. بنابراین کل مبلغ پرداختی من به بانک بابت حج شد حدودا ۸،۵۰۰،۰۰۰ تومان (۱ میلیون تومان پول ودیعه+ ۲،۵۰۰،۰۰۰ تومان بابت قسط اول + ۴،۵۰۰،۰۰۰ تومان بابت قسط دوم).
- ۱۳۹۳/۲/۳۰ برای تحویل پاسپورت به آژانس پگاه رو مراجعه کردم. برنامه اجباری جلسات آموزشی مناسک را به من داد که برای ۱۱ روز بطور متناوب پیش بینی شده بود (از ۱۳۹۳/۳/۳۰ لغایت ۱۳۹۳/۶/۲۱). به آقای سعیدی گفتم با این برنامه یک سفر حج هم باید در ایران داشته باشیم! در راه برگشت از آژانس این دوبیتی را داخل اتوبوس بی آر تی سرودم:

به شهر آمدم شهر ما پاک بود
به جز شهر ما دست ما پاک بود
جهت را نیابم مرا کعبه است
بدین رهگذر این دلم پاک بود

- مرتب از اردیبهشت ماه از روابط عمومی سازمان حج و زیارت پیامک بدستم می رسد که کلاسهای آنلاین را پی گیری کنم. من نمی دانم مگر ما کجا می رویم که اینقدر اینها ما را کلاس باران می کنند؟ شاید هم برای توجیه حق التدریس آقایان است!

- انشاءالله یکی از برنامه های من در مکه مکرمه خواندن فاتحه بر سر قبر گمنام مادر بزرگ مادرم (آباجی) خواهد بود که دوران طفولیت من به مکه رفته بوده و همانجا فوت شده بود. آباجی در اردیبهشت ۱۳۳۹ در سفر مکه در روز عید قربان قبل از رسیدن به منا فوت و در همانجا دفن می شود. خواهر بزرگم ناهید می گوید او در قبرستان ابیطالب دفن شده است اما در نوشته های مرحوم پدر (آقاجان) اشاره ائی به محل دفن او نشده است.
- برای معاینات پزشکی به پایین تر از تالار شعر (پارک دانشجو) کوچه پرتوی پلاک۸ طبقه ۳ مراجعه کردم و قرار شد نتایج آزمایش به آدرس دکتر ایمیل بشود. فشار خون من ۹-۱۴ بود.
- برای کلاس های توجیهی که از ۱۳۹۳/۳/۲۹ شروع شده بود به مسجد/حسینیه بقیع واقع در خیابان حبیب الله-خیابان خارک (نزدیک دبیرستان سابق آنیتا دبیرستان فرهنگ رضوان) رفتیم. گفتند یک ماه مانده به سفر باید واکسن منانژیت بزنیم. هرکس معتاد است انصراف بدهد تا بعدا دچار دردسر در گمرگ ایران و عربستان نشود. هر کس خانواده شهدا است باید با رئیس کاروان صحبت بکند برای رفتن به بعثه رهبری. هرکس زبان بلد است اعلام بکند برای معرفی به بعثه رهبری. می گفت این کاروان درجه ۲ محسوب می شود و ۱۳۵ زائر دارد که کوچکترین زائر آن ۲۴ سال و مسن ترین آن ۸۴ سال سن دارد.

اذعان داشت بعضی کاروانها انتخاب یکدست می کنند. همه را از اساتید و طبقات مرفه بر می دارند و سن حجاج را متوسط انتخاب می کنند! تا مشکل بیماری و کهولت و غیره کمتر پیش نیآید. در این جلسه یک لیست بلند و بالائی از کالاهای مختلف برای ما ارائه دادند که باید تهیه می شد برای سفر حج از جمله حوله، دارو، دمپائی، عینک دودی، زیرانداز، طناب پلاستیکی، بادبزن، دستمال کاغذی، روبالش، پتوی سبک... و نیز واریز مبلغ ۱۶۰،۰۰۰ تومان بابت تهیه جامه دان به حساب سازمان حج و اوقاف. بعدش هم گفتند پول گوسفند را مجزا خواهند گرفت. مبلغ ۳۵۲،۸۰۰ تومان در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۱۹برای قربانی حج پرداخت شد.

زائر کعبه

(۱۳۹۳/۳/۱۹ بعد از نماز صبح سروده شد. درج در سایت بینانیوز ذیل خبر شروط عربستان برای برگزاری حج تمتع- مورخ ۱۳۹۳/۶/۶. فایل ۴۳)

نظری سوی تو کردم که نظر سوی تو باشد

جهت بوی تو رفتم که مگر بوی تو باشد

به بتان نامه نوشتم که بتی در دل من نیست

همه بت را بشکستم که مرا بیت تو باشد

به سرا پرده عالم مددی جز تو نباشد

به جهان خرم از آنم که جهان جای تو باشد

صمد و سرمد عالم به زبان زیرزبان بود

به تو دیدم سفران هرچه سفر سوی تو باشد

به کسی نامه ندادم که غلط نامه من بود

به تو من نامه نوشتم که قلم کار تو باشد

زائر قدس حبیبم که پر از سر نهان است

چه کنم محو تو باشد به دلم نام تو باشد

- از ده ها کلاس آموزشی کاروان آقای جوشقانی که روزهای جمعه از ساعت ۱۱-۹ صبح برگزار می شد من پنج کلاس بیشتر شرکت نکردم (در ایام حج فهمیدم هیچکدام از این کلاسهای توجیهی لازم نبودند! و خیلی از خریدها و وسائل همراه زائر که ما از ایران بردیم غیر ضروری و دمپائیهای غیربهداشتی خریداری شده در بیرون مسجد هم که یک ظلم آشکار به حجاج بود. خدا می داند زخم پای من در مکه چقدر برای من دردسرساز شد! برای یک پیاده روی مفرط این کالا باید از بهترین ها انتخاب و به حجاج عرضه می شد). در جلسه آموزشی روز ۹۳/۵/۱۷ آقای جوشقانی نام چند نفر از جمله نام مرا اعلام کرد برای تشکیل یاوران حجاج. روحانی کاروان حاج آقا کارگر هستند.

هفته بعد پیامک فرستادند:

برای شرکت در همایش یاروان حجاج در سالن اجتماعات سازمان و حج و زیارت (۹۳/۵/۳۰). فردای آن روز قرار شد همه در ورزشگاه آزادی مجتمع کنند! چقدر وقت مردم تلف می شود خدا می داند. من دیگر به استادیوم آزادی نرفتم و در همایش یاوران حجاج شرکت کردم. ظاهرا آنجا هم تمرین طواف و..بود!! در سالن اجتماعات سازمان و حج و زیارت سه روحانی پشت تریبون رفتند دریغ از یک پیام الهام بخش! همه چیز در ایران فقط برای خالی بودن عریضه برگزار می شود. محتوا مهم نیست! مردم چقدر وقت می گذارند و آواره خیابانها می شوند مهم نیست. چند نفری بیآیند که گفته باشند فلان مجلس را برگزار کردیم! پول منبر هم رفتند حلال باشد!! من در منبر سوم جلسه را ترک کردم.

بیرون سالن مقداری بروشور و جزوه و یک کیک و یک ساندیس دادند و من از سالن همایش یاوران حجاج که در سازمان اوقاف واقع در نبش خیابان رودکی برگزار شد تا میدان انقلاب را پیاده روی کردم و از آنجا با ماشین به خانه مادر (آنا) واقع در میدان فلسطین رفتم. این پیاده روی برای من لازم بود تا جسم خود را آماده زیارت حج بکنم. اما چون عادت به این کار نداشتم انگشتان کوچک پای من تاول زد! در حین پیاده روی برای خودم نغمه ائی می خواندم و مرتب آن را یادداشت می کردم که ماحصل آن اشعار زیر است:

حج غریبی است به حج می روم

یاد عزیزی است به حج می روم

باده بدستم کجا می روم

راحل مستم به حج می روم

****

عرش خدا عرشه ما را خرید

زنده ما مرده ما را خرید

هرچه طلب داشت به ما وانهاد

واله ما را به خود چون خرید

سفر خدا

(پس از ترک سالن همایش یاوران حجاج و در مسیر پیاده روی تا میدان انقلاب قطعه شعر زیر متدرجا روی کاغذی یادداشت و در سایت بینانیوز به تاریخ ۱۳۹۳/۶/۱۲ ذیل خبر "توصیه‌های وزارت بهداشت به زائران حج تمتع درباره کرونا"– فایل ۵۱ قرار داده شد.

مقدمه نظر اینگونه شروع می شد که حج به مثابه سالن خط مونتاژ خودرو و کارواش تمام اتومات است. در سالن مونتاژ ابتدا شاسی، موتور، گیربکس و دیگر قطعات اصلی روی بدنه خودرو به کمک انسان و ربات مونتاژ می شود. بعد از آن در اطاق تست تخریب خودروی مونتاژ شده مورد بازبینی قرار می گیرد. شماره خودرو روی محفظه بالای موتور حک می شود. درب ها نصب می شوند. بعد خودرو منتقل می شود به سالن رنگ. پس از رنگ، خودرو به سالن مونتاژ فرستاده می شود تا حدود ۷۰ هزار قطعه از یک پیچ تا یک قطعه بزرگ بهم وصل بشوند. پس از این مرحله خودروی آماده خروج از خط تولید می شود. اما در قسمت کارواش تمام اتومات، پس از نظافت داخل اتومبیل، خودرو وارد تونلهای شستشو می شود. برس های عمودی و افقی با حرکت های نوسانی و دورانی خود کلیه گل و لای های موجود بر روی بدنه و رینگ و اطراف تایر ها و گلگیر را تمیز و با فشار قوی آب گرم و شوینده سطح خودرو به طور اتومات شستشو می شود.

در مکه هم روح و جسم با هم صیقلی می شوند. با هر تابش نور، گناهان بیشتری از جسم و روح انسانی زدوده می شود و فرد در پایان حج جلای کامل می یابد. هر اندامی از بدن که طی سالیان عمر دچار غل، عیب و مریضی بوده با فیض رحمانی ترمیم و بلکه تعویض می شود.

خداوند هر سال جسم و روح ۳-۲ میلیون مسلمان را اینگونه بازیابی و راهی کاشانه های خود می کند. نماز، روزه و حتی رسم ذبح های سالیانه حجاج قدیم و جدید برای حفاظت از جسم و روح صیقل خورده است. برای هشدار به موقع برای عدم ارتکاب به گناهان جدید است. اما کمتر حاجی این نور را با خود تا آخر عمر حفظ می کند. عمر این نور در حجاج بین ۱ روز تا چند ماه است.

بازی باز است چه بازی کنیم

ساکن خاکیم چه خاکی کنیم

مریم عشق است به عشق آمده

مرهم راز است به رسم آمده

آمد شهر را بگو آمده

کافر ایمان به خود آمده

هرچه سفر کرد به خود کرده است

این سفر اما به ما کرده است

هرچه بلا هست بلا می دهیم

هرچه فنا هست حرا می دهیم

حاضر خود را حضر می دهیم

ناظر خود را نظر می دهیم

سینه او را طلا می کنیم

آفت او را فنا می کنیم

بوی گلهای حج

(این شعر اولین شعر من راجع به حج بود که در تاریخ ۱۳۹۳/۶/۱ ذیل خبر "هزینه اعزام به حج تمتع اعلام شد" سایت بینانیوز در آن سایت قرار داده شد. فایل ۳۹)

انجم و لیل و نهارم

با تو گفتم بی زبانم

آتشی در سینه دارم

دیده ای در خانه دارم

آمدم تا گل بگویم

هرچه گل یکجا ببویم

بوی احمد خوش ترین است

بوی حیدر نازنین است

نام کوثر آخرین است

قبر هاجر از ثمین است

یادم آمد کاروان اینجا سفر کرد

شب حسین اینجا سحر کرد

من یکی از چاکرینم

من حسین را خادمینم

من گذر را پس ندادم

من حسین را غم ندادم

دل به خاک مصطفی دارم هنوز

یاد دنیای معادم من هنوز

برنچیند کار خود را چیده ام

گر نبینند کار خود را دیده ام

من اذان را حافظم

من مدد را حاملم

من جهت دارم هنوز

رو به سمت قبله دارم من هنوز

من به حج دیدم تو را

کی طواف کردم تو را

دین من بیمار نیست

روح من دینار نیست

فکر و ذکرم با خداست

کار و بارم با خداست

از ابوذر گفته باشم گفته اند

با مسیح هم گفته باشم گفته اند

چشم من دیگر به هر سو می رود

قبله دارد هر جهاتی می رود

نام اعظم را نیابد می رود

از حرا تا عرشیا هم می رود

من خودم را گر نیابم مرده ام

من خدا را دیده باشم زنده ام

من خدا دارم مدد

من مدد جویم مدد

من کجا اینجا کجا

ماه من در من کجا

هر نشانش یک خطاب

با نگاهش یک ثواب

- از اواسط ماه مرداد هزینه های جاری خانه بدلیل مسافرت و....زیاد شد. بتول با بچه ها برای شرکت در مراسم ازدواج دختر همسایه قدیم با هواپیما عازم مشهد شدند. بعد مجبور شد بدهی خود را با خواهرش بابت تعمیر مغازه پدری تبریز که حدود ۲ میلیون تومان بود صاف بکند.
- **حقوق ماهیانه من هم مشخص است. با حق مدیریت می شد حدود ۴ میلیون تومان+ مقداری کم از یک محل دیگر. اما قربان رحمت خدا بروم. رفتم بانک حقوق مردادماه را بگیرم دیدم علاوه برحقوق ماهیانه به حسابم مبلغ حدود دو میلیون و سیصد هزار تومان واریز شده است! بابت چی؟ خدا می داند.**
- اواخر شهریورماه عازم مکه هستم. نیاز به پول برای تهیه ارز و غیره دارم. به شوخی به بتول می گویم اگر گفتند این پول اشتباها به حساب شما واریز شده چه می کنی؟ (دوبار قبلا چنین اتفاقی برایم در دانشگاه افتاده و ما بلافاصله آن را برگردانیدیم) به شوخی می گوید پس نمی دهم! بلافاصله اضافه می کند مثل دو مورد قبل بر می گردانیم. به او می گویم حالا دیدی چرا کسی که قرض می گیرد حاضر به پس دادن قرض خود نیست؟ چون اغلب بی پول هستند. مگر مریض باشند و یا دزد! و باز به او یادآوری می کنم چرا بعضی مردم وقتی مستاصل می شوند بناچار دست به دزدی می زنند.
- پس وظیفه هر مسلمانی است حواسش به اطرافیان بی پول خود باشد تا اولا به گناه نیفتند و در ثانی مثل ما از دریافت هدیه خدادادی خوشحال باشند. کمک به ملت های ضعیف بویژه اگر هم زبان و هم نژاد و هم کیش باشند فوق همه این نعمات و برکاتش، فوق همه برکات است.

زائر کعبه

(۱۳۹۳/۵/۲۱ صبح هنگام سروده شد)

مومن حق ایم به حق می رویم

عازم حج ایم به حج می رویم

نشات دنیا به حج رفتن است

مایه فخریم به وقت می رویم

نشانم دهید

(دو بیتی های زیر در سایت بینانیوز ذیل خبر "افتتاح برج ساعت مکه پس از مناسک حج" به تاریخ ۱۳۹۳/۶/۱۳ درج شد. فایل ۵۲. مدرن ترین ساختمان دنیا برای محو نورانی ترین بنای دنیا.



شاهد شب را نشانم دهید

اول شب را نشانم دهید

هرچه نشان است نشانم دهید

مانده شب را نشانم دهید

باغ تماشا تماشائی است

وقت تماشا تماشائی است

موسم حج است به حج می روم

با تو تماشا تماشائی است

مرده سیب ام بنامم دهید

نصفه نخواهم تمامم دهید

هرچه نخوردم بکامم دهید

بس که نشستم نشانم دهید

میوه نخوردم گناهی کنم

با تو نشستم صفائی کنم

میوه حوا به آدم چه بود

دانه گندم سئوالی کنم

(درج این دوبیتی همراه با متن در سایت بینانیوز ذیل خبر"مسمانان هتک حرمت به مرقد مطهر رسول‌اکرم (ص) را تحمل نمی‌کنند". ۱۳۹۳/۶/۱۴. فایل۵۴)

راه تو رفتیم نرفتیم خدا

حج تو کردیم نکردیم خدا

نوبت صبح شد دریغ از نماز

بنده نبودیم نبودیم خدا

- امروز صبح ۱۳۹۳/۶/۷در کلاس آموزشی حج که من یکی در میان رفته ام (تا حالا ۸ جلسه برگزار شده است) مطالبی را هم مدیر کاروان (آقای جوشقانی) و هم روحانی کاروان (آقای کارگر) ارائه دادند. شعار امسال حج، معنویت، خودباوری و اتحاد اسلامی است و معلوم نیست واضع این شعارها که به تقلید از عید نوروز است کیست؟ حاج آقا کارگر می گفتند که طواف وسیله از پیله درآمدن پروانه است تا فرد سبک شده بال درآورده بتواند دور کعبه پروانه وار بچرخد و انرژی بگیرد. می گفت سمت چپ بدن ما باید رو به کعبه باشد و ما از رکن یمانی به سمت رکن حجرالاسود رفته و از آنجا ۷ دور طواف شروع می شود. تعجب می کرد چرا تاکنون ۵ نفر از اهالی کاروان به او بابت تصحیح قرائت نماز مراجعه کرده است!
- آقای جوشقانی پس از مدتها درنگ در اعلام دقیق حرکت کاروان (مرتب درجلسات مختلف می گفت تاریخ دقیق رفت و برگشت برای ما نامعلوم است) اعلام کرد حرکت کاروان ۱۲/۵–۱ بامداد روز پنجشنبه ۹۳/۶/۲۷ از جلوی همین مسجد (بقیع) به سمت فرودگاه بین المللی امام خمینی خواهد بود (برای اولین بار است حجاج بیت الله الحرام هم از این فرودگاه استفاده می کنند). ساعت پرواز ۶,۲۰ دقیقه با ایران ایر خواهد بود. به همه اعلام شد با لباسهای سفید که قبلا سفارش داده بودیم در فرودگاه حاضر بشویم. چمدانها دو روز قبل (۱۳۹۳/۶/۲۵) بین ساعت ۶–۵/۵ صبح به ایشان جلوی مسجد بقیع داده شد و تحویل آن در هتل مدینه اعلام بود. می گفت چمدانهای خود را قفل نزنید چون مقداری کتاب و جزوه و بنر داخل آنها خواهند گذاشت و ما آنها را در عربستان از شما تحویل خواهیم گرفت. البته برای من این موضوع یک چیز را تداعی می کرد و آن فرستادن نامه اعمال قبل از رفتن به آن دنیا است.

  و نیز می گفت در برگشت چمدانها از طریق پست به دم خانه ها تحویل داده خواهد شد. این سخن هم برای من تداعی فرستادن نامه اعمال قبل از حضور ما، بررسی کردن و بایگانی کردن آنها و منتظر ماندن به پیوستن ما برای گشودن پرونده ما در جلوی چشمان ما برای گرفتن تائیدیه نهائی ما می کرد! تاریخ برگشت گفتند احتمالا ۲۵ ماه مهر خواهد بود. سفارش می داد برای تهیه سیم کارت عربی که مکالمه با آن ارزان تر تمام می شود (۵۰۰ تومان از ایران و ۱۵۰۰ تومان از عربستان بابت هر دقیقه مکالمه). شماره سیم کارت عربی او بود۰۵۰۴۹۱۹۳۴۷ و معاون او آقای صباغ پور ۰۵۰۴۹۱۹۴۳۷. قرار شد تا هفته آینده عوارض خروج از کشور پرداخت شود و نیز واکسن منانژیت زده شده باشد.
- امسال برای هر حاجی ۳۰۰ دلار ارز دولتی در نظر گرفته شده است که شعب ارزی بانک ملت با ارائه شناسنامه و کارت ملی یک هفته مانده به حرکت کاروان ارائه خواهند داد. در مسیر برگشت به خانه، شعر زیرا در اتوبان

یادگار امام پشت فرمان مزمزمه کردم. سپس آن را در آستانه اعزام حجاج سال بعد (۱۳۹۴) به تاریخ ۱۳۹۴/۵/۳۱.

فایل ۲۰۸ در سایت بینانیوز ذیل خبر"رهبر انقلاب: حج فقط متعلق به ایرانی‌ها نیست" انتشار دادم:

الهی مگر طواف دگر، صفای دگر، کلام دگر

شنیدن سخن با زبان دگر، با بیان دگر با صدای دگر

ندائی که موسی به کوهی شنید

أنا ربّکَ با زبانی شنید

صدایم بکن تا صدایت کنم

به طور و حرا من نشانت کنم

به شب یا به صبح

مستطعیم به صبح

عطائی اگر

به وقت حج باشد

لقائی اگر

به وقت حق باشد

- کم کم به روز میعاد نزدیک می شدیم. تدارک سفر در حال پایان بود. برای خرید یک تک شلوار و یک پیراهن سفارش کاوران حجاج به ساختمان پلاسکو واقع در چهارراه اسلامبول رفتم. تبریز که بودیم (تا سال۱۳۴۹) هر کس که از تهران بر می گشت از پلاسکو بعنوان تنها آسمان خراش (امروز بنام برج) تهران یاد می کرد. می گفتند اینقدر بلند است که اگر خواسته باشی طبقه آخر آن را ببینی حتما کلاهت می افتد! امروز که این ساختمان ۱۴ طبقه را از نزدیک دیدم به دنیای کوچک آن روز خود کمی خندیدم (۳۰ دی ۱۳۹۵ اینساختمان نماد تهران مدرن طعمه حریق شد و فرو ریخت). همین دید را هم از خیابانهای آن روز تبریز داشتیم که امروز به نظر چقدر کم عرض و کم طول هستند! ۸۷ هزار تومان شد پول یک شلوار سفید و یک پیراهن طوسی رنگ. تزریق واکسن منانژیت هم هلال احمر میدان انقلاب زدم۳۳۵۰۰ تومان.
- ۱۳۹۳/۶/۱۲از دانشکده درخواست مرخصی کردم. تنها مدرک خود که برنامه کلاسهای آموزشی بود و نام و شماره تلفن مدیر آژانس و مدیر کاروان بود را پیوست کردم. گفتند نامه آژانس هم باید ضمیمه بشود. ضمنا تعهد داده شود پس از مراجعت درسهای جبرانی را برگزار بکنم! من هم این شعر را کامل کرده و اینجا قرار دادم و به خود گفتم من در چه فکری ام و دانشگاه در چه فکری؟ کی من از درسم زدم که این دومی باشد؟ آنهم پس از برگشت از زیارت خانه خدا! برای تعدادی از دانشجویان دکتری مازاد تدریس داشتم (کاش راضی بودند اسامی ایشان را اینجا می آوردم) بدون اینکه کنترل کلاسها از آن با خبر باشند (در اطاق خود و پشت کامپیوتر خود تدریس می کردم) و خدای ناکرده بخواهند برای من مازاد تدریس رد بکنند!

حرف آخر

من اگر سر بزنم یک سر دیگر بزنم

به دلم سر بکشم یک نم دیگر بزنم

به طواف گر بروم دور دگر را بزنم

دور اول که زدم دوره دیگر بزنم

سبد گل بشوم غنچه دیگر بزنم

سعی هاجر بکنم سر به بیابان بزنم

جمع یاران نبی یک کف دیگر بزنم

به صفا چون برسم مروه دیگر بزنم

حج مقبول همین درب خدا را بزنم

دم آخر به خدا حرف دگر را بزنم

- در مرور روزانه اخبار سایت بینانیوز این تیتر چون دیگر اخبار مربوط به حج برای من جالب بود"مسلمانان با همدلی حربه اختلاف‌افکنی را از دست دشمن بگیرند" (۱۳۹۳/۶/۱۶. فایل ۵۵). نظر من راجع به این خبر اینگونه بود:

داشتم به خود می گفتم مکه چه کسی مقبول است؟ به یاد اویس قرنی افتادم. اویس اهل یمن بود. مخارج خود و مادرش را از طریق چوپانی تأمین می کرد. یک بار از مادرش اجازه گرفت برای دیدار پیامبر به مدینه برود. مادرش برای نصف روز اقامت در مدینه به او اجازه سفر داد. تا رسید مدینه، شنید آن حضرت در سفر است. اویس چون فقط برای یک نصف روز ماندن در مدینه را از مادرش اجازه گرفته بود ناچار شد بدون دیدار یار به یمن باز گردد (احترام مادر و پیامبر به یک اندازه در دو دیار مختلف!). بعد که حضرت از سفر بازگشتند، فرمودند من بوئی در این خانه حس می‌کنم. به ایشان عرض شد اویس قرنی آمده بود. همین! پس برای مقبولی حج هم باید اماکن را دید و هم هوای مکه و مدینه و دیگر عرصه های معرفتی را با تمام وجود صبح و شام بو کرد و حس کرد. تا جائی که جز استشمام بوی انبیا و اوصیا، بوئی، روئی، سوئی، ..در کوی یار برکسی خوش نیآید.

چه دیدی شاید قابل بودی و یا قابل شدی درباره تو هم گفتند فلانی هم آمده بود. بعد از برگشت ازحج به یکی از دانشجویان گفتم در باکتری شناسی وقتی ما یک باکتری را با یک آنتی بیوتیک یا یک رنگ نشاندار (label) می کنیم او را در جمع میلیونی می توان به راحتی ردیابی کرد. مثل قدیما که اسب ها و گوسفندان را نشان دار می کردند. قرنی مومن نشاندار شده خداوند بود.

بوی نبی و بوی اویس تا کجا

بوی نبی بوی علی تا کجا

هرچه که خواهم ببوسم تو را

بوی تو خوش باد ببویم تو را

ضامن حج ام همین گفتن است

بوی تو کردن همان گفتن است

من که نگفتم خودش گفت به من

تا که نبویم نگویند به من

فاصله حرف و عمل تا کجا

حرف تو گفتم نگفتم کجا

عمر من اینک به شصت هم رسید

دشت من اینجا به دستم رسید

بعدها با جستجو در اینترنت دیدم فاصله یمن به مکه نزدیک تر است از فاصله یمن به مدینه. شاید دو برابر راه مکه (عکس ضبط شد). بین مدینه تا مکه ۴۲۰ کیلومتر است و فاصله یمن تا مدینه در یک جائی نوشته شده بود حدود ۱۰۰۰ کیلومتر. حداقل ۱۰ روز فرد باید تو راه بوده باشد. برگشت اینهمه راه در آن روزگار واقعا طاقت فرسا بوده است.

- ۱۳۹۳/۶/۱۴ به کلاس ما قبل آخر حج رفتم. فرمی دادند تکمیل بکنم. فرم مربوط به همکار افتخاری با بعثه بود. بعد از جلسه آقای جوشقانی گفتند شما نماینده بعثه هستید و گزارش وضعیت کاروان در مکه به شما واگذار شده است. **کاروان ما که تعداد افراد آن ۱۴۰ نفر است به ۱۲ گروه کوچکتر تقسیم شده که مرا هم سرگروه یکی از این گروه ها معرفی کرده اند.**

کار سرگروه ها کمک های مختلف است از جمله وقتی رمی جمرات تمام شد سرگروه به مدیر کاروان اطلاع می دهد تا او به نماینده حاضر در قربانگاه اطلاع بدهد تا برای او قربانی بکشند. چند نکته هم آقای کارگر روحانی کاروان می گفت. اول اینکه جز یک مرجع که گفته نماز را با جمع اما فرادا بخوانید، بقیه مراجع گفته اند پشت سر امام جماعت مکه می شود نماز جماعت خواند! پیشنهاد ایشان هم این بود نماز خود را قبل از شروع نماز جماعت خود بصورت فرادا بخوانیم! بعد برای نمایش وحدت مسلمین با ایشان هم نماز جماعت بخوانیم! و دوم جز یک مرجع که به تراشیدن موی سر با تیغ معتقد است بقیه علما اجازه دادند موی سر با ماشین ته زن تراشیده (حلق) شود.

به اینجا که می رسم یک آه برای مسلمانی خود و همه مسلمانان عالم می کشم. من که در هند مرتب هر هفته نماز جمعه و جماعت می رفتم اغلب نماز را با جمع و نه فردای جمع (حمد و سوره را فرد به آرامی بخواند) می خواندم. تازه یک بار که در ده باکرول شهر آناند (گجرات) آماده خواندن نماز جماعت بودم (دوره دکترا) دیدم یک نفر به پشت من می زند و اشاره می کند دستانم را مثل ایشان (سنی ها) روی شکم خود جمع بکنم.

این در حالیست تقریبا ظاهری شبیه به ایشان داشتم. مثل ایشان عرق چین سفید بر سر می گذاشتم، مهر نداشتم و دستانم را موقع اقامه نماز روی ران خود می گذاشتم اما اختلاف ظاهری در این حد هم برای بعضی ها غیرقابل تحمل بود.

- دهمین و آخرین کلاس آموزشی را یکی در میان رفتم. آقای کارگر روحانی کاروان می گفت نظر علما متفاوت است. بعضی تا برآمدگی پا گفته اند. اما نظر فلانی برای مسح پا تا..؟ هر کسی در پاسخ ایشان یکی چیزی می گفت. یک پیرمرد در جلسه که از من هم کمی فاصله داشت به شوخی گفت تا زانو! آقای کارگر که دید جلسه به طنز کشیده می شود جواب سئوال خود را داد. نظر ایشان تا مفصل پا است.
- بعد بحث کرد که سابق بر این ایرانیها وقتی نماز جماعت خوانده می شد مسجد الحرام را ترک می کردند و مفتی های عربستان به نمازگزاران مسلمانان سنی می گفتند ببینید شیاطین نماز را ترک می کنند (من خودم از مرحوم آقاجان شنیده بودم که به جای نماز، ایرانیها می رفتند سراغ خرید!) اما با فتوای امام این رسم برچیده شد و الان اگر نماز جماعتی در هتل برگزار بشود بعثه رهبری مسئولین کاروان را توبیخ می کند.
- موضوع دیگر را که آقای کارگر روحانی کاروان گفت و برای من از همه چیز شگفت آورتر بود خواندن نماز شکسته در این یک ماه ایام حج است چرا که در هیچ مکانی حجاج ۱۰ روز اقامت دائم نخواهند داشت! مگر وارد مسجد الحرام و مسجد النبی و نه صحن شده باشیم. در مسجد الحرام طواف بصورت دایره و نماز یک جهتی است! من در سایت شفقنا ذیل گزارش مورخ ۲۰ مهر ۱۳۹۱ آن سایت درباره اینکه "چرا کعبه چهار گوش است" دو تا نظر علمی ارائه دادم و تاکید کردم حجاج با طواف خود سعی می کنند دایره بسازند تا کعبه را به حالت آسمانی خود یعنی دایره دربیآورند. امروز که صحبت آقا را شنیدم به این باور رسیدم حجاج نه تنها با طواف خود که با نماز دایره وار خود دور کعبه، کعبه را دایره و کعبه دایره شده را مماس به بیت المعمور (بیت المعمور خانه ای است در آسمان که درست برابرِ کعبه قرار گرفته است) می کنند تا به موازات عرش برین حجاج، معراج کوتاهی داشته باشند. تکمله نظرات فوقبه شرح زیر می باشد:

نظر اول:

- کعبه چهار گوش است چون دارای چهار چوب است. کتاب چهار گوش است چون دارای چهار چوب است و به همین ترتیب مومن چهار گوش است چون دارای چهار چوب است. یا هر فرد مومن و یا هر کشور مسلمان اگر چهار چوب نداشت پس دایره است. دایره یعنی انعطاف یعنی ورود و خروج بسیاری از ناخواسته ها یعنی خیلی چیزها که امروز گرفتار آن هستیم."نمادها خود بهتر حرف می زنند. اگر کعبه اولین خانه ساخت بشر است پس طرحش هم باید ساده می بود. کدام شکل کامل تر، هندسی تر و چشم نوازتر از مکعب! این شکل مدل نقاشی هر کودکی است. مدل معماری هر خانه ای است. اما باید بیشتر دید و زمینی تر گفت. اینکه خانه ساده است، بی پیرایه است، تکرارش ملال آور نیست، صورت تنزل یافته دایره عرش است همه درست. اما دیگر چی؟

من دوست دارم باز از دو بعد بیولوژی و عرفانی به این مهم نگاه کنم. در بحث تاریخچه پیدایش اولین سلول زنده (سلول باکتری) پرسشی که مدتها مطرح بود این بود سلول اول که ۳/۵ بیلیون سال پیش پدید آمد آیا گرد بود یا میله ای شکل (دارای طول، عرض، سطح و حجم)؟ بالاخره این اواخر نتیجه گرفتند میله ای شکل بوده است. سلول اول یک سلول ابتدائی نبوده بلکه کاملترین سلول بوده است و ظاهرا همه سلولها از آن منشعب شده اند (سلول مظهر و معجزه آفرینش و حیات است). مکعب (مستطیل یا مربع) یک شکل سه بعدی متشکل از ۶ مربع است. کعبه موعود بعنوان خانه/سلول، مکعب است. چهار دیوار قابل تکیه و ۸ گوشه قابل جذب و رویت دارد. از بعد عرفانی کعبه مکعب است چون چهار چوب دارد. پرده دارد چون عفاف دارد. به هر چهار دیوارش می شود از نزدیک تکیه کرد و به هر چهار گوشه اش می شود علامت گذاشت. اما از مسافت های دور چطور؟ برای غیر حجاج چی؟ دهها میلیون نمازگزار روزی ۵ بار از چهار گوشه دنیا به سمت یکی از گوشه های کعبه خدا پیغام می فرستند.

دایره، حریم مناسب برای گوش محرم نیست. همه گوش ها و نه گوشه ها می توانند دریافت کننده پیغام ها باشند. سیگنالهای چهار سوی دنیا توسط ۸ گوش خانه کعبه (شاید هم چهار گوشه بالا که در ارتفاع قرار دارند (رکن یمانی/رکن حجرالاسواد/رکن شامی/رکن عراقی) و مثل دیش ماهواره ها عمل می کنند) شنیده می شود. کعبه پس از آن دیگر کعبه نیست، بیت المعمور است (بیت المعمور خانه ای است در آسمان که درست برابرِ کعبه قرار گرفته است) که از بالا (سقف خانه کعبه) مشرف به عرش برین است. در واقع کعبه بزرگترین، قدیمی ترین و معنوی ترین مرکز دیجیتال جذب، ساماندهی و رله سیگنالهای چهار گوشه مردم مسلمان دنیا به جانب عرش برین است. در زمین و زیر زمین کعبه چه می گذرد (منظورم موضوع دحو الارض و تجهیزات نامرئی ارسال پیام است) والله اعلم".

نظر دوم:

- از زبان دکتر حسن بلخاری استاد و پژوهشگر فلسفه هنر می خواندم در عالم معنا، مربع شکل تنزل یافته دایره است. کعبه مربع و عرش دایره کامل است. حجاج با طواف خود سعی می کنند دایره بسازند ولی به خاطر حجر اسماعیل و.. طواف دور کعبه یک دایره کامل نیست". از این منظر من یکبار دیگر به شکل کعبه و به حریم طواف و محرم های داخل طواف نگریستم دیدم داستان بزرگتر از آنست که بشود توصیف کرد.

اولا حریمی که برای طواف تعیین شده است کاملا دایره است. داخل این دایره سه حریم است۱) حجر اسماعیل (مدفن هاجر و انبیا) ۲) حجرالاسواد سنگ آسمانی که باید از جنس عرش و به نقل از پیامبر (ص) دست راست خدا بر روی زمین باشد که هر کس آن را مسح کند دست خدا را مسح کرده است (سنگ بودنش هم شاید بخاطر قرار گرفتن در زمین است) و۳) مقام ابراهیم (جای پای ابراهیم به هنگام ساختن کعبه) که خوشبختانه کلا از دایره طواف دور نیفتاده (به مشیت خدا) اما جابجائی آن با این تصویری که می خواهم ارائه بدهم خطای بزرگ بوده است.

اما حجاج (باید نماینده های همه رنگ ها و نژادهای روی زمین باشند. با یک قوم طواف/حج کامل نیست چون خالق نماینده همه مخلوقات خود را یکجا می پذیرد. با این دیدگاه این نقل قول از حضرت سجاد (ع) که حج گزاران واقعی در یکسالی فقط چند نفر بودند و بقیه حتی در شکل آدم هم نبودند تعبیر نادرست از امام معصوم است. زیرا دیدن خانه خدا با چند زائر برای هر مسلمانی آزار دهنده است. طواف پر ترنم و پرهیاهو به عظمت کعبه، عظمت دیگر می بخشد) با هفت بار طواف دایره وار خود و با اتمام بار هفتم طواف، کعبه را از حالت کعبه به حالت دایره در می آورند. کعبه تا شکل کروی نگیرد با تمام حریم ها و میهمانهای جدید خود به مکان مشخص بر روی عرش ملحق نمی شود. مثل نشستن یک هلیکوپتر بر روی خط دایره ای که از قبل تعیین شده است/شاید هم الحاق سفینه به ایستگاه بین المللی فضائی).

- **این کار با حج عمره میسر نیست! نیروی عظیم انسانی می خواهد مثل امسال (۱۳۹۱) با بیش از ۳ میلیون زائر بیت الله الحرام**. آیا حج عمره عروج جمعی می تواند داشته باشد؟ محل اتصال کعبه به عرش باید از ناحیه سنگ حجرالاسود باشد (در هنگام اتصال این سنگ به چه شکل در می آید خدا می داند). به همین دلیل هم هست که آغاز و پایان طواف از این نقطه است. ما در علم بیوشیمی و ژنتیک پدیده ای بنام قفل و کلید داریم. دو مولکول متفاوت از هم وقتی قادرند به هم وصل شده و انجام کاری و تولید محصولی بکنند که چون قفل و کلید تمام زوایا و دندانه های هر دو مولکول منطبق به هم باشد. اما مهم نشستن نیست، استقبال شدن است و چه استقبالی زیباتر از در معیت مقام ابراهیم و حجر اسماعیل بودن! و البته در روز قیامت با خود ذریه ابراهیم بودن! حاجی ها باید بدانند با حج خود معراج موقت می کنند. پس حق حج، حاجی ماندن برای تمام عمر است.

برای هر مسلمان یکبار حج کفایت می کند. بی نوبت، با نوبت خریدن و متعدد رفتن به مکه خط قرمز زیارت است.

آسانسور نیست که مثل بچه ها با آن عروج کنی! مسئولیت هر بار مکه رفتن به مراتب بالاتر از نرفتنش است. زیارت حج رسالت ایثار را بر دوشت می گذارد. آیا آمادگی آن را داری؟ اگر نه پس سعی کنی شمعی را که با نور خدا روشن کردی خاموش نکنی. چگونه؟ حداقل سالی یک بار ذبح و توزیع گوشت آن فقط بین مستمندان فراموش نشود!! موضوع مهم دیگر مناسک حج و مقام های متعدد در آن طوری طراحی شده است که قابل مقایسه با دیگر امکان مقدسه نیست. اینکه می گویند مشهد حج فقرا است درست نیست. بلکه حج فقرا، فقط و فقط نماز است. اما مشهد جایگاه امام نور است. در نزد خدا دارای قرب است. قلب رئوف و دست رضا دارد. کسی از حرم او دست خالی بر نمی گردد. خود من آنرا حداقل دوبار تجربه کرده ام. شما هم تجربه بکنید.

- طبق گفته مدیر کاروان هتلی که در شهر مدینه برای کاروان ما پیش بینی کرده اند راما المدینه است و هتل مکه بنام فندق نسمات الوسیم است.

- مراسم حج چند مرحله ائی است. مدینه به مکه مطلوب ترین مسیر قرب است. ۱۲-۶ ذیحجه همه زائران بیت الله الحرام از اقصی نقاط دنیا در مکه حضور پیدا می کند (۳-۲/۵ میلیون نفر) و در آن مراسم همه چیز تماشائی است.
- سه روز مرتب برای تهیه ۳۰۰ دلار ارز زوار به بانک مراجعه می کردم. روز پنجشنبه رفتم بانک ملی شعبه سعادت آباد گفتند شنبه اول صبح. جمعه مسئول کاروان گفت شنبه بانک ملت. شنبه صبح بانک ملت رفتم گفتند باید ۶ صبح بیآئید ثبت نام بکنید. شنبه صبح به بانک ملت شعبه سعادت آباد رفتم دیدم هنوز پاساژ باز نکرده. توی صف بانک ملی ایستادم. نفر هفتم بودم. یکی گفت بیش از ۶ نفر در روز ارز نمی دهند! دوباره یک لیست هم برای بانک ملت که روبروی بانک ملی بود نوشتیم. ساعت ۷/۵ بانک باز شد و گفت برای هر ۱۳ نفر شما که نامتان در لیست است ارز خواهند داد. بروید ساعت ۱۰ بیآئید. دو ساعت این مرحله طول کشید. چون باید وصل می شدند به بانک مرکزی و تک تک فرم افراد با شماره کارت ملی و دیگر مشخصات فردی ثبت اینترنتی می شدند. برای هر نفر تقریبا ۱۵ دقیقه طول می کشید. اما عملا نصف روز آدم تلف می شد. بخصوص که اطلاع رسانی به مردم شفاف نبود.

۳۰۰ دلار را دادند و حدود ۸۲۳،۰۰۰ تومان پول معادل ارز تخصیصی را گرفتند. همه مشکل من را داشتند و تا بفهمند پروسه کار چگونه است ۲-۳ روز علاف بودند. ارز را که گرفتم ۱۸۰ تومان پول خرد نداشتم برای مابه التفاوت تبدیل ریال به ارز به مسئول باجه بدهم. کارمند بانک هم گفت مهم نیست. اما من برای اینکه مدیون نباشم دوباره چند صد متر پیاده رفتم سه تا شکلات fresh گرفتم هر کدام ۳۰۰ تومان و به سه کارمند بخش ارزی دادم. همه خوشحال شدند و خندیدند! تازه این چند روز فهمیدم ما با ریال زندگی می کنیم! کشور ما فقیر از دلار است. شعب بانک زیاد است اما هویت بین المللی ندارند چون فقط معاملات ریالی دارند. بتول که سال ۱۳۸۸ برای حج عمره می رفت به هر مسافر ۴۰۰۰ دلار می دادند که بتول فقط ۸۰۰ دلار گرفته بود (هر دلار حدودا ۱۰۰۰ تومان) چون می خواستیم برای آمینا دختر بزرگم ماشین پراید بخریم بقیه ارز را نگرفتیم (ارز زیارتی را نمی خواستیم در بازار آزاد بفروشیم).

امروز برای حج تمتع ۳۰۰ دلار هر دلار حدود ۲۷۴۰ تومان اختصاص داده اند. تازه اگر دلارهای نفتی مسدود شده را که طی مذاکرات هسته ای ۵+۱ آزاد شد آمریکا اجازه نمی داد شاید این ۳۰۰ دلار هم را دولت نمی خواست بدهد. اما مسئله حائز اهمیت برای من دیدار یک آقای زائر در بانک بود که می گفت بعد از ظهر روز پنجشنبه ۹۳/۶/۲۷ عازم مکه است و وقتی من به او گفتم من هم صبح عازم مدینه اولم تعجب کرد و گفت این چگونه ممکن است؟! بلی خدا خواسته من سلسله مراتب معنوی را طی کنم تا به آستانش با خلوص بیشتری داخل بشوم. آقای اسماعیل ثمنی دوست دوران سربازی من هم یک روز قبل از من همراه با عیال خود عازم مدینه بودند.

- روز سه شنبه پنج صبح چمدان را تحویل اتوبوس کاروان در نزدیکی مسجد بقیع تهران دادم. با اینکه فقط وسائل شخصی را آمینا و بتول در آن قرار داده بودند اما چمدان به اندازه کافی سنگین بود بخصوص که من از روزی که دو چمدان بزرگ و کوچک مخصوص حجاج را از کاروان تحویل گرفتم دچار کمر درد و درد استخوان پای چپ شدم و تا امروز که ۱ ماه از آن روز می گذرد هیچ درمانی افاقه نکرده است. در مسیر رفت به مسجد بقیع تهران هوا هنوز تاریک بود. با خود می گفتم این ره چقدر دور است/ روز نباشد شب چقدر کور است. اما در برگشت در حین رانندگی با خود می گفتم:

  تا کجا ره بروم تا برسم کوی خدا

  یا که بر دل بزنم تا برسد سوی خدا

  بعد از آن است شنیدم که خدا منزل ماست

  این سفر تا به کجا سوی خدا کوی خدا

- دیروز هم همکار من به من می گفت شما جزو معدود اساتید هستید که مستطیع مالی هستید که عازم مکه هستی. گفتم من مستطیع سنی هستم. اما راستش را بخواهی امروز (مرداد۱۳۹۵) که در مرز سن ۶۱ سالگی هستم مستطیع خیلی چیزها هستم و خدا را از این بابت شاکرم. من سلول خام خدا را سلول پرورده خود کردم همین.

- دو روز مانده به رفتن من به مکه. خانم شکی مقاله انگلیسی خود را فرستاد برای اصلاحات نهائی و خانم حق نظری نمونه چغندر قند آورد برای کشت! دو روز قبل هم مقاله انگلیسی آمینا را نهائی کردم و فرستادم و هفته قبل هم تصحیح مقاله انگلیسی خانم تجلی پور را به پایان بردم. همه چیز مرا به پشت میز می خواند الا دوست.

- امروز (۱۳۹۳/۶/۲۶) آخرین روز حضور من در دانشگاه قبل از عزیمت به مکه بود. همه التماس دعا داشتند. از پیر و جوان و از زن و مرد، از دکتر و مهندس و کارمند، از دانشجو و استاد. عصر هم به خانواده و همسایه ها زنگ زدم باز این التماس دعا باقی بود. به شوخی گفتم من باید بروم خدا را بیآورم به ایران! چند روزی میهمان ما باشد تا شاید مقداری از مشکلات ما مرتفع گردد. همه ته دلشان خدا خدا جوی است/ جو کشور ما خدا کو خدا کو است!

- **درد کمر امان مرا بریده است**. حتی نماز خواندن هم با دشواری انجام می شود. عصر روز حرکت با بتول و آنیتا رفتیم بیمارستان مدرس تا شاید دکتر اوژانس کمکی بکند. تا رسیدیم بتول گفت اول برویم پیش دکتر رئیس سادات متخصص ارتوپدی. گفتم او یک ماه یک ماه وقت نمی دهد. گفت ما تلاش خود را می کنیم. رفتیم قسمت مربوطه. دیدم دو نفر مریض بیشتر نیست. با منشی صحبت کردم که من مسافر خانه خدا هستم و درد کمر اذیتم می کند. فیش نوشت برای ویزیت! ۱۰ دقیقه بعد دکتر ویزیت کرد. روی تخت خواباند به سمت او خوابیدم پا و دستم را برعکس گرفت و فشار محکم داد. صدایم بلند شد. یکبار دیگر این بار بر

عکس خوابیدم و یک فشار دیگر. بعد هم دارو نوشت. یک آمپول، ۱۰ عدد شیاف، پماد رزوماری و مقداری قرص مسکن. برای تهیه دارو باید تا میدان کاج می رفتیم. من و آنیتا پیاده راه افتادیم برویم دیدیم روبروی بیمارستان داروخانه جدید باز شده است. همه هزینه های شکسته بندی و دارو و آمپول شد ۱۸ هزار تومان. به بتول گفتم ما که از گرفتن یارانه انصراف دادیم پولش در همین بیمارستانها مصرف می شود و گرنه باید هزینه های بیمارستانی باید دو برابر می بود. منتها کو گوش پولدارهای یارانه بگیر و کو گوش دلارهای نفتی خورا! این یک معجزه بود که در دقیقه ۹۰ من درمان شدم تا در مکه از اعمال خود باز نمانم. به خدا که او دوست دارد بندگان خود را.

- در این چند روز کار ما تهیه اقلام مورد نیاز مسافرت، نوشتن اقلامی که باید در چمدان گذاشته می شد و.. همه نگرانیها برای این بود که یک چیز ولو کوچک فراموش نشود. با خودم می گفتم ما برای یک سفر یک ماهه اینهم دقت داریم برای یک مسافرت ابدی چرا چمدان خالی!
- برای این سفر من ریش تراش برقی مرحوم آقابابا را که قبل از پیروزی انقلاب ۵۷ از مکه خریداری کرده بود و من پس از فوت ایشان در سال ۱۳۶۹ آن را در خیابان فردوسی مزنده کرده و از مرحوم آقاجان خریدم با خودم می برم! سالهاست هر هفته قبل از استفاده از این ریش تراش به مرحوم پدر بزرگ فاتحه می خوانم (قابل توجه پدربزرگ ها که برای نوه های خود سوغاتی هائی بیآورند که پس از فوت ایشان یاد ایشان را با فاتحه گرامی بدارند). **این هم از عجایب است که این ریش تراش دوبار روی مکه را می بیند!** شاید به نیابت از صاحب اصلی اش (در مکه متوجه شدم با ولتاژ برق آنجا ضعیف کار می کند و عملا بلامصرف است)! از آن جالب تر امروز من در راه برگشت به خانه به زیارت مزار دو شهید گمنام دانشگاه رفتم. اولین باری نبود که این دو شهید را زیارت می کردم اما اولین بار بود که متوجه شدم این دو شهید هم مثل من متولد مهر ماه هستند!
- پنجشنبه ۱۳۹۳/۶/۲۷ ساعت ۱۲ شب با اتوبوس از جلوی مسجد بقیع تهران به سمت فرودگاه امام خمینی حرکت و ساعت ۶/۶ صبح عازم شهر مدینه منوره شدیم.
- دو دفتر دست نویس سوغاتی من از سفر مکه مکرمه و مدینه منوره است که این دو را بیش از دیگر آثار قلمی خود دوست می دارم. متاسفانه بدلیل گرفتاری زیاد موفق به تایپ آنها نشده ام اما اگر عمری باقی ماند آن را در قالب بخش دوم این متن ارائه خواهم داد.

مطالب مربوط به حج پس از مراجعت از سفر مکه و مدینه (۱۳۹۳/۷/۲۵):

- طبق اعلام رسمی سازمان حج و اوقاف در سفر حج امسال (۱۳۹۳) ۶۴۵۰۰ نفر زائر ایرانی در قالب ۴۵۱ کاروان امسال به سرزمین وحی اعزام شدند که ۵۲٪ ایشان خانم بودند. ۲۵۰۰ نفر ایشان هم از عوامل کاروانها بودند.

- خداوند قبل و بعد از سفر حج روزی حج را به من عطا کرد! مثل مورد ازدواج که خداوند می فرماید من زندگی این زوج ها را تامین می کنم (وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ ... دهید- از فقر نترسید که اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل و بخشش خویش ایشان را غنی می کند. سوره نور آیه ۳۲).

همانطوریکه در بالا آوردم یک ماه مانده به شروع سفر حج بخاطر هزینه های مرتبط با حج و مسافرت ضروری خانواده به مشهد، هزینه های خانه کمی بالاتر رفت. به همان نسبت در فیش حقوقی مردادماه من حدود دو میلیون تومان افزایش درآمد داشتم (کل دریافتی حدود۶،۴۰۰،۰۰۰ تومان)! در برگشت هم باز بخاطر هزینه های مرتبط با حج (میهمانی شب اول، ولیمه و ذبح گوسفند) در فیش حقوق مهرماه من حدود دو میلیون تومان افزایش حقوق داشتم (کل دریافتی حدود۶،۹۰۰،۰۰۰ تومان). لذا به رحمت و برکت این سفر مشکلات مالی این سفر مبارک هم مرتفع شد.

برکت واژه الهی است. نشان رحمت ایزدی است. یعنی ریال بگیری و دلار خرج بکنی کم نیآوری به معنی این است که حساب درآمدت با خداست. یعنی یک ریال پول حلال را حداقل به ۱۰ و حداکثر به ده ها میلیارد بسته به شرایط تو ضرب کرده است.

- روز بعد از برگشت (۱۳۹۳/۷/۲۶) آقای براتی همسایه گرامی از من می خواست من کلاه نمدی حاجی ها را بر سر بگذارم تا گوسفند ذبح بشود! همسایه دیگر آقای فکوری می گفت شما تنها حاجی بودید که بی سرو صدا رفتید و بی سر و صدا برگشتید! خواهر بزرگم ناهید از من می خواست در مراسم ولیمه کلاه حاجی ها بر سرم بگذارم. اما من مقید به ظواهر حج و تابع رای اکثر نبودم. گوسفند را آقای براتی سفارش داده بود (۷۵۰ هزار تومان). جز دو سهم بقیه گوشت قربانی را بین همه همسایگان ساختمان، فامیل و فقرا تقسیم کردیم (تقریبا۴۴ قسمت شد). **رستوران سنتی برج میلاد را بتول و آمینا و آنیتا برای ولیمه انتخاب کرده بودند. چون می گفتند همه رستورانها موزیک داشتند و اینجا هم پیشنهاد دادند مراسم به ماه محرم بیفتد موسیقی عملا حذف می شود** (قابل توجه مدعیان اسلام ناب محمدی).

برای روز پنجشنبه ۹۳/۸/۸ برابر با ۵ محرم (مقارن بودن ولیمه با ماه محرم هم تصادف خوبی بود هم احسان شد و هم ولیمه) ۶۵ نفر میهمان اکثرا از فامیل، آشنایان، همسایگان قدیم و جدید انتخاب و دعوت شدند (درحد بضاعت مالی ما). ۵۵ نفر از ایشان تشریف داشتند. طبق برآورد اولیه بتول، هزینه کلی این حج حدود ۲۰ میلیون تومان منهای عوض کادوهائی که به رستوران آوردند شد. همه راضی رفتند چون همه به یک چشم دیده شدند و چشمداشتی هم از هیچکس نبود. هدف هم خودنمائی نبود چون نمی خواستیم از این فرصت برای تحکیم روابط آنچنانی استفاده بکنیم.

فردایش جمعه ۵ وعده غذای اضافی و ۷۰ کیسه میوه اضافی را بردیم بهشت زهرا. هم سر قبر مرحومان آقابابا، آقاجان و آقادائی رفتیم و هم از دور به پدر فرح خانم فاتحه فرستادیم و مواد غذائی را بین کارگران شهرداری

آنجا تا مسیر راه و تا کارگران ساختمانی جلوی خانه توزیع کردیم. در مسیر راه خانه آنا رفتیم. غذای پرستار آنا را با مقداری میوه به آنا سپردیم. در مسیر راه چاقوی رستوران را که اشتباها در کیسه های میوه جا مانده بود را برگردانیدیم و ساعت پنج بعد از ظهر تازه خودمان ناهار خوردیم.

عید فطر هم همین مسیر بهشت زهرا را با خانواده رفتیم اما این بار پس از مراجعت از مکه مکرمه و مدینه منوره. شاید تنها سوغاتی من به ایشان از این سفر روحانی نغمات روحانی سفر حج بود. عمدا اولین جمعه را انتخاب کردم که اگر با خودم پیامی، نوری و احسانی همراه دارم تا کم نور نشده ام آن را به دست صاحبان اصلی برسانم.

دل پاک

(پس از مراجعت از سفر حج به تاریخ ۹۳/۷/۲۶)

دانم که دلم پاک است

از روز نخست پاک است

با جمع خودم پاکم

با ضرب خدا شادم

حیلت بکنم خاکم

زینت بکنم پاکم

دلتای وجودم تو

زنهار قصورم تو

از روح خبرسازم من

بر فکر سبب سازم من

تا فجر کجا خواهم بود

از خاک نهان خواهم بود

باشد خبری باشد

شاید اثری باشد

از کم اثری دارم

بر جمع نظری دارم

جمعی به من هم گفتند

از فضل خبری دارند

- صبح روز پنجشنبه ۱۳۹۳/۸/۸ برابر با ۵ محرم ایمیلی به سایت بینانیوز نوشتم با این متن:

با سلام خدمت مدیران و دست اندرکاران سایت خبری و تحلیلی سایت بینانیوز. من نادرحسن زاده یکی از مراجعه کنندگان و نظر دهندگان اخبار سایت شما در چند ماه گذشته بودم. خدا توفیق داد اواخر شهریور تا اواخر مهرماه امسال به حج تمتع مشرف شدم و دیدم آنچه باید می دیدم و گفتند آنچه باید می شنیدم. می شد فهمید درد مسلمانی چیست. مکه و مدینه به ترتیب تاریخ قبل و بعد از اسلام است.

حج نصف ایمان است و همراه با کربلا تمام ایمان است.

کانون وحدت شیعه و سنی حریمین شریفین است. خیلی مطالب را از اسلام فهمیده و نوشته بودم (سایت شما و قبل از شما سایت شفقنا) اما شنیدن کی بود مانند دیدن.

حج یعنی آزمایشگاه عملی اسلام. دانشگاه جامع کاربردی در سطح بین المللی. به همه مدرک می دهند اما مدرک کدام مقطع مهم است. خوشبختانه تنها زائری بودم که در این یک ماه قلم بر زمین نگذاشتم و بلکه قلم را دوبار به دیوار کعبه تماس دادم که ۵۰ سال نوشتن من در عرصه های علمی و مذهبی با دست خدای واحد و ازلی و ابدی متبرک و شاید امضا بشود(فیلم سلفی گرفتم اما خوب نیفتاد. ظاهرا بخاطر فیلم برداری در نیمه شب و رنگ روشن و نقره ائی خودکار که تا به امروز در کمدم نگهداری کرده ام. هرچه باشد حاجی خودکار است. زجر می داد می نوشت اما هرچه می نوشت مبارک بود).

- دو دفتر یادگار این سفر است. نثر و نظم، درد و درمان، تلخ و شیرین و رمز و رمز گشائی. هرچه نوشتم یک طرف و این دو دفتر طرف دیگر. البته فرصت تایپ و تدوین آنها را به زودی نخواهم داشت. اما دوست داشتم با توجه به دغدغه های دینی و اجتماعی شما آن را با شما در میان بگذارم.

قسمتی مربوط به آسیب های فرهنگی این سفر روحانی است که شنیدن آن شاید به مذاق کسی خوش نیآید. اما اگر دوا نشود چی؟ این آسیب ها شامل فقط حجاج ایرانی هم نمی شود بلکه فقر فرهنگی و منیت های فردی افرادی است که محضر خدا را در چند قدمی خود درک نمی کنند. اما بقیه مطالب فلسفه حج و مسئولیت مسلمان بودن و شیعه بودن است. وظیفه ما شیعیان صدبرابر بیش از مذاهب دیگر است.

حالا آقایان چرا بر سر لحاف ملانصرالدین جنگ دارند خود حدیث و درد دیگری است. باید فرستاد حج بروند و تا حج را درک نکرده اند به پست های خود بر نگردند. طبق معمول پاسخی دریافت نشد! من نمی دانم در ایران چرا جواب احترام بی احترامی است؟ اما من به ارائه نظرات خود در آن سایت تا مدتها ادامه دادم چون می دیدم هر کس به تنهائی نماینده خدا بر روی زمین است! و هر حرف اگر توام با عمل باشد شنواترین حرف است. چه کنیم که هم پیام و هم خط کش قرنهاست در ایران و جهان اسلام گم شده است!

- اما هزینه های عمده ایران: گوسفند(۷۵۰ هزار تومان، شام شب اول ۲۰۰ هزار تومان، رستوران ۳،۳۲۱،۰۰۰ تومان، سوغاتی۱،۱۵۰،۰۰۰ تومان، شیرینی و میوه جات ۲۷۰ هزار تومان، لباس احرام و بقیه خریدهای ایران۳۰۰ هزار تومان. از فامیل، دوستان و آشانایان مقداری سوغاتی جمع شد. یک روز بتول و آمینا نشستند و آنها را در سوراخ و سمبه های خانه جای دادند. خیلی از وسائل کم اهمیت انبار دو متری را خالی کردند تا این جدیدی ها را انبار کنند!

بتول می گفت می خواستم در پشت کارتهای دعوت بنویسم از آوردن کادو خودداری کنند. بچه ها نگذاشتند. این شد هرچه کادو با جعبه بزرگ، پشت نویس و.. بود نصیب ما شد. طبق معمول، مردم ایران کادوهای دیگران را به دیگران ناشناس می دهند! تنها یک خانواده معزز این کار را نکرد و از روز اول ورود ما از هند به ایران حامی ما بودند و آن خانواده مرحوم آقای معماری بود که من در فایل مسائل خانوادگی از بزرگیها و منش بالای این خانواده معزز یاد کرده ام.

ایشان (خانم معماری بزرگ مادر معماری مرحوم) و همسر خانم معماری مرحوم سالهاست هم سرنوشت اند و هر دو شوهران خود را از دست داده اند. اما خانم معماری مادر بزرگ یک پاکت پول داد حاوی دو اسکناس جدید ۱۰۰ هزارتومانی و خانم معماری همسر یک ربع سکه به ارزش ۲۵۰ هزارتومان. دو دختر و همسران ایشان مثل خودشان دو دسته گل آوردند با قیمت تقریبی ۸۰ هزارتومان آوردند. بقیه سوغاتیها پتو، تابه، ظروف و کریستال و... یادم نمی رود در دوره جوانی، همه خانواده ها به هم بابت مناسبت ها یک دسته لیوان می بردند. بعضی ها هم کله قند!! اما یکی از راههای تشخیص دیگران درباره خود دیدن کادوهای ایشان است. آدمهای بزرگ چه در مسند باشی و چه نباشی به تو هر چقدر هم محتاج، کم محتاج و حتی بی نیاز باشی کادوی درخور می آورند. آدمهای کوچک به فراخور موقعیت تو کادوی دم خور می آورند!

- راجع به ایام تشریق نظری در سایت بینانیوز ذیل خبر"اولین شب عزاداری ایام محرم در حسینیه امام خمینی"مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۱ (فایل۵۸) ارائه گردید که اشتباها در آن، عرفات جزو ایام تشریق و دهم ذی الحجه مصادف با عید قربان را روز سوم منا که رمی هر سه جمره است اعلام شده بود. در حالیکه ایام تشریق شامل فقط مواقف مشعر و مِنی است و عرفات را شامل نمی شود و نیز ذبح قربانی در روز اول منا که مصادف است با عید قربان انجام می گیرد. متاسفانه به این اشتباه خود وقتی پی بردم که یکسال (۱۳۹۴/۶/۲۷) از درج آن در سایت بینانیوز گذشته بود و من تصادفا به آن رسیدم (بارها این اتفاق افتاده است. با این حجم فایل در پی اصلاح یک مورد از محالات است. اما تو گوئی یک نفر به من می گوید فلان جا اشتباه داری. تصحیح کن). در این متن سعی کردم موارد قصور را تصحیح و برای جبران مافات هم از منابع اینترنتی و هم از خاطرات عرفات خود بنویسم:

❖ ابتدا از خاطرات حج خودم در سال۱۳۹۳ (استخراج از دفتر خاطرات حج):

بعد از ظهر روز پنجشنبه ۸ ذیحجه با اتوبوس روباز به عرفات رفتیم (یک روز جلوتر حرکت کردیم به حساب بیتوته (وقوف) در عرفات. چون وقوف در عرفات یک روز است آنهم روز نهم ذیحجه آنهم از ظهر روز نهم ذی الحجّه تا غروب. جمعا ۲۰ دقیقه راه بود. در مسیر راه، برادران اهل تسنن را می دیدیم که برای ادای نماز جمعه با پای پیاده درحال رفتن به منا هستند. پس از اسکان در چادرهای دسته جمعی عصر به سمت کوه جبل الرحمه رفتیم. شب را همگی در گرمای زیر چادر عرفات خوابیدیم. نزدیک ظهر دعای عرفه خوانده شد. همان شب (۱۱ شب) با همان لباسهای احرام عازم مشعر شدیم و شب را در مشعر (تپه ائی خشک و تاریک با حداقل امکانات آب و برق در حاشیه یک اتوبان محصور در فنس توری. سرزمینی بین عرفات و منا که حدود ۴ کیلومتر طول دارد خوابیدیم (۱۰ ذیحجه)!

اما چرا شب مشعر (شب شعور) خوابیدیم؟ چون روز عرفات به اندازه کافی خسته شده بودیم و شب هم که می خواستیم روانه مشعر بشویم ساعت ها انتظار اتوبوس را می کشیدیم! زمان وقوف در مشعرالحرام در شب دهم ذی الحجّه تا طلوع خورشید است. اما ما قبل از طلوع آفتاب دقیقا ساعت ۴ بامداد در تاریکی شب با پای پیاده به سمت منا حرکت کردیم (تا منا ۶ کیلومتر بود. چراغهای برج ساعت مکه از دور دیده می شد). نماز صبح در بین راه خواندیم. پس از شنیدن اذان صبح، فوج فوج مردم با لباسهای واحد و درگروه ها/ کاروانهای مجزا به نماز ایستاده نماز خواندیم.

یادم نمی رود یک فرد سیاه پوست سنی مذهب هم که ظاهرا کاروان خود را گم کرده بود چون یک کبوتر گم شده در کنار من ایستاد و شروع به خواندن نماز خود کرد! پیش خود گفتم الان است که با نماز دست باز و قنوت بفهمد که در بین شیعیان است.

قبل از طلوع آفتاب ما وارد منا شدیم. یک استراحت کوتاه، بعد هم رفتن به سمت سالن (سوله) جمرات برای زدن ۷ سنگریزه به جمره عقبه (شیطان بزرگ). سه روز و دو شب در منی ماندیم (۱۲-۱۰ ذیحجه). رمی جمره عقبه را روز اول (۱۰ ذیحجه) و رمی جمرات سه گانه را روز دوم و سوم وقوف در منا انجام دادیم (۱۲-۱۱ ذیحجه) و از آنجا مستقیما باز با پای پیاده به سمت مکه حرکت کردیم. اما ذبح گوسفند و حلق (زدن کامل موهای سر با تیغ) که مصادف است با عید قربان که به عربی عید الضحی (ضحی به معنی نور و روشنائی و هنگام برآمدن آفتاب است. سوره الضحی هم به همین نام است. این روز بنام و به یاد حضرت ابراهیم و اسمعیل ذبیح همه ساله در ایام آخر مناسک حج برگزار می شود) در همان روز اول رمی جمره عقبی یا بزرگ انجام می گیرد تا همه حاجی شده و از احرام (منع های زیادی در خوردن و خوابیدن و لذت بردن) خارج بشوند. لذا من دیدم هر کس رمی خود را بطور کامل (اصابت۷ سنگ به دیواره جمره عقبه) انجام می داد نزد مدیر کاروان می آمد و اعلام می کرد رمی جمره عقبی را انجام داده و او هم مرتب لیست افراد کاروان را یادداشت می کرد تا تلفنی به معاونش که در کشتارگاه مستقر در خارج از منا بود اطلاع بدهد که به نیابت از حجاج ذبح گوسفند بکند.

در برگشت از رمی جمره عقبی، تعدادی از اهل تسنن در همان نزدیکی سالن تقصیر مو را هم انجام داده بودند و حاجی شده بودند. همه جای اسفالت پر از موی سر بود! اما ما به چادرها برگشتیم و آنجا حلق/تقصیر مو را انجام دادیم.

همه چیز حج شگفت آور است. همه آداب و عبادات اسلام شگفت انگیز است. اسامی این مناسک هم شگفت آور است. بظاهر اسم اند اما هم عمق دارند و هم ریشه و هم شعاع. تشریق از ریشهٔ شرق، در لغت به معنای طلوع خورشید آمده است. معنای دیگر آن روشن کردن، به سوی مشرق توجه کردن و نهادن پاره های گوشت در آفتاب تا خشک شود. بنابر نظر غالب، چون در این سه روز حاجیان گوشتهای قربانی را تکه تکه و در نور آفتاب خشک می‌کرده اند، آن را **ایام تشریق** نامیده اند.

در ۳ روز ایام تشریق (مواقف مشعر الحرام و منی) که مواقف شعور (مشعر)، طلوع خورشید (تشریق) و نور و روشنائی (ضحی) بین روزهای ۱۲-۱۰ ذیحجه هستند، همه حاجیان لذت یک بار نور دیدن همراه با جذب کامل را با گذشتن از مال (هزینه ذبح) و موی سر (هزینه دنیوی جان) می چشند.

قبل از آمدن به این مواقف، نور کل را از کانون نور در مکه و در طواف خانه خدا دیده و چشیده اند. اما این نور وقتی به ایشان می تابد که هم از نور مدینه و هم نور مکه سیراب شده اند و هم خود شعاعی از آن نور شدند.

- در مورد سفر حج امام حسین (ع) و ایام شهادت او و یاران با وفایش درکربلا موضوع کمی متفاوت و در عین حال برجسته است. این را من در سایت شفقنا ذیل گزارش خبری مورخ ۱۳۹۱/۸/۱۰ آن سایت تحت عنوان"آیا واقعا امام حسین حجش را نیمه تمام گذاشت"را توصیف کرده بودم (مشروح این نظر در پاراگراف بعدی). بفکرم رسید که باید بین این دو تقارن تقویمی باشد. امام حسین (ع) اگر هم حج عمره تمتع کرده باشند بطور قطع به ایام تشریق (۱۲-۱۰ ذیحجه) نرسیده اند و شهر مکه را ۸ ذیحجه سال ۶۰ هجری ترک کرده اند. کاروان در مسیر حرکت به صحرای عرفات رسیده است و پس از خواندن دعای عرفه که از دعاهای معروف امام حسین (ع) است بر سر کوه معروف به جبل الرحمه، عرفات را به سمت کوفه ترک کرده اند. همه ساله در مناسک حج تمتع، رمی جمرات طی روز سوم وقوف در منا انجام و در روز ۱۲ ذیحجه پایان می پذیرد. اما حجاج با ذبح گوسفند و حلق/تقصیر مو در روز اول رمی از احرام خارج و حاجی می شوند. در مورد امام حسین (ع) او در ایام حج با نیمه تمام گذاشتن حج خود راهی کربلا می شود و بظاهر مناسک حج ایشان نیمه تمام می ماند. یک ماه بعد در سال جدید تقویم هجری قمری و در ماه اول سال که محرم است امام حسین و یارانش در مسیر کربلا هستند. ۱۰-۹ محرم سال ۶۱ هجری مصادف می شود با شروع اولین تاسوعا و عاشورای حسینی.
- **روز عرفات (۹ ذیحجه) مصادف می شود با تاسوعا (۹ محرم) و روز اول تشریق حج و مناسک حج (۱۰ذیحجه) مصادف می شود با روز شهادت امام حسین و یاران با وفای مومنش (۱۰ محرم).**

روز اول ایام تشریق کلیدی ترین ایام سه روزه تشریق است. زیرا در این روز خاص مراسم های مهم حج بطور پیوسته برگزار می شوند. در واقع میوه حج تمتع اینجا به بار می نشیند. رفتن به مشعر، رفتن به منا، رمی جمره عقبه در روز اول وقوف در منا، حلق مو، ذبح گوسفند، حاجی شدن افراد و خارج شدن ایشان از احرام همه و همه در این روز مهم اشراقی صورت می گیرد.

عجب تقارن تاریخی مهم و هوشمندی بین حج امام حسین (ع) و یاران با وفای او در این روز آسمانی روی می دهد!! به تدبیر خدا قرار است بقیه مناسک حج تمتع امام و یاران او یک ماه بعد در ماه محرم و در روزهای شبیه به روز اول تشریق ماه ذیحجه (مشعر و روز اول منا) انجام و پایان پذیرد! یک شگفتی بزرگ در عالم کن و فیکون، کون و مکان و کائنات. امام حسین (ع) و یارانش چون حج را نیمه تمام گذاشته بودند از ذبح واجب حج و نیز از حاجی شدن و از احرام بیرون آمدن محروم شده بودند. اما خدا دوست می دارد او را به گونه دیگر حاجی بکند. **حاجی عالم انسانیت، معرفت، عرفات و میقات**. لذا روز ۱۰ محرم (یک ماه بعد از ۱۰ ذیحجه) خود و ۷۲ تن از یارانش ذبیح راه اسلام می شوند. قاتلین سیه کار و سیه نام و سیه جای سالار شهیدان و اصحاب و اولاد ایشان بدون اینکه بدانند (اگر می دانستند اینقدرها هم حماقت نمی کردند!)

دقیقا روز اول تشریق ماه ذیحجه به قتل ثارالله و یارانش مبادرت می ورزند تا روز ۱۰ ذیحجه با روز ۱۰ محرم ثبت تاریخی بشوند، تا این دو، دو روی یک سکه باشند. تا هر روز از عمر این جهان باقی است ایام تشریق ماه ذیحجه مقارن بشود با ایام مصیبت ماه محرم.

اینکه می گویند کربلا از مکه می گذرد و یا مرحوم استاد شهریار می گوید بی ذیحجه، محرم نمی شود و بی محرم، ذیحجه (ذیحجه میز محرم الماخ دادای/بهشتیمیز جهنم اولماخ دادای) وصف حال این واقعه بزرگ تاریخی در عالم اسلام است. چقدر عجله برای قصابی بهترینهای آن روز و هر روز دنیا و آخرت در دهمین روز محرم! به تدبیر خدا و در حالت جنگی یک روز رمی جمرات آنهم رمی شیطان بزرگ کافی است تا حج هر حاجی چون ذبح ابراهیم مورد قبول پرودگار عالم قرار بگیرد. باید تقارنهای دیگر تاریخی را هم جستجو و لحاظ کرد.

فقط نادانهای تاریخ به فکر هر روز خود و روزمره خود هستند بدون اینکه از یوم الله های خدا آگاه باشند. برای خدا و مومنین خدا، شروع تاریخ از دیروز، امروز تا روز معاد است.

سحری دیدم گفتم سحری هست

عجبی دیدم گفتم عجبی هست

ادب از من تو نپرس کی دیدم

عطشی دیدم گفتم عطشی هست

بعد از زبان امام شهید سخنانی گفتم:

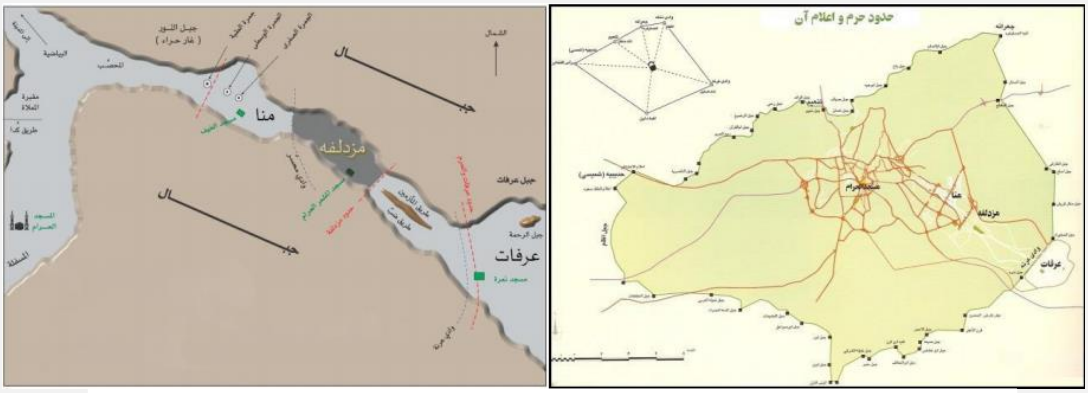
هرکه اولاد حسین نام حسین

هرکه اصحاب حسین نام حسین

قصه ها در پیش است

هرکه با یاد حسین نام حسین

❖ باز درباره سه وقوف (توقف) یا بیتوته (شب را در جائی گذراندن) حج که از ارکان حج واجب است (اخذ از منابع اینترنتی و دیگر نوشته های خودم): در منابع آمده است که این سه وقوف مربوط به عرفات، مشعر و منا است:



محدوده حرم و حرکت حجاج در مسیر خودسازی بین مکه- عرفات - مشعر- منا - مکه.

۱. عرفات: مفرد آن، عرفه است. صحرایی است با مساحت حدود ۱۸ کیلومتر مربع با طول ۱۲ کیلومتر و عرض ۶/۵ کیلومتر در فاصله ۲۱ کیلومتری شمال مکه قرار دارد. وقوف یا بیتوته در عرفات در روز عرفه، از واجبات است و رکن حج به شمار می آید و ترک آن، حج را باطل می کند. زیرا به گفتهٔ پیامبرخدا (ص) "الحجّ عرفَةٌ". از منظر تاریخی عرفات سرزمینی است که آدم و حوا بعد از هبوط و جدایی طولانی مدت، در این سرزمین به یکدیگر رسیدند، و نسبت به هم آشنا و عارف گردیدند.

نظر من ذیل گزارش سایت شفقنا با عنوان"حضرت آدم و حوا پس از هبوط، در کجای زمین ساکن شدند؟ فایل ۱۶ مورخ۱۳۹۱/۱۱/۱۵):

در گزارش مذکور صحبت از هبوط آدم در کوه صفا و هبوط حوا در کوه مروه بوده است. این دو کوه در کنار مسجدالحرام و به فاصله تقریبی ۴۰۰ متری از هم قرار دارند و محل سعی زائران است. ۷ بار در هر سعی، ۷ بار طواف کعبه و ۷ سنگ برای هر جمره! همه چیز هفت بار! هفتم ماه هر سال هم مهر ماه است. عرفات سرزمینی است که آدم در این سرزمین اعتراف به گناه خویش کرده است. عرفات سرزمینی است که دعا در آن مستجاب است، کوه عرفات را جبل الرحمه می گویند، و امام حسین علیه السلام دعای معروف عرفه را در کنار همین کوه خواندند. طبق منابع مختلف ابراهیم ندای عرفت، عرفت را در عرفات سر داد. عرفات سرزمین اشک و دعاست. عرفات سرزمینی است که خداوند به اشکها و دعاهای زائران مباهات می ورزد. سرزمینی که گناهان در آن بخشیده می شوند.

خود من این را در سایت شفقنا ذیل گزارش خبری "چرا حجاج خلاف عقربه های ساعت طواف می کنند" (فایل ۲ مورخ۱۳۹۱/۷/۲۴ مقارن با مناسک حج ۱۳۹۱ دو سال قبل از تشرف من به مکه) با اندکی تغییرات اینگونه آوردم:

"برای آنکه مطلب فوق از دو بعد علم بیولوژی و معرفت شناسی نیز بررسی شود لازم است به نوع حرکت باکتریها بعنوان موجودات تک سلولی نیز اشاره شود. باکتریها از دو حرکت (**جهت و بر خلاف عقربه های ساعت**) برای تحرک خود استفاده می کنند. اگر بخواهند یک حرکت بیهوده کرده باشند و وقتی را بگذرانند دست به حرکت در جهت عقربه های ساعت می زنند. عموما در این نوع حرکت باکتریها بارها می لغزند و می افتند! اما اگر قصد دویدن داشته باشند تاکید می کنم دویدن آنهم برای دست یافتن به یک ماده مفید حتما از حرکت خلاف جهت عقربه های ساعت استفاده می کنند. البته باید یادآور بشوم که باکتریهائی که دارای چند تاژک و به صورت پیرامونی هستند این نکته بیشتر صدق می کند. مثل ما آدمها که دارای تمایلات متعدد هستیم! همواره باکتری ها با تاژک (ها) قطبی و پیرامونی وقتی حرکت بی هدف دارند حرکتی در جهت حرکت عقربه های ساعت می کنند. اما وقتی هدف حرکت مشخص شد جهت حرکت بدون فوت وقت بر عکس حرکت عقربه های ساعت می شود.

موضوع جالب دیگر نوع حرکت هر تاژک در باکتری با تاژک های پیرامونی است. در وقت بطالت، جهت حرکت هر تاژک بطور مستقل در جهت حرکت عقربه های ساعت است. اما در حرکت هدف دار، همه تاژک ها هم سو و در جهت عکس حرکت عقربه های ساعت است. اگر بخواهیم این مطلب را با موضوع مطرح توسط آقای دکتر حسین اردکانی هم سو کنیم می گوئیم اولا قصد خدا در طواف اذیت حاجیان نیست بلکه دادن آرامش، انرژی و نور در میدان مغناطیسی طواف است. برای این کار هم باید سرعت و هم رنگ مناسب داشت.

حتی نور خورشید هم نباید مزاحم نور خدا باشد. انتخاب رنگ سفید برای حجاج و رنگ مشکی برای خانه کعبه در همین راستاست. تا زمانیکه ۵ نیرو یا هر چند نیرو به انسان وارد نشود و نیروها و انرژیهای ساطع سمت خانه خدا سرازیر نشوند تبادل نور و جذب نور از مبدا نور حاصل نمی شود. حجاج پرتو نور دیده صحرای عرفات را برای چند روز منور می کنند بدون آنکه خود آن نور را رویت کنند! اما این تمام داستان نیست باید ظلمت ها (گناهان) از جسم و روح ایشان خارج و یا حداقل قابل جدا شدن باشد. کجا بهتر از عرفات! نور جذب شده در طواف و نفوذ کرده در عرفات تنها سوغاتی معنوی حجاج از زیارت مکه است. عین این عبارت درباره منا هم صادق است. بدون طی طریق، بدون گذشتن از هفت خوان، بدون گذشتن از مال و مو و ترک عادت های بسیار چون خوابیدن در صحرا به جای خوابیدن در هتل و.. به جنگ شیطان رفتن مسخره است. بیشتر شبیه به شوخی است. شوخی که ما با دین خدا می کنیم. خدا در مرحله نهائی

خودسازی انسان را به جنگ شیطان می فرستاد تا ضرب و شتمی از همین بندگان گناهکار به شیطان رجیم نشان بدهد و ثابت بکند در دقیقه ۹۰ بسیاری از این انسانها موحدند، خدا ترس اند، عاقبت جویند.

۲. مزدلفهٔ یا مشعر: در میانه راه بین منا و عرفات در فاصله حدود ۵/۵ کیلومتری منا (حدود ۱۰ کیلومتری مکه) قرار دارد. در قرآن از مزدلفه با نام مشعرالحرام یاد شده است (فَإِذا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ وَاذْكُرُوهُ كَما هَداكُمْ وَ إِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ آیهٔ ۱۹۸سورهٔ بقره- و چون از عرفات بازگشتید در مشعرالحرام خدا را یاد کنید و سپاس گزارید که راه را به شما نمود و حال آنکه پیش از آن، شما گمراه بودید. حجاج باید بعد از غروب شرعی روز عرفه یعنی پس از پایان وقوف در عرفات به این سمت حرکت کنند تا از آن هنگام تا طلوع آفتاب روز دهم ذی حجه همان روز اعمال مخصوص این مکان را انجام دهند. مشعر، یعنی محل درک و شعور و وقوف در مشعر، به معنای وقوف و دقت در محل شعور است.

۳. منا: سرزمینی است که در جانب شرقی بین مکه و مشعرالحرام قرار دارد و بدلیل نزدیکی به مکه، منا جزو حرم (مکه) محسوب می شود. جمره عقبه حد نهایی مکه است (هر یک از جمرات نامی دارد به ترتیب از سمت منا رو به مکه، به اولی جمره اولی و به دومی جمره وُسطی و به آخری جمره عَقَبه می گویند). فاصله منا از طریق تونل منا، فقط ۴ کیلومتر با مسجد الحرام است. طرف دیگر تونل منطقه عزیزیه است که پیاده هم می توان از عزیزیه به منا رفت. سرزمین منا، به طول حدود ۳/۵ کیلومتر و عرض تقریبی ۵۰۰ متر، میان دو کوه ممتد قرار دارد.

وادی مُحَسِّر به معنای دره یا مکان جاری شدن رود است. این وادی نه جزو منا است و نه جزو مشعر. سرزمین بین مشعر و منا است که حجاج با گذر از آن وادیِ کوچک، وارد منا می شوند. ابرهه و لشکریانش از یمن در وادی محسر (سرزمین محسر و حسرت) دچار سجیل شدند و از پا در آمدند و حسرت بدل فتح مکه ماندند. اما منا را از این جهت منا گفته اند که جبرئیل امین در این ناحیه به حضرت ابراهیم علیه السلام گفت از خدا تمنا و درخواست کن"تمَن". چند نقل قول در این باره آمده است که هیچکدام دور از ذهن نیست. آدم آرزوی بهشت کرد"اتمنی الجنه"، آدم تمنای آمرزش کرد، آرزو کرد ای کاش به جای اسماعیل علیه السلام خداوند قربانی شدن گوسفندی را بپذیرد. بنابراین منا سرزمین تمنا و آرزوی آدم و ابراهیم و همه بندگان خدا هست. جالب است همه این تمنا را در عرفات می جویند. ناهید خواهر بزرگم در عرفات به من زنگ زد که برای اعظم خانم پرستار مادر و نادره روی خاک عرفات شکل خانه بکش تا ایشان هم خانه دار بشوند!

اما جمره و اجمار به معنای شتاب کردن و گریختن است. روایت است که چون ابراهیم از ساختن خانه خدا فارغ گشت، جبرئیل مناسک و آداب حج را به او آموخت و چون وارد منا شدند و از ناحیه عقبه (ناحیه نزدیک به مکه) فرود آمدند، شیطان در ناحیه جمره عقبه بر او آشکار شد، جبرئیل گفت: او را سنگ بزن، ابراهیم هفت بار او را سنگ انداخت و شیطان پنهان شد. دوباره در جمره وسطی بر او ظاهر شد، جبرئیل گفت: او را سنگ بزن، ابراهیم هفت بار سنگ انداخت و شیطان پنهان شد. برای بار سوم در محل جمره اولی

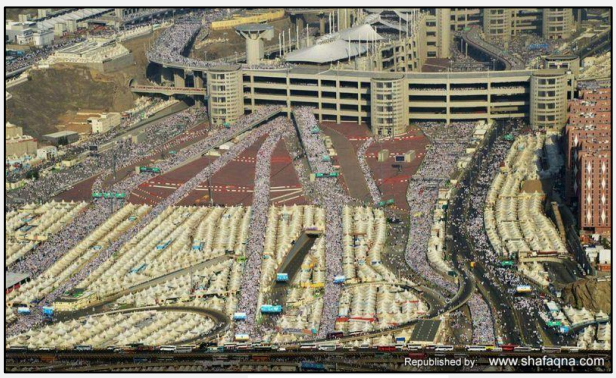
(ناحیه به سمت مشعر) بر او آشکار شد. مجدداً جبرئیل گفت: او را سنگ بزن، ابراهیم نیز هفت سنگ بر او زد و شیطان مخفی شد. در روایت دیگر صحبت از رمی جمرات توسط آدم است. از امام صادق (ع) نقل است نخستین کسی که رمی جمار کرد، آدم بود. اما دعای رمی جمرات "الله اکبر اللّهمّ ادحرْ عنّی الشیطان- خدایا شیطان را از من دور گردان".

هرکجا خانه توست خانه ریحانه ماست

هرکجا خانه ماست خانه ویرانه ماست

من روم خانه تو خانه ریحانه تو

تا کجا خانه توست خانه ریحانه ماست



عکس هوائی منا

- هنوز هم دلم در گرو محبت های دوست است، هنوز حرفم معجزات حج است، هنوز کارم کار حج است، اسمش بزرگ و کارش بزرگ است. کافی بود در سایت بینانیوز خبری از حج باشد و من به استقبال آن نروم (مدتها است این سایت تعطیل است).
- خداوند عالم، ابراهیم (ع) و محمد (ص) را به یک اندازه دوست داشت. این دو مقام عالی رتبه را دو جایگاه ویژه داده است. مقام ابراهیم را در کنار خانه خود و مقام محمد را در کنار اسم خود (شهادتین). چرا اینگونه است؟ در جزوه دست نویس خود که پس از مراجعت از سفر حج (مهر۱۳۹۳) تهیه کردم به اختصار در ۳ صفحه تحت عنوان "تدبیر خدا برای استمرار راه نبوت و امامت" به آن اشاره کردم. ابراهیم در واقع معمار کعبه است، پدر انبیای توحیدی است و لذا خدا این معمار را با خانواده اش هاجر و اسماعیل دوست می دارد. پیامبر اسلام را جور دیگر دوست می دارد. سایه شجره او را بسیار گسترده و از مدینه تا مشهد در نظر گرفته است اسم او ورد زبان هر مسلمانی کرده است. نقش ام ابیها در این ماجرای تاریخی بی نظیر است. در واقع همه راه ها در اسلام راستین به او ختم می شود.

در این ارتباط ۱۳۹۳/۸/۲۲ در تعقیب نماز صبح یک دو بیتی به ذهنم خطور کرد. نوشتم دیدم کامل نیست. ظهر شد نماز ظهر را خواندم. دیدم شعر بلندی ذهنم را فرا گرفته است. سریع کاغذ را آوردم و شروع به نوشتن کردم. حین نوشتن برای بعضی ابیات گریه کردم. نمی دانستم یک هفته بعد از تحقیق فوق، شعر آن

هم تقدیم من خواهد شد. ممنونم خدا. درج در سایت بینانیوز فایل۱۹۲ ذیل خبر مورخ ۱۳۹۴/۴/۱۶ امام علی (ع) شبیه‌ترین به پیامبر (ص). مقدمه شعر اینگونه شروع می شد که خلفای اول و دوم و امثال ایشان کم آدمهای نبودند. چند صد میلیون مسلمان اهل تسنن معتقد به خلافت به حق این دو هستند. اما برای شیعه ها اینگونه نیست. همه بزرگ اند اما نه به بزرگی علی. همچنانکه عنوان گزارش شماست شبیه ترین به نبی باید می بود تا بزرگی از یزرگان بود. ایشان امر رسول را نادیده گرفتند تا به بزرگی های علی تن در ندهند! همیشه تاریخ هم همین بوده و خواهد بود. **با مصحلت اندیشی علی ۳۳ ساله را در اوج جوانی، شادابی و شایستگی خانه نشین کردند!!** هرچه ماه و سال گذشت ترس از علی بیشتر شد. امامت او را با بهانه های من در آوردی چون ضرورت تبعیت از سنت شیخین به تاخیر انداختند. برای اینکه به اوضاع مسلط بشوند به فکر کشور گشائی افتادند. فتح پشت فتح، غارت پشت غارت، انهدام پشت انهدام، قتل پشت قتل، تکاثر پشت تکاثر. تاریخی برای اسلام به یادگار ماند که به هیچ وجه افتخار آمیز نیست، قابل دفاع نیست، منطبق با آیات قرآن نیست. همین پرسش را از استاد کلاسهای معرفتی پرسیدم. پاسخی جز سکوت نداشت.

خط سیر اسلام همواره در طول حیات مبارک رسول الله (ص) سبز بود. این خط سبز را علی (ع) با گذشتن از حق خود خواست همچنان سبز نگه بدارد اما آقایان پشت صحنه را ندیدند، روایت تاریخی را اهمیت ندادند و بقول امروزی ها کاغذ پاره ائی بیش ندانستند. خلیفه دوم فاتح شد اما همزمان اسلام محکوم به دین شمشیر شد! هنوز هم که هنوز است مسلمانان تصویر بد و بدلی از اسلام به جهانیان مخابره می کنند. زیرا اکثر ایشان مسلمان زاده اند. تاریخ را می خورند به جای اینکه آن را بخوانند و از آن عبرت بگیرند. مسلمانان قرنهاست در خواب اند. بقول فرمایش علی (ع) منقوش بر روی سنگ مزار مرحوم خانم آنه ماریه شیمل"النّاسُ نیامٌ فَإذا ماتوا انْتَبَهوا – مردم خوابند و وقتی می میرند بیدار می شوند". ایشان شاید توانستند از بعضی امتحانات بزرگ سر بلند بیرون بیآیند اما از ورقه امتحان نهائی خدا نمره خوبی را نگرفتند. چون همه حوادث بعد ایشان به حساب ایشان گذاشته شد. اما علی (ع) در همان سن ۱۲ سالگی یک نمره ۲۰ از خدا گرفت و تا آخر عمر مبارکش به کمتر از ۲۰ رضایت نداد. هیچ صحابی دیگر اینقدر نمره بیست و فقط بیست (اگر نگویم بالای ۲۰) از خدا و از تاریخ نگرفت. یک سرباز رشید به تمام معنا، با یک اثری ماندگار بنام نهج البلاغه، با یک حکومت پر از عدل برای مدت حدود ۵ سال و یک ذریه پر افتخار که همگی یادگار و یادآور خط سبز اسلام است.

چند بیت اول شعر:

خط سیر انبیای مرسلین

اولیاء و اوصیاء متقین

خط کعبه از مدینه تا نجف

کربلا و کربلا و کربلا

تا رسم بر کاظمین و سامرا

تا مشهد ایمن بلاد مومنین

اما شعر بلندی که ظهر همان روز به ذهنم خطور کرد:

خط سیر انبیای مرسلین

اولیاء و اوصیاء متقین

خط کعبه از مدینه تا نجف

یک زمین با یک نبی

خاتم مرسل نبی

صل ما بر آن نبی

رنگ سبز دارد نبی

بوی سبز دارد نبی

هرچه داریم از بقیع است

الحسن نایب علی

زینت آل علی

باقر شهر علی

صادق شهر نبی

از نجف گویم کمی

تا بجویم من علی

یک نجف صدها نجف

یک علی صدها علی

یک صدا و صد صدا

یک علی دنیا علی

تارک دنیا علی

تابش دنیا علی

از نجف تا کربلا

کربلا ای کربلا

یاد باران بلا

من چه دانم وا کنم

سر کنم تقوا کنم

نقشه امت توئی

راضی زهرا توئی

خواهرت با ما نگفت

آنچه دید با ما نگفت

نقش اشک دارم حسین

مشک اشک دارم حسین

می روم تا سامرا

خط سیر النقی و العسگری

غیبت صغرای دل

هیبت دنیای غیب

کاظمین دروازه است

از تقی و کاظم است

از عراق هم می روم

بصره تا مرو می روم

تا به مشهد می رسم

خط مولایم رضا

راضی دنیا رضا

السلام و السلام

بر تو ای راضی رضا

این چنین است خط عشق

این چنین است خط فکر

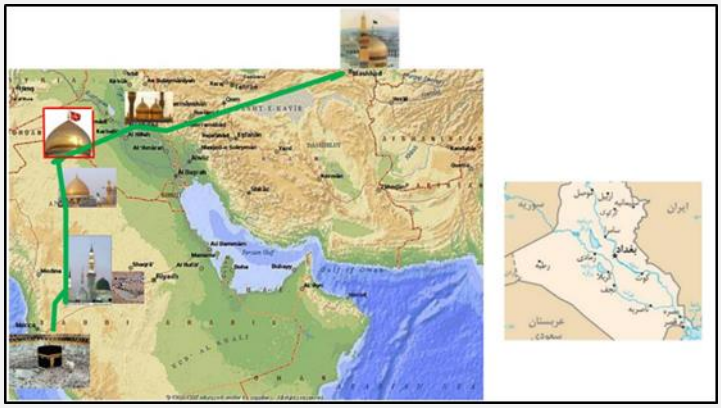
هرچه باران خط سیل

خط باران خط فعل





مقام ابراهیم(جای پای ابراهیم). بر روی این سنگ که با طلا پوشانده شده است، اثر پای ابراهیم روی آن مشخص است اما اثری از انگشتان او نیست.



خط سیر سبز اسلام: مکه–مدینه– نجف–کربلا–سامرا– مشهد.

شاخه های مثمره شجره طیبه عالم خلقت

بیت الله الحرام

(فایل دو بیتی های سال ۱۳۹۳. درج در سایت بینانیوز ذیل خبر"آغاز ثبت نام حج عمره".۱۳۹۳/۹/۷. فایل۶۲)

این زمین یک سرزمین است

زمین و آسمان در یک زمین است

میان سنگ ها یک دسته نور است

دو درب آسمان بیت الامین است

خانه خدا

(جزو دو بیتی های سال ۱۳۹۳)

سالک ما خانه رفت

خانه که رفت جامه رفت

جان تمنا کجاست

ساکن من تازه رفت

نام نیک

(تک بیتی سال ۹۴)

حج نکند نام تو را نام نیک

نامه کند نام تو را نام نیک

رنگ خدا

در تاریخ ۲۱ مرداد ۱۳۹۴ این شعر به ذهنم خطور کرد:

صبر کنم سبزه کنم رنگ خدا زنده کنم

سعی کنم ساده کنم ساده خود سازه کنم

ملت حق قبله کنم قبله خود جلوه کنم

در بدر خانه روم بر در حق خانه کنم

سبک دگر زنده کنم غوره خود سرکه کنم

جمع کنم جمعه کنم جمعه خود تازه کنم

سعی کنم چاره کنم میل خودم پاره کنم

سخت کنند سختی من با تو مگر ساده کنم

در بزنم توبه کنم این دم صبح شعله کنم

من چقدر خط بخورم خطه خود سبزه کنم

دل ببرم کعبه کنم کعبه خود پرده کنم

خانه خدا- کعبه (۱)

شهر به شهر خانه گردون خدا

خانه نرفتیم ندیدیم خدا

حکمت این ماه عسل در کجاست

من بروم خانه ببینم خدا

خانه خدا-رنگ گردن (۲)

خانه قرب است

قریب خانه نیست

این رنگ گردن

به ما خانه نیست

خانه خدا-کعبه (۳)

خانه به خانه زمین رفته ایم

خانه نرفتیم زمین رفته ایم

مرکز دنیا همین خانه است

خانه ندیدیم زمین رفته ایم

خانه خدا-ناز شست (۴)

حسرت دنیا به ما مانده است

حسرت عقبی به جا مانده است

ناز تو شست است اگر شست ماست

خانه این شست کجا مانده است

خانه خدا–ایوان (۵)

رو که از این خانه ویران رویم

خانه نبودند به زندان رویم

از سر شادی دبستان رویم

تابش خورشید به ایوان رویم

اولین حادثه تلخ در حج عمره۱۳۹۴: تعرض ماموران سعودی در فرودگاه جده به دو جوان ایرانی

- سایت بینانیوز ضمن گزارش این خبر در مقاله تحلیلی خود تحت عنوان"آیا زمان توقف سفر حج عمره نرسیده است؟" نوشت.... جدیدترین توهین و جرم در این زمینه تعرض ماموران سعودی به دو جوان ایرانی و بهانه تراشی سعودی ها برای عدم صدور روادید برای ۲۵ هزار ایرانی در ایام نوروز ۹۴ بازمی گردد که می توانستیم به جای منت کشی از آنها برای از سرگیری سفرهای حج، از این فرصت برای قطع موقت سفرهای حج عمره سود ببریم که با توجه به سودآوری بالای سفر ایرانی ها (به خصوص در حج عمره) این موضوع برای سعودی ها هزینه های جبران ناپذیری را به همراه داشت..(۱۳۹۴/۱/۲۰ فایل ۱۴۸).
- نظر من: برای خاورمیانه امروز که تعداد کشورهای آن دقیقا نامشخص است، از ۱۷ کشور گرفته تا بیش از ۲۵ کشور، نه قطعه ادبی کمک می کند، نه شعر، نه طنز، نه نصحیت و نه هیچ چیز دیگر الا یک معجزه بزرگ و یا چند معجزه کوچک پیاپی. هرچه خبر ناگوار است مربوط به خاورمیانه است! اسمش میانه است اما کارش زیاده است. مکتبش اوسط است اما رفتارش افراط و تفریط است. منطقه اش زرخیز، پیامبر خیز و ادیب خیز است اما امتش عقب نگه داشته شده است. تا دیده نخبه کشی بوده است و تا خورده لگد بوده است. می خواهد خودش را باز یابد و سری بین سرها پیدا بکند اما دریغ از هر بار. چون نفت دارد بدست او کبریت داده اند. یا خود یا دشمن خرمن او را بارها و بارها آتش زده است.

بیش از ۶۰ سال است اولین خبری را که شنیده خبر جنگ اعراب و اسرائیل است. از بالا نگاه کنی این قسمت از کره زمین به رنگ دود و آتش است، از جلو نگاه کنی جوی خون جوان و نوزاد و جویبار اشک مادران داغدیده است. بلندترین صدای سالهای اخیر، صدای الله اکبر فاتحان از خدا بی خبر است. این فاتحان به رنگ سبز پرچم اسلام هم رحم نکرده و آن را به رنگ سیاه درآوردند. ۱۰٪ زمین مال اوست. اما ۹۰٪ خبر ناگوار دنیا را او تولید می کند. اگر از روی زمین یک روز غایب بشود دنیا در بی خبری معنی داری فرو می رود! از تولید علم، ثروت، نظریه پردازی، نوآوری و.. درحوزه های مختلف خبری نیست، آنچه خبر روز این کشورهاست کوچ نخبگان سازنده خود این کشورهاست.

همه کشورها یا ابر قدرت شدند یا به قدرتهای نوظهور تبدیل شده اند. اما کشورهای خاورمیانه در میانه راه مانده اند! چون کارشان آزمودن آزموده هاست. به جان خود و همسایگان بی دفاع خود افتادن است. بیکار است و سودجو، بیعار است و مفت خور. بر خلاف مکتب والایش که گفته بود در یک دستت آهن و در دست دیگرت کتاب باشد، او چون بی سواد است، جاهل است، بی معرفت است، بی فیض است در یک دستش تبر گرفته درخت و آثار باستانی این دو گوهر نایاب کشورش را محو می کند و در دست دیگرش چاقو گرفته تا گلو ببرد و با نشان دادن آن به دنیا هم دین خدا را در دنیا بدنام کند، هم اسلام ستیزی را رواج بدهد، و هم راه نجات انسان تشنه معنویت را در سطح دنیا سد بکند.

با این خبر جدید که به دو نوجوان ایرانی که محضر خدا و نوازش خدا را دیده تجاوز شده انسان مات و مبهوت و متحیر می ماند:

بگرید، بمیرد، ناسزا بگوید، راهپیمائی کند، استمداد کشورهای اسلامی را بطلبد، قطعنامه مشترک اسلامی صادر کند، تف به صورت خاطیان وحامیان آنها بیاندازد، منتظر اعدام این انسان نماها باشد، تدابیر جدید بیاندیشد وچه و چه ..و یا برای یکسال بفکر تعطیلی حج بیفتد که برای کشوری که زبان آدمیزاد کمتر می داند، نیمه اسلام را دارد، دلارهای نفتی انبوه دارد و بقول آن خبرنگار معروف عربی، زن دیگری است این بدترین گزینه ممکنه است چرا که به نفع نادان از حق معنوی خود گذشتن است. کعبه و مسجد نبی، بقیع، احد، شیب ابیطالب، عرفات، منی و.. به اسم تک تک مسلمانان است. دعوت عام خداست. پول حج پولش جداست. پول دیدن خدا است. رسیدن خداست، محشور شدن با همه امت خداست. البته پول نمایش قدرت و وحدت جهان اسلام هم هست. اصلاح امور مسلمین هم هست و..

دومین و سومین حادثه تلخ در حج تمتع ۱۳۹۴ در صحن بیت الله الحرام و در منا

- آن هنگامیکه اولین حادثه مرگبار مکه امسال با سقوط جرثقیل به داخل حرم اتفاق افتاد. روز حادثه جمعه ۲۰ شهریورماه ۱۳۹۴ برابر با ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۵ در ساعت ۱۷:۱۰ به وقت مکه بود. چرا ۱۱ سپتامبر؟ ۱۱سپتامبر۲۰۰۱ یادآور حمله به دو برج آمریکا توسط مسلمانهای افراطی القاعده بود که بیشتر ایشان از اهالی عربستان سعودی چون بن لادن بوده اند! هرچه که پشت این ماجرا باشد حج امسال برای حاجیان و خانواده های ایشان حرام شد. بعد این ماجرا، حادثه مرگبارتر از مکه در سرزمین منا به تاریخ ۲ مهر ۱۳۹۴ (۲۴ سپتامبر ۲۰۱۵) اتفاق افتاد. در آن هنگام اعلام شد در اثر بی مبالاتی و بی کفایتی دولت عربستان بیش از ۱۷۰۰ کشته و صدها نفر زخمی و یا مفقود الاثر شدند. من هم بعنوان یک مسلمان که حج را سال گذشته با تمام وجودم درک کرده بودم نظرات خود را در سایت بینانیوز ذیل فایلهای۲۲۱، ۲۲۵، ۲۲۸،۲۳۱،۲۳۴، ۲۳۵ ارائه نمودم. ایران بیشترین تعداد قربانی را در این تمتع داد: ۱۳زائر شهید در حادثه مسجدالحرام و ۴۶۴ (زائر شهید) در سرزمین منا.



حرف خدا می زنیم کار دگر می کنیم

راه دگر می رویم جای دگر می رویم

بیت خدا رفته ایم بیت خدا دیده ایم

چونکه خدا دیده ایم کار خدا می کنیم

حاصل عمر عزیز آمدن و رفتن است

بهر خدا بودن است بهر خدا رفتن است

ماندم از این حاجیان حج تمام کردن است

حج شهیدان ما نیمه حج کردن است

برای تکمیل این متن نظرات ارائه شده در سایت بینانیوز را به ترتیب تاریخ درج اینجا می آورم:

۱. نظر من راجع به خبر سایت بینانیوز تحت عنوان"اسامی مجروحان ایرانی طوفان مکه اعلام شد". ۱۳۹۴/۶/۶ (فایل ۲۲۱):

سال گذشته (۱۳۹۳) که من مشرف شدم همه چیز آرام بود. عید نوروز امسال خبر تجاوز دو مامور پلیس فرودگاه جده به دو نوجوان ایرانی بلوای بزرگی را به راه انداخت و بخاطر این حرمت شکنی اعزام به حج عمره متوقف شد. کشتار دسته جمعی حجاج ایرانی و غیر ایرانی در ۹ مرداد ۱۳۶۶ در روز اعلام برائت از مشرکین و سالهای قبل از آن، آتش گرفتن چادرهای حجاج در منا (۱۳۵۴/۹/۲۵) و کشته شدن و ناپدید شدن تعدادی از حجاج بیت الله الحرام از جمله حوادث تلخی است که من از زبان مادرم که در سفر مکه ۵۴ حضور داشت بیاد دارم. آیا این حادثه ناشی از طوفان بوده و یا اقدام تروریستی بعدا معلوم خواهد شد. اما آنچه مسلم است و این روزها بیشتر بر سر زبانها می چرخد این بلا نتیجه مستقیم تجاوز سبوحانه دولت عربستان علیه مردم مظلوم یمن است. درست است تاوانش را حجاج می دهند اما نشان بی لیاقتی را دنیا و ملت مسلمان به کشور عربستان می دهند. در همین چند ماه گذشته اینقدر که نگران توافق هسته ائی آمریکا با ایران بود نگران برگزاری شکوهمندانه مناسک بزرگ حج نبود. البته همه کشورهای اسلامی در این نوع برنامه ریزیها وضع مشابهی دارند و نمره مشابه می گیرند.

اگر همه کشورهای اسلامی در توسعه بیت الله الحرام مشارکت داده می شدند امروز خانه خدا اینگونه در بین برج و باروهای چند ده متری غریب نمی افتاد! خانه خدا آپارتمان چند طبقه نمی شد! (مراجعه شود به مقاله فلسفه خواندن نماز آیات، ۱۳۹۷ و نیز تعطیلی کعبه به بهانه شیوع بیماری کرونا، ۱۳۹۹ در همین سایت آنجا که آمده است:

خانه ائی تک سازه است چون ساده است/رنج او در سایه هاست بد سازه هاست) ساخت برج ششصد متری ساعت مشرف به حرم در عربستان همان قدر به سیمای ملکوتی کعبه آسیب می زند که تخریب دیگر آثار صدر اسلامی مکه و مدینه. یک نفر نیست به ایشان بگوید هر دستکاری در بافت آنجا رضایت کل مسلمین را طلب می کند. اما چه کنیم که در این دنیا هر کس و هر دولت بتواند صاحب همه چیز است! بیرون مسجدالحرام اگر برج سازان می گذاشتند نه تنها فضای لازم برای توسعه عرضی دور خانه خدا وجود داشت بلکه می شد یک بهشت زمینی را با تاسسیات مدرن گلخانه ائی که امروز امکان ساخت آن وجود دارد با کاشت درختان همه فصل و ایجاد نهرهای روان شیر و عسل و دیگر جلوه های هنر اسلامی ایجاد کرد که حجاج هم زیارت خانه خدا را آسان می کردند (سختی طواف از یک طرف و خروج از محوطه طواف بدلیل ازدحام جمعیت و نشستن حجاج در بیرون از محوطه طواف یکی از بزرگترین دغدغه های حجاج در طول شبانه روز است) و هم پس از فراغت از زیارت از فضای بیرون آن لذت وافر می بردند.

اما همه اینها لیاقت می خواهد که باز می گویم هیچ کشور اسلامی آن را ندارد. همه نقش مکمل هم را دارند. لورل-هاردی جهان اسلام هستند. فقط بلدند از هم ایراد بگیرند! دعوای ارتفاع برج جهان اصفهان و برج ساعت کعبه را دارند. زیرا سرلوحه برنامه همه اینها (اینهای مسلمان زاده تازه بدوران رسیده)، تخریب طبیعت بکر و محو و نابودی و از جاکنی محوطه های باستانی کشورهای خود به قیمت بخس است. اینقدر نزدیکی هتل ها به حرم را چه کسی مجوز داده است؟ مگر حاجی حین طواف آسایش نمی خواهد؟ آسمان آبی نمی خواهد؟ فضای تنفس نمی خواهد؟ اگر کرایه یک شب این هتل های لاکچری اطراف خانه خدا و اطاق های مشرف به کعبه برج ساعت صدها میلیون تومان هم باشد باز بازنده، حماقت و حقارت و طمع کاری و سودجوئی کشور میزبان است که نه خداشناس است نه تمدن شناس است و نه حقوق بشر شناس. **خدا کند این آخرین مصیبت حجاج باشد** (گوئی این نگرانی من در متن اولیه بی دلیل نبوده است. زیرا در پی آن حادثه غمبار منا اتفاق افتاد). همه دوست دارند در مکه فوت کنند اما هیچکس دوست ندارد اینگونه بمیرد.

حاصل عمر عزیز آمدن و رفتن است

بهر خدا بودن است بهر خدا رفتن است

ماندم از این حاجیان حج تمام کردن است

حج شهیدان ما نیمه حج کردن است





۲. نظر من راجع به خبر سایت بینانیوز تحت عنوان"عربستان: علت حادثه منا؛ گرمای هوا و خستگی حجاج!" ۱۳۹۴/۷/۳ (فایل ۲۲۵):

متاسفانه روز دهم ذیحجه (۲ مهرماه ۱۳۹۴)، حجاج معزز که قدرشان را خدا می داند و بس و قدرش را سعودی ها می برند و بس، در روز اول منا (ساعت ۸/۵ صبح) و در مسیر رمی جمرات با ازدحام شدید جمعیت روبرو شدند. می گویند یکی از مقامات سعودی در مسیر رمی جمرات بود که پلیس برای خودشیرینی مسیر را برای او قرق کرد (بعدها این خبر تکذیب شد! سایت بینانیوز فیلم عبور کاروان فرزند شاه عربستان را جعلی اعلام کرد و آن را در سایت خود قرار داد). علت هرچه بوده باشد، **۲۴۳۱ زائر خانه خدا از کشورهای مختلف شهید و تعدادی بیشتری زخمی شدند. تعداد جانباختگان ایرانی در این حادثه ۴۶۴ نفر اعلام شد. ۴۲ نفر ایشان در قبورالشهدای مکه به خاک سپرده شدند** (ویکی پدیا،۲۰۲۱). به همین سادگی و در عین ناباوری!

این سرلشگر (منصور بن الترکی، سخنگوی وزارت کشور عربستان) هم اینگونه افاضات می فرمایند! مثل اینکه هر سال این گرما و این ازدحام جمعیت نبود! خوب مشغول جنگ با مردم یمن هستند و فرصت فکر کردن ندارند! هرچه هست ۱۰٪ (۱۳۱ نفر) جان باختگان این حادثه ناگوار زوار ایرانی هستند که زیر دست و پا ماندند و خفه شدند! نه کسی اعتراض کرد! نه کسی به اعتراض ما پاسخ داد! نه از عرب ها بخاری بلند شد و نه از غیر عرب! صحنه های بس دلخراش ایجاد شد که تا حالاحالاها در حافظه مردم مسلمانان باقی خواهد ماند. بیشتر شبیه به قتل عام جمعی است. کشور عربستان زیرساخت هائی را برای این مراسم با شکوه درطول سالیان طولانی تدارک دیده اما کافی نیست. روزی را هم که حجاج عازم عرفات هستند و اتوبوسها در داخل شهر به حجاج سرویس ویژه نمی دهند می شود این بی نظمی را دید. همینطور اتوبوسهائی که ۲۴ ساعت زوار را بین خانه خدا و محل اقامت ایشان جابجا می کنند. تعداد اتوبوس ها بیشمار و جمعیت حجاج بحمدالله بیشمارتر. گنج خداست در دست ما مسلمانان. گنج مادی و معنوی- گنج دنیوی و اخروی. یک جلد قرآن در هنگام ترک فرودگاه جده به همه حجاج تقدیم می کنند اما یک برگ نظر سنجی را در شان این حجاج نمی دانند! چرا چون حجاج آدم نیستند!! چون اساسا مردم آدم نیستند!! چون مردم عیال الله نیستند! زیارت خانه خدا رنج سفر دارد و این رنج سفر، ثواب دیگر دارد!! این دیدگاه دو طرفه است.

فقط خدا است عیوب ما مسلمانان را در این مناسک باشکوه مخفی می گذارد و گرنه تا چشم کار می کند مملو از آسیب های فرهنگی است.

صحنه چه ها آفرید

صحنه ما آفرید

مکه مِنی آفرید (حادثه مرگبار امسال مکه و منا)

صحنه مِنی آفرید

صحنه ملال آفرید

صحنه بلال آفرید (حجاج کشته شده سیاه پوست که جنازه های آنها کنار هم و روی هم ردیف شده بود)

غصه ما کم نبود

محنت ما آفرید

صحنه کجا آفرید؟

موسم حج آفرید

راه کجا آفرید؟

راه مِنی آفرید

شرق کجا آفرید؟

شرق جهان آفرید (تشریق)

عید ضحی آفرید

آه کدام آفرید؟

آه یمن آفرید

آل کجا آفرید؟

آل سعود آفرید

آل قعود آفرید

مرگ کدام آفرید؟

مرگ جدید آفرید

مرگ قدیم آفرید (حوادث تلخ گذشته درج در فایل ۲۲۱ بینانیوز)

قله مگر کم نبود

قطعه ننگ آفرید

قلعه مرگ آفرید

نزد خدا آفرید

بار گناه آفرید

قتل حسین آفرید

کرب و بلا آفرید

مژده من بر شما

آل سعود رفتنی است

رنج سعود ماندنی است

۳. نظر من راجع به خبر سایت بینانیوز تحت عنوان"رهبر انقلاب: عربستان به‌جای فرافکنی، مسئولیت خود را بپذیرد و عذرخواهی کند". ۱۳۹۴/۷/۵ (فایل۲۲۸): در خبرها آمده بود مفتی اعظم عربستان اعلام کرده است حادثه منِی قضا و قدر الهی است! اینهمه آسمان و ریسمان چیدن برای احتراز از یک معذرت خواهی واجب و غیر قابل اجتناب منطقی است؟ انسانی است؟ اسلامی است؟ خدایا عذرخواهی اینقدر برای ما مسلمانان سخت است؟ خوب است پیامبر عظیم الشان اسلام همه عمر شریف خود را مصروف این حقایق و دقایق کرد. این درس را ویکتور هوگو شاعر نامدار فرانسوی قرن نوزدهم ازبر کرد، با جان و دل خود درآمیخت و سروده بلند خود را بنام "سال نهم هجرت" حماسهٔ تاریخ کرد، یادگاری خود از پیامبر مکرم کرد ولی ما هنوز اندر خم یک کوچه و از فهم نثر و نص آن عاجزیم!

قسمتی از این سروده:

همهمه‌ای در میان مردم درگرفت و پیامبر ادامه داد

آی مردم، گوش بسپارید

اگر یکی از شما را سخنی ناپسند گفته‌ام

پیش از آن که از میانتان بروم، برخیزد

و در حضور همگان آن را به من بازگرداند

اگر کسی را به ناحق ضربتی زده‌ام

بیاید و با این چوب مرا قصاص کند!

مردی از او سه درهم مطالبه کرد و وی بی‌درنگ پرداخت

گفت:

تسویه حساب در اینجا بهتر است تا در میان گور.

خوب در یک مناسک حج بیش از دو میلیون حاجی وارد باب الحاجین از ابواب هشتگانه بهشت شده اند. سهوا جرثقیل در مسجدالحرام بر سر مردم سقوط کرده است، کشته داده اند. با حزن و اندوه وارد عرفات و مشعر و مِنی شده اند، در مِنی زیرپای ازدحام مردم خفه شده اند، جان باخته اند، مصدوم شده اند، مفقود شده اند، دنیا نظاره گر صحنه های دلخراش بوده است، خانواده ها عزادار شده اند، تاریخ آن را ثبت کرده است، خدا و رسول و فرشتگان مقرب محزون تماشای این صحنه بوده اند، دنیا مدیریت ما را به چالش کشیده است، اینهمه یک عذرخواهی خشک و خالی نمی طلبد؟! ارسال معذرت نامه به همه ممالک اسلامی نمی خواهد؟! دلجوئی از خانواده های داغدار نمی خواهد؟ شرمندگی پیشکش.

باید به آن شیخ عرب که این وقایع را قضا و قدر دانسته است گفت:

شیخ عرب حرف چیست؟

حرف قضا و قدر

هر قدمش یک قضاست

با تو مگر صد قضا

قد قضا کم مکن

تا به قضا کم مکن

قدر بدار هر قضا

تا نرسد هر قضا

قدر قضا را بدان

قدر خدا را بدان

کار قضا با خداست

کار قدر با شماست

قدر قضا گر نبود

لنگه مردم نبود

داغ یمن کار توست

قتل مِنی پای توست

عذر بخواهی قضا است

عذر نخواهی بلا است

۴. نظر من راجع به خبر سایت بینانیوز تحت عنوان"رهبر انقلاب: عکس العمل ایران اسلامی خشن و سخت خواهد بود". ۱۳۹۴/۷/۸ (فایل ۲۳۱): این نظر در قالب یک شعر بلند تحت نام حج ذبیح (سروده شده در تاریخ ۱۳۹۴/۷/۸ و روی آن سایت قرار داده شد. پیام مهم برای نادانان مهم. عربستان تا همیشه سعودی نخواهد ماند. بهار عربی او را هم در بر خواهد گرفت. اما تا آن روز احسن تدبیر را به خدا می سپاریم و برای امروز اداره مناسب مناسک حج را به شکل سازمان ملل مناسب می دانیم:

هرگز به چشم ندیدیم — این یک سفر نمیریم

در یک زمین عالی — ما جز بلا ندیدیم

در سرزمین عالی — ما جز عزا ندیدیم

با صد نماد عالی — در یک صفای عالی

در یک فضای عالی — با یک نشان عالی

با صد زبان عالی — رفتیم بلاد احمد

عالی برای عالی — اول بلاد اول

در فصل ریح و ریحان — دیدیم جلال احمد

در وقت گوی و میدان (میدان منا) — دادیم سلام احمد

یکجا خیام نباشد — سبز است سلام اعظم

یکجا نیا نباشد — صبر است سلام اعظم

صدها به خاک بیفتند — رفتیم بقیع مظلوم

ظالم به خاک نیفتد — دیدیم امام مظلوم

مردم به باغ بمیرند — من فاطمه ندیدم

ملعون به کاخ نمیرد — ام ابی ندیدم

در زیر پا بمانیم — اول امام ندیدم

در زیر پا نماند — جز من امام ندیدم

ما این سفر نکردیم — ام البنین دم در

ما قصد مرگ نکردیم — جز در امام ندیدم

ما هر سفر بمیریم — وقت بقیع نسیم است

دور بقیع قسیم است	بعد صفا و مروه
یکتا ملک نباشد	رفتیم وقوف اول
صدها ملک نباشد	دیدیم فروغ اول
در امهات نماندیم	رفتیم منی اول
در دار غم نماندیم	دیدم غنای اول
رفتیم بلاد اکبر	مشعر فراز اول
دیدیم جمال اکبر	محشر منی اول
دیدیم مقام اکبر	هفت بار رمی اول
گفتیم کلام اکبر	هر بار ذبیح اول
یک نقش فرش ساده	اینقدر ذبیح اول
یک عرش و فرش ساده	امسال چقدر ذبیح است
هم نام اکبر اینجاست	زائر چرا ذبیح است؟
هم کار اکبر اینجاست	از زاهدان ذبیح است
دور طواف اول	از عارفان ذبیح است
دادند مقام اول	از کاروان ذبیح است
رفتیم وقوف اول	از ساکنان ذبیح است
دیدیم عروج اول	بیت خدا حزین است
در هجر مقام دیگر	روی خدا نمین است
بیرون مقام دیگر (مقام ابراهیم)	از دور نبی غمین است
زائر سرای دیگر	بادا که غم غمین است
ضامن زمان دیگر	یادا که غم شریک است
زمزم سقای آدم	مردم چقدر بگریند
مروه صفای آدم	روی زمین ذبیح است

سنگی به کار نیآمد	فرق قدر همین است
چون تخته سنگ نیآمد	ما حج حج نکردیم
این است عناد دیرین	ما حج حق نکردیم
این است تبار زیرین	بر آسمان بگوئید
تا او وقوف ندارد	ما آسمان ندیدیم
بر من وقوف ندارد	بر خاکیان بگوئید
فرق قضا همین است	ما خاک خود ندیدیم

۵. نظر من راجع به خبر سایت بینانیوز با عنوان"یک فتوای جدید برای رمی جمرات"۱۳۹۴/۷/۱۴ (فایل ۲۳۴).

استخراج از دفتر خاطرات حج ۱۳۹۳:

منازل این سفر روحانی بسیار زیباست. یکی از یکی دقیق تر و سنجیده تر- یکی از یکی زیباتر و کامل تر. روی به جلو برای چهره شدن، حاجی شدن، هاجر شدن ابراهیم-اسماعیل شدن و.. حدود چهار هزار سال (از زمان ابراهیم خلیل الله) از این مراسم با شکوه مناسک حج می گذرد احدی از آن خرده نگرفته الا از مدیریت های ناقص روزگاران مختلف. معلوم است مدیریت های ناقص از فهم ناقص افراد نشات می گیرد. جابجائی این منازل چندگانه عملا غیر ممکن است. قبل از مشعر الحرام بیتوته در عرفات ممکن نیست و قبل از وقوف مشعر، وقوف در منی بی معناست. هر منزلی درس و مشق و معرفت و فلسفه خود را دارد. با هم حج کامل می شود.

به ما گفتند حقایق یا نگفتند

یکی از صد چرا با ما نگفتند

رموز آسمان با عرش حق است

به ما از عرش حق کمتر نگفتن

- سه منزل دشوار حج تمتعه "عرفات- مشعر- منا" است. در حج عمره از وقوف در این سه منزل خبری نیست. یک شب در عرفات، یک شب در مشعر و دو شب در منی. آیا این مراسم برای زجر حاجیان است یا ارتقای مقام روحانی و معنوی ایشان؟ قدر مسلم برای آماده سازی حاجیان برای یک طواف متفاوت از کعبه است. این طواف کجا و طواف اول بدون این منازل کجا؟

دو بار حاجی محرم می شود این محرم شدن و خارج شدن از آن یک تولد از نوع دیگری است. یک معراج دیگری است. یک بار با بار سنگین گناه خانه خدا را روز اول طواف می کنیم و یک بار وقتی سبکبالان ساحل ها شدیم (سبک با حلق یا تقصیر موی زیبای سر و بذل مال با ذبح یک گوسفند). اهل تسنن برای رمی جمرات پس از شنیدن اذان ظهر دست بکار می شوند و اهل تشییع قبل از اذان، کار شیطان را یکسره می کنند. با توجه به ازدحام جمعیت، اینجا آدم این اختلاف شیعه و سنی را به فال نیک می گیرد که به نوبت وارد خانه شیطان می شوند و ناخودآگاه از

وقوع این حوادث ناگوار که می تواند هرساله اتفاق بیفتد ممانعت می شود. سه روز رمی جمرات یک طرح ویژه از سوی خداوند متعال است. روز اول ۷ سنگ نثار نماد شیطان عقبه می شود. روز دوم و سوم به هر سه جمرات اولی، وسطی و عقبه هر کدام ۷ بار سنگ زده می شود.

مقایسه خانه خدا با خانه شیطان هم بسیار جالب است.

خانه خدا (کعبه خدا) بدون مسقف اما مملو از ادب و کمال و بندگی و بنده نوازی و **خانه شیطان** (سوله شیطان) پر از تقابل، نشاط و مملو از کیسه های حاوی۷+۲۱+۲۱ سنگریزه (میلیونها سنگریزه که اگر به شیطانهای هر دوره زده بشود اسلام حیات مجدد می یابد). اما نشاط از این منظر که آدم دست حاجیانی سنگ می بیند که تجربه سنگ انداختن را فقط در ایام کودکی داشتند و امروز در دوران کهنسالی رسالت یافته اند که این کار را نه برای تفریح که برای تفریغ و تفریق انجام بدهند. خود من پارسال از این خنده ها فیلم برداری کردم و دوستان را از جمله روحانی کاروان از آن آگاه کردم (تنها جائی که حاجی حظ وافر می برد بدون اینکه بداند کار او بعدا از پایان این مراسم و دور از چشم جماعت زار است)! اینست که یکی به شوخی می گفت من همه سنگ ریزه ها را درگودال حاوی سنگریزه ها ریختم و از شیطان خواستم خود تصمیم بگیرد! سنگ ها را به خود بزند! به من بزند و یا هرکار دیگر! اما من به او می گفتم کار شیطان با سنگ زدن جمرات یکسره نمی شود. یا باید همراه خود آرپی جی برد و یا به نرم افزار ایمان مجهز شد.

به حج دیدم ندیدم جز خدا را

جمال دیدم ندیدم کبریا را

همه اولاد خوب اولاد حق اند

کجا دیدم رمی جز دشمنان را

خیلی ها وقتی خوردن سنگ ها به نماد شیطان الله اکبر می گفتند و من در مسیر جمرات و هنگام سنگ زدن دو سوره فلق و ناس را می خواندم و با پرتاب سنگریزه ها آیه وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى را بر زبان می راندم و با یادآوری خاطره جنگ جمل، سنگ ها را بر ساق شیطان می زدم.

سکوت کرد تا من او را رم نمایم

به خود جرات دهم رم را رمایم

رمی بر سنگ خوار چندان خوش آید

که تا شب این رمی را رم نمایم

اما رمی طرف مقابل (نفس اماره و لوامه) هم باید جالب و در عین حال آموزنده باشد:

رمی کردم ولی او من رمی کرد

رمق از من گرفت من را رمی کرد

به چند سنگریزه من دلخوش نباشم

جوال از من گرفت من را رمی کرد

۶. نظر من راجع به خبر سایت بینانیوز تحت عنوان"ترکی فیصل: عربستان مدیریت حج را به اشتراک نمی‌گذارد".۱۳۹۴/۷/۲۱ (فایل۲۳۵) با احترام به روح همه شهدای حج تمتع ۱۳۹۴بویژه مرحوم مغفور حاج محسن حسنی کارگر:

کاروان در کاروان، رفته بودند در منا، مانده بودند در منا، در منا بودند بسی، در منا مردند بسی، این منا هم بد مناست، هرچه دیدیم در مناست، ابرهه در این مناست، ردپا در این مناست، ذبح اکبر در مناست، وصل آدم در مناست، زنده ها دارد منا، کشته ها دارد منا، هرچه ماند در مناست، هرچه خواند در مناست، از مدار است این منا، از قرار است این منا، در کتاب است این منا، تازه خواندم من کتاب، تازه ها دارد منا، خوانده ها دارد منا، شهر باران است منا، رنگ باران است منا، وقت حرب است در منا، حرف حق است در منا، هر مزمل یک منا، هر مدثر یک منا، وقت باغ است در منا، وقت داغ است در منا، خنده ها دارد منا، گریه ها دارد منا، هم صدائی در مناست، هم نیازی در مناست، هم لباس است هم کلاس، ردپا هست در منا، رد کار است در منا، چند سوار است در منا، کم تبار است این منا، حج اکبر در منا، حج اصغر در منا، رسم آدم در منا، وصف آدم در منا، کم نباشد این منا، کوچه تنگ است در منا، توشه سنگ است در منا، اهل منطق در منا، اهل مسجد در منا، جنگ شیطان در منا، سنگ شیطان در منا، هرچه جنگ است در منا، هرچه تنگ است در منا، بار سنگ است در منا، کار سنگ است این بنا، سینه بردم زیر سنگ، پینه دیدم زیر سنگ، کارزار است این منا، ذبح جان است در منا، حلق و قصر است در منا، فتح و نصر است در منا، رد جنگ است در منا، هرچه رنگ است تیره رنگ، رنگ سنگ هم تیره رنگ، از منا گفتن بس است، در منا جستن کم است، منبری دارم منا، غصه ائی دارم منا، حج کامل در منا، حج ناقص بی منا، حج امسال ناتمام، حج واجب تا تمام، شهر نور اند حاجیان، نزد اویند حاجیان، آشنایند آشنا، آشکارند آشکار، خرقه دارند در خیام، خیمه دارند در قیام، کم نباشند از شهید، هر شهیدی یک شهید، هر عزیزی یک عزیز، کارگر (مرحوم مغفور حاج محسن حسنی کارگر) یکتا عزیز، حسرت ما مانده است، کارگر جا مانده است، هم تلاوت می نمود، هم متانت می نمود، قاریان دیدیم شهید، سالکان دیدیم سعید، پر شدند پرپر شدند، بهترین ها پر شدند، حرف ها دارد نفیر، جمله ها دارد سفیر، ای سماع و ای صباح، هرچه آیت پیش توست، هرچه دعوت سوی توست، یاد تو کردند سلام، کار تو کردند سلام، کار تو کمتر کنند، یاد تو کمتر کنند، خالقم این کار کیست؟ هاتفم این راز چیست؟ این محرم کار کیست؟ آن محرم کار کیست؟ هر محرم کار کیست؟

- امسال برای حاجیان دنیا و بویژه ایرانیها حج تلخی بود. چندین حادثه بزرگ در مکه و منا اتفاق افتاد. هرکس در دانشگاه، از فامیل، همسایه مرا دیدند گفتند شانس آوردی امسال مکه نبودی! خوش شانس بودی پارسال مکه بودی! در پوشه لحظات حساس زندگی خود نوشتم زندگی شانس نیست، برنامه است، نظام است. حسرت آدمی بی جاست

و کار خدا با جاست. تو را برای کاری آفریده اند. کارت تمام شد اگر نیکوکار بودی با یک سلام و در یک حادثه ساده و اگر بدکار بودی با یک اردنگی از صحنه روزگار خارج می کنند.

- روز عیدقربان امسال مصادف بود با ۱۳۹۴/۷/۲. من و بتول برای خرید گوسفند به میدان فرحزادی رفتیم. (هنوز خبر از حادثه منا نبود. بعد از برگشتن به خانه متوجه خبر شدیم) شهرداری چادر زده بود. قیمت گوشت زنده بین ۱۱ هزار تا ۱۲۵۰۰ تومان در نوسان بود. من از آغل مغان خریداری کردم که قیمت عرضه او ۱۲۵۰۰تومان بود. کل وزن گوسفند شد ۵۷ کیلو و مبلغ آن شد ۷۱۰ هزار تومان. موقع خرید یک مصاحبه کوتاه هم از من گرفتند.

مثل همیشه و این بار که اولین سالگرد بازگشت من از سفر حج بود تمام گوشت قربانی را جزو دو سهم، بین دو همسایه، یک همکار و آبدارچی دانشکده، فامیل و فقرا (۲۵ سهم) تقسیم کردیم (کل گوشت ۴۵ قسمت شد). شب هنگام آمینا و بتول روانه خیابان شدند تا گوشت ها را به مستحقان واقعی برسانند. عمده ایراد کار عرضه مستقیم گوسفند در این بود که قصاب ها که اغلب هم جوان بودند از ذبح متعدد خسته بودند و بناچار گوشت را فقط چهار شقه می کردند! بعضی افراد پول اضافی می دادند که گوشت را چند تکه بیشتر ببرند! ما هم ۵ هزار تومان به کارگر دادیم تا گوسفند را از محل آغل به صف کشتار بیآورد. ۱۰هزار تومان هم به قصاب دادیم تا گوشت را چند تکه بیشتر خرد کند. اما تفاوتی چندانی به حال ما نداشت و باز کار اصلی بر دوش من افتاد و با چه زحمتی بدون هیچ وسیله ائی گوشت ها را خرد کردم خدا می داند!

با اینکه بهترین گوسفند را خریدیم باز دکتر دامپزشک آمد و گفت گوسفند مریض بوده و جگر سفید آن را دور انداخت و زیر پا له نمود. یک آخوند هم بود که روی بازوی او نوشته شده بود ناظر بهداشتی! دستش یک کیسه نایلون بود و مرتب می رفت همه دنبلان ها را از هر گوسفند تازه ذبح شده بر می داشت و داخل کیسه می کرد! برای چه منظوری من نفهمیدم. اما همه مسخره می کردند که امشب حاج آقا همه اینها را سیخ می کند و می خورد! تعدادی هم می گفتند چون مکروه است او آنها را از دسترس مردم دور می کند! تا اهل جهنم نشوند!

هر دلیلی داشت کاش لباس روحانی نمی پوشید (فیلم گرفتم)، کاش برای این کار خود رضایت صاحبان گوسفندان را هم جلب می کرد! مردمی که از سیرابی نمی گذرند! چگونه راضی می شوند دنبلان گوسفندان را که تعدادشان شاید به ۲۰۰۰ عدد برسد به حاج آقائی که نمی شناسند برسد. چرا حاج آقا اینها را بین فقرای حاضر در میدان که برای گرفتن دو پاچه گوسفند تقلا و تمنای فراون می کردند تقسیم نمی کرد؟ خوردن دنبلان حرام است یا گرسنه بر بالین خوابیدن؟ در شرایط عسر خوردن همه چیز جایز است.

- در ۱۲ دی ماه ۱۳۹۴ تعدادی از شعبان بی مخ ها به بهانه کشتن آیت الله مرحوم نمر رهبر شهید شیعیان عربستان، سفارت عربستان در تهران را آتش زدند و همزمان به کنسولگری آن کشور در مشهد حمله کردند. این دو واقعه بهانه ائی دست دولت سعودی داد که با ایران قطع رابطه بکند! **بدین ترتیب، حج تمتع سال جاری (۱۳۹۵) برای ایرانی ها چون مردم یمن ممنوع شد.** ایرانی ها توانستند در حج تمتع سالهای ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ شرکت کنند. بعد هم شیوع پاندومی ویروس کرونا در اواخر سال ۱۳۹۸ به یک معضل جهانی تبدیل شد.

سال گذشته (۱۳۹۹) مکه و مدینه پذیرای ۱۰ هزار زائر بومی بود. سال (۱۴۰۰) با کشف واکسن بیماری، سرزمین وحی میزبان ۶۰ هزار زائر خانه خداست. مشروط بر اینکه زوار سرزمین وحی دوز دوم واکسن کرونا را دریافت کرده باشند (مراجعه شود به مقاله مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ– هرکس خود را بشناسد، قطعاً خدایش را خواهد شناخت در همین سایت،۱۴۰۰). آن از حج خونین سال ۱۳۹۴ و این هم از بدشانسی های پی در پی زوار ایرانی و زائرین دیگر نقاط دنیا به سبب همه گیر شدن پاندومی ویروس کرونا که تا امروز جان چند میلیون انسان را در سرتاسر دنیا گرفته است.

اگر به خوش شانسی باشد امثال من آدم های خوش شانسی بودیم که به موقع طلبید و به موقع تشرف پیدا کردیم. اما اگر به تعداد منتظرین تشرف خانه خدا باشد این بی تدبیری ها و حوادث جبری دیگر از زمره حوادث عمدی و سهوی محسوب می شوند. کار طرف عربستانی در مجموع برای ممانعت از ورود حجاج کشورهای متخاصم و رقیب به سرزمین وحی به منزله بستن راه خدا است، مزاحمت در وقت ملاقات خدا است، محرومیت دیدار نبی و آل نبی و اصحاب نبی است. تطهیر جان و خرد بندگان خدا در روضه رضوان است، نبودن در گلشن راز است. نکند کشور میزبان نعوذبالله فکر می کند جای خدا نشسته است! جای خدا تصمیم می گیرد. این تفکر موجب قهر مومن است. قهر مومن هم قهر خداست. اختلاف امت احتراز خداست.

خانه

(۱۳۹۴)

گر مرا ساده خود خانه خود کرده خدا من چه کنم

پرقو بر دل من سایه نشین کرده خدا من چه کنم

خانه از دوست کجاست خانه فردوست کجاست

گر مرا خانه خود خانه نشین کرده خدا من چه کنم

امامان بقیع (۱)

اسوه اخلاق به ما محسنین (امام مجتبی علیه السلام)

مظهر ساجد به ما ساجدین

مکتب باقر به ما باقرین

مذهب صادق به ما صادقین

امامان بقیع (۲)

اسوه اخلاق به ما مجتبی

مظهر ساجد به ما مقتدا

مکتب باقر به ما مرحبا

مذهب صادق به ما مقصدا

یا زهرا (۱)

مرقد زهرا ندانم کجاست

منبر مولا ندانم کجاست

هرچه منازل در این خانه بود

منزل زهرا ندانم کجاست

یا زهرا (۲)

سعی من اینست بدانم کجاست

ناز من اینست بنازم کجاست

چشم ترم گفت بپرسم کجاست

قصه همین است ندانم کجاست

- دور کعبه تمام ۲۴ ساعت حجاج مشغول طواف خانه خدا هستند الا وقت نماز که مردم بی صبرانه منتظر شنیدن نماز و اقامه نماز می مانند. نماز با طواف مخصوص خانه خداست. لابد این نماز با نمازهای دور از بیت الله الحرام و نمازهای نافله دیگر حتی در داخل مسجد الحرام تفاوتهای خاصی دارد که از چشم ما دور است. برای این موضوع یک لحظه بفکرم خطور کرد که شاید این مسئله به این صحنه زمینی نزدیک باشد که مردمی ساعت ها در جائی تجمع پیدا می کنند تا مقامی بیآید و برای ایشان سخنی بگوید شاید در وقت نماز، خدا در جمع طواف کنندگان حضور می یابد و با سلام به بندگان خود و لبیک به ایشان می گوید:

اگر جائی ندارید جایگاهم

اگر کاری ندارید کارگاهم

اگر شاهی ندارید پادشاهم

اگر نامی ندارید نامدارم

- قطعه شعر زیر به تاریخ ۱۳۹۵/۱/۱۲ در نیمه های شب سروده شد:

حج تو دیدم خدا گونه بود

حج خدا بود خدا خانه بود

شعف خدا بود شرفخانه بود

کعب خدا بود ادب خانه بود

حج به هم گونه بود

حج به هم خونه بود

روی خدا بود خدا خانه بود

شرح ادب بود ادب خانه بود

شهر به شهر بود بلد خانه بود

شهر خدا بود به شهر خانه بود

ره به ره بود رهی تازه بود

سقف به سقف بود مکان ساده بود

درد دوا بود شفاخانه بود

محو تماشا به ما خانه بود

بود و نبودم به من خانه بود

دور فلک بود فلک خانه بود

بوی خدا بود طرف خانه بود

سوی خدا بود جهت خانه بود

چرخ تو دیدم فلک چاره بود

سعی تو کردم صفا سایه بود

مکتب آدم بدین خانه بود

معجز خاتم در این خانه بود

روح خدا (عیسی بن مریم) هم در این خانه بود

هاجر و مریم در این خانه بود

لطف خدا بود همین خانه بود

ام ابیها در این خانه بود

خلق دو عالم در این خانه بود

چرخ دو عالم همین خانه بود

ملتفتم یاد خدا خانه بود

معتقدم وصف خدا خانه بود

نوک قلم بود در این خانه بود

این قلم من بدین خانه بود (پارسال هنگام حج قلم خود را چند بار تماس با دیوار کعبه متبرک کردم)

هرچه گذر بود از این خانه بود

مشرق و مغرب بر این خانه بود

هرچه بگویم بدان خانه بود

فرق نمازست به ما خانه بود

دار سلام بود همین خانه بود

دار طواف بود همین خانه بود

دارالشفا بود همین خانه بود

ریشه ابرام (ابراهیم) در این خانه بود

مژده آدم بدین خانه بود

با تو نگفتم بگویم هنوز

مشهد دنیا در این خانه بود

مظهر عالم در این خانه بود

مکتب عترت در این خانه بود

مظهر عفت در این خانه بود

تازه براتی بدان خانه بود

خانه خرابی بدان ناله بود

- دوبیتی زیر به تاریخ ۱۳۹۵/۱/۱۹ سروده شد:

آب نرفتم به آب رفته اند

خوابم نرفتم به خواب رفته اند

منع نکردند منا رفته ام

منع نمایند کجا رفته ام

- این هم حال و هوای امروز من در نماز صبح روز جمعه مورخ ۱۳۹۵/۵/۲۲درحالیکه سه روز است بدون وقفه و بدون پرداختن به هیچ موضوع دیگر متن حاضر را برای انتشار آماده می کنم:

نازنین ناز من

قبله طناز من

رخ نمودی به من

وقت نمازی به من

این سحر و آن سحر

باد صبائی به من

دیده دارم به تو

دیده نوازی به من

رب مستور من

گوش نوازی به من

با تو گفتم خدا

خانه سوائی به من

زیر این خاک خوب (مراجعه شود به پاسخ من در سطور بالا برای پرسش چرا کعبه چهارگوش است؟)

راز جهانی به من

حج مردم کجاست

حج تمامی به من

ورد هر صبح من

آخر حمدی به من

مد آخر به من (آخر سوره حمد)

راه گشائی به من

پرده دیدم تو را

پرده نوازی به من

پرده افتد به من

پرده گشائی به من

حرمت پرده ها

ستر و عفافی به من

غصه دارم خدا

غصه نوازی به من

خانه پر نور توست

نور نوازی به من

خانه چهارچوب توست

دور نمائی به من

هر نفس می رسد

رزق نهانی به من

هر مدد می رسد

بنده نوازی به من

تا که کجا گفته شد

گفت و شنودی به من

مست نداند کجاست

فصل خطابی به من

حرف اول زدم

حرف جهانی به من

خانه دیدم تو را

نام و نشانی به من

هر چه گفتی به من

حسن ختامی به من

مژده در دست توست

مژده سرائی به من

- ماه ذیحجه ۱۴۳۷ه. ق (۱۳۹۵ ه.ش) است. دقیقا ۱۳۹۵/۶/۱۵ برابر با ۳ ذیحجه۱۴۳۷. کاروان حجاج از تمامی نقاط دنیا عازم مکه مکرمه و مدینه منوره هستند اما حجاج ایرانی محروم از رفتن به حج هستند. او از روی جهل و نادانی و غضب آیت الله نمر را کشت، به دو جوان ایرانی در فرودگاه جده تعرض کرد و مصیبت بارترین مصیبت را در منا را برای حجاج ایرانی و غیر ایرانی بوجود آورد. ما هم به تلافی سفارت و کنسولگری او را در مشهد آتش زدیم. او برای سرنگونی نظام با سازمان های تروریستی همدست شد و ما هم حال او را در سوریه، عراق، یمن و در موضوع برجام گرفتیم. اینست حال و روز ما مسلمانان رو به قبله.

او چه داند

بوی رحمان

کوی رحمان

نور رحمان

سهم خوار است

خوار خوار است

صورتی زشت

رو سیاه است

مدتی هست بی نشان است

روی دست است

زیر دست است

بی منا هم در منا است

بی گناه هم در گناه است

ماه حج است

ماه حق است

سد راه حج حق است

آل فقر است

آل نهی است

بوف کور است

موش کور است

حج امسال

حج ما نیست

حج خونین

حج ما نیست

حج نرفتی غصه دارد

غصه باشد قصه دارم

حج اکبر به ز اصغر

حج اکبر کار اکبر

با نمازی حج اکبر

بی نمازی حج اصغر

حج چندم با نماز است

جای میقات در نماز است

با همین حال که سجاده نشین نماز صبح بودم به خود گفتم حج امسال نیست نماز هر روز که هست. تماز جایگزین حج که هست. حاجی شدن هر روز و هر ساعت که هست. خیلی دور از ذهن نیست، دور از حق نیست. سجاده نشینی بعد از نماز به مانند عرفات و مشعر است (وقوف)، کار خیر بعد از هر نماز به مثابه رفتن به سرزمین منا، ذبح قربانی و تقصیر مو (گذشتن از امیال فردی) و قبولی حج است. بنابراین برای یک نمازگزار واقعی، وقوف در نماز کوتاه است. پس از آن رسالت رفتن به متن جامعه و خدمت به جامعه خود و در صورت داشتن مقام انسانیت خدمت به بشریت مطرح است. بنابراین حاجی شدن با نماز با شکوه ترین عبادات است. یادم نمی رود دو سال پیش (مهر ۱۳۹۳) که از سفر پر از سوغاتی معنوی حج برگشتم تعدادی از من می پرسیدند تو را چه صدا بزنیم؟ دکتر! حاجی! گفتم عنوان حاجی عنوان خدادادی است. بالاترین افتخار است. بالاترین مدرک است به شرطی که شخص حاجی همچنان حاجی بماند. عنوان دکتری به سبب اخذ مدرک دکتری از انسان سلب نمی شود اما عنوان حاجی مثل نور است با رفتار شایسته روز به روز پرنور و درغیر این صورت کم نور و در نهایت خاموش می شود.

- و بالاخره اسامی درب های ورود به بهشت که آدم را یاد باب های مشابه در حرمین شریفین کعبه و مدینه می اندازد. با اعمال شایسته و بایسته خود درب ورودی خود را در روز میعاد خود انتخاب کنیم.

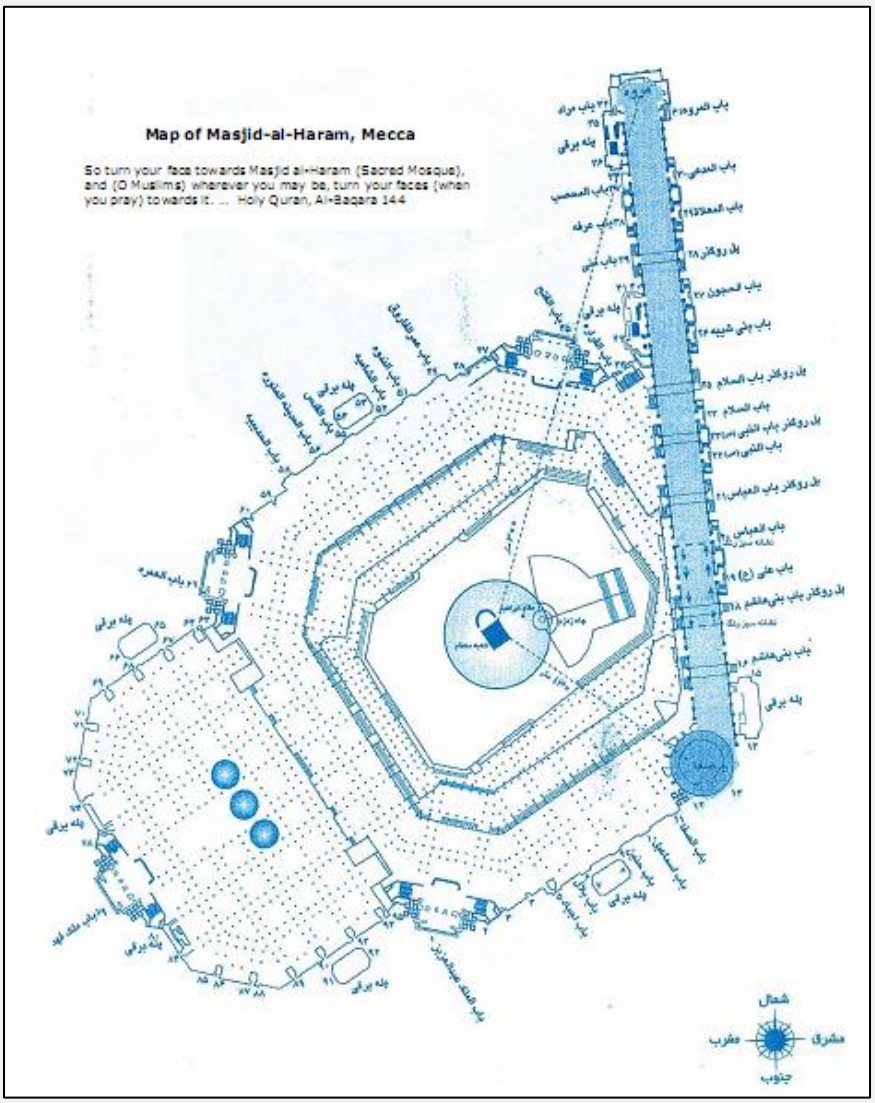
۱. باب المجاهدین (مجاهدین فی سبیل الله)
۲. باب المصلین (برای نماز گزاران)
۳. باب الصائمین (برای روزه داران. مبارک روزه داران صدیق خدا باشد که امروز روز اول آن را جشن گرفتند)
۴. باب الصابرین (صبر کنندگان)

۵. باب الشاکرین (شکر گزاران)

۶. باب الذاکرین (یاد آوران خدا)

۷. باب الحاجین (حج کنندگان. این باب را با تمام وجودم در حج تمتع سال ۱۳۹۳ حس کردم)

۸. باب اهل المعروف (نیکوکاران). درج نظر در سایت بینانیوز ذیل گزارش وقوع سه انفجار تروریستی در سه مسجد صنعاء. ۲۸ خرداد۱۳۹۴- فایل ۱۸۲. مسجد النبی هفت ورودی اصلی و در مجموع، ۸۱ درب دارد. اعداد درب های مسجد الحرام امروز، دارای ۶۲ درب بزرگ و کوچک است.



در آستانه عید قربان ۱۳۹۵

(۱۳۹۵/۶/۲۱)

(ایرانیها از قدیم الایام یا از زیارت کربلا و نجف محروم بودند و یا هر از چند گاهی از زیارت خانه خدا. علتش هم اغلب موارد این بوده که آب دست یزید بوده است. چقدر در زمان شاه برای باز شدن راه نجف و کربلا در مساجد دعا می کردیم بماند. کی اصحاب قدرت منطقه آشوب زده خاورمیانه درخواهند یافت این اماکن مقدسه سهم الارث پدری نیست معلوم نیست. انشالله عمر نوح نخواهد! امسال طبق انتظار ایرانی ها از رفتن به حج محروم شدند، پارسال هم زیارت خونین داشتند. نه مقامات سعودی از خدا عذر خواستند که بندگان او را در منا به جای گوسفند ذبح کرده اند و نه سایرکشوریهای تطمیع شده جهان اسلام. سکوت در عالم اسلام بیداد می کند. سکوت در برابر ظلم ظلم است. بگذار سعودیها خیال کنند خادمین حریمین شریفین هستند. سقوط آزاد را هرکس/هرنظام یکبار در عمر فردی/سیاسی خود تجربه می کند و چه تجربه تلخی است).

به ما عید آمد عیدی نیآمد

به ما حج آمد حاجی نیآمد

صدای کاروان از بس نیآمد

صدا آمد ولی شادی نیآمد

نشستیم خانهٔ خود خانه کردیم

برای روز عید عیدانه کردیم

منا را در جهان بیچاره کردیم

صدا را با اذان هنگامه کردیم

عرب روز مناست روز عجیب است

عجم روز مناست روز حبیب است

حسین در کربلا راه منا رفت

حسین در کربلاست روز غریب است

تمام آسمان خون منا شد

تمام روزگار روز خدا شد

حسین در کربلا خون خدا شد

منا در عکس ما عکس منا شد

حقایق در زمین پنهان نمانند

جرائم در جهان پنهان نمانند

شقاوت در جهان پایان ندارد

قرائن در جهان پنهان نمانند

- فایل سفر روحانی خود را در آستانه عید قربان به روز کردم. صبح بعد از نماز این شعر تهیه شد. بعد از صرف صبحانه من و بتول مثل پارسال برای خرید گوسفند به میدان فرحزادی رفتیم. روز عیدقربان امسال مصادف بود با ۱۳۹۵/۶/۲۲. قیمت گوشت گوسفند زنده در همه آغل ها به قیمت واحد ۱۴۰۰۰ تومان فروخته می شد. با اینکه امسال بدلیل نرفتن حجاج ایرانی به مکه حداقل ۵۰ هزار راس گوسفند از ذبح معاف بودند (معافی!). با اینهمه قیمت به روز بود و مشتریان اندکی کم تر. تعداد آغل ها هم نسبت به پارسال کمتر بود. کل وزن گوسفند امسال شد ۵۲ کیلو و مبلغ آن شد ۷۳۰ هزار تومان. ۵ تومان گرفت تا گوسفند را تحویل کشتارگاه بدهد. ۱۰هزار تومان هم به قصاب دادیم تا گوشت را چند تکه بیشتر خرد کند. این بار واقعا بهتر خرد کرد و زحمت مرا کم کرد. آخر من نمی دانم در خانه ها که نه ساطور است و نه قصاب این لاشه ها را چگونه مردم خرد و بالسویه بین مردم توزیع کنند. کل گوشت۲۹ قسمت شد. ۲ قسمت برای خودمان، ۱۴ قسمت بین مردم کوچه و بازار (تا مولوی رفتیم چون روز تعطیلی بود و کارگر و مستمند در وسط گرمای ظهر بیرون نبود) و۱۳ قسمت برای فامیل. کله و پاچه و جگر سفید را هم جدا داده شد.

به طواف آمده ام تا که طوافی بکنم

به تو تا نیمه شب راز و نیازی بکنم

به خدا ناله نبود تا که نبود خانه نبود

به من هم ناله بده تازه دواتی بکنم

شعر صبحگاهی به مناسبت عید قربان با مسئولیت محدود فردی و جمعی

(۱۳۹۵/۶/۲۲)

این روز ما خدا داد

هر روز ما خدا داد

هر کار خوب خدا داد

هر کار بد جدا داد

از بس خدا کریم است

از بس خدا رحیم است

هرکس نخواست جدا داد

بدکرده ها بدانند

هر کرده را جدا داد

خود کرده ها بدانند

هر کرده را خدا داد

فرزانگان بدانند

فضل خدا عظیم است

دست خدا رحیم است

نام خدا کریم است

ماه خدا فخیم است

رنجی به خلق ندادید

رنجی به ما ندادید

دستی به ما ندادید

دستی به خلق ندادید

صبر خدا زیاد است

رنگ خدا زیاد است

روز خدا زیاد است

نور خدا زیاد است

میدان حق برین است

میدان حرف زمین است

گل واژه ها بخوانید

کم گفته ها بدانید

در روز حج تو را خواست

در روز قدر تو را داد

عید زمین زمین داد

عید ضحی ذبیح داد

عید غدیر زعیم داد

بهتر به ما همین داد

شعر صبحگاهی به مناسبت عید غدیرخم: عید پر مسئولیت امت و امامت

(۱۳۹۵/۶/۳۰)

غدیر بعد قربان، محرم بعد قربان، قربان در قربان، محرم اوج قربان. امروز سه شنبه ۱۳۹۵/۶/۳۰ عید غیرخم است. دیشب از مسافت دور آتش باری (آتش بازی/نورافشانی) برج میلاد از دور نمایان بود. حق است از علی همانگونه که تمجید می شود، اطاعت بشود. از حق علی همانگونه دفاع بشود که از کشور او، رسالت او، ولایت او و نهج البلاغه او دفاع می شود. بقول گفتنی ها دو صد گفته چو نیم کردار نیست.

آس ها و یاس ها

بر ما جدا دادند خدا

از روی خوش خوش تر نبود

با نور خود دادند خدا

یادا علی دادا علی

از نام خود دادند علی

آل نبی آل علی

درب علی شهر نبی

احوال ما با یاعلی

افکار ما با یاعلی

با خود کجا دیدیم علی

بی خود کجا دیدیم علی

در روز پاک گوئیم علی

با رزق پاک گوئیم علی

در روز بدر دیدیم علی

در روز قدر دیدیم علی

در عید خم دیدیم علی

در خون خود دیدیم علی

در روز مست بودیم نحیف

در روز هست دیدیم علی

هر غصه ائی دادند علی

هم غصه ها دادیم علی

تا ناسزا گفتند علی

با خاکسار کشتند علی

چون روز خوش با ما کم است

این روز خوش گوئیم علی

هر عید خوش عیدی خوش

این عید ما عیدین خوش (قربان و غدیر)

در عید خم گفتند علی

با ما علی هذا علی

من کنت مولا هم علی

چندی نشد دیوان شدند (چند ماه پس از حجةالوداع پیامبر خدا در اثر بیماری رحلت فرمودند)

با دین خود دنیا شدند

عیب است خدا ای عیب ما

از ما گسل این عیب ما

اینجا کجا آنجا کجا

با ما علی هر جا علی

دائم بجوئیم ما علی

دائم بگوئیم یا علی

سلسله ایام حج-غدیرخم-محرم

(پر مخاطره ترین مسئولیت امت و امامت سروده شد به سال۱۳۹۲ تحت نام دلوار)

همه راه ها به رم ختم می شوند. اما این راه حق است و منتهی به قیامت و رستاخیز نامه اعمال خوب و بد است. حج بی غدیر و غدیر بی محرم از چرخه های پایدار و توام با خوشی و ناخوشی است. سه ضلعی که روح می دمد و روح می گیرد. بقول مرحوم شهریار درمنظومه زیبای حیدرآباد بهشت ما در شرف جهنم شدن و ذی الحجه در قاب محرم شدن است:

بهشتیمیز جهنّم اولماقدادیر. ذیحجّه میز محرّم اولماقدادیر)

تا که به من پیام رسید — ترک غدیر خیانت است

صحبت من فرا رسید — با تو علی عدالت است

نامه نوشت به نام من — با تو نبی اصالت است

تا به سحر ندا رسید

مهر علی به ما رسید

کنج دلم گلایه است — کار علی کجا رسید

شعر من هم کنایه است — آل علی نشان ماست

این چه غدیری مبهم است — آل علی کجا رسید

کوته من چکاره است

ای تو ندا ندای من

روز غدیر عدالت است — نار بکن ندای من

دم نزنم به نام خود
خون خدا نامه نوشت

نعره بکن ندای من

نامه برای خواندن است

بیشتر از این جنایت است
یا که برای ماندن است

کرب و بلا قیامت است
نامه حق به خود بدان

صاحب ما بغایت است
نامه به عهد آدم است

قتل فجیع کفایت است

من چه ثنا ثنا کنم

کشته دهیم کشته شویم
مسئلت از خدا کنم

تا که خدا زنده شویم
او که خدای رحمت است

زنده ما خانه ماست
خالق خود صدا کنم

مرده کجا زنده شویم

موسم حج که سر رسد

حج خدا ساده نبود
وقت طواف من رسد

بیت خدا تازه نبود
دل به خدا سرا کنم

نیمه طواف کجا رود
تا که سلام او رسد

نامه نبود شانه نبود

ما چقدر قلندریم

یک عددی نامه نوشت
بر همه کس بلندتریم

کوفه به او نامه نوشت
قد تو هم قد من است

چون که وفای عهد ندید
از تو چقدر بلندتریم

رسم تو دانند عاشقی

هرچه حرام حلال کنیم

بنده عشق اند ای خدا

حکم خدا ملال کنیم

ترس خدا خدا کنیم

من چه سفر کنم خودم

ماه حرام حلال کنیم

توشه ندارم از خودم

هرچه نوا نوای توست

دل نه خوش است به جز خدا

من که ندارم از خودم

به بندگان با خدا

خسرو هر چه خوبی اند

مردم شب به ساحل اند

دل نبرند به جز خدا

مردم کم به قایق اند

آنکه رود به عمق آب

هرچه بیابند از زمین

بر همه کس ستاره اند

اهل خدای این زمین

خرج خود و خدا کنند

مانع راه من مشو

چشمه نداده اند زمین

تابع ظن خود نشو

تابلو نشو اگر شدی

یاد خدایند ای خدا

تابلوی بدصدا مشو

مدرسه سازنند ای خدا

سقف عبادت

(مهر ۱۳۹۵)

حد عبادت به شب ماندن است

حد صداقت به جمع گفتن است

صحبت دیگر نباید کنم

حد برائت به سنگ بردن است

حج اکبر-حج اصغر/روح زینب-روز زینب

(سروده شد در آستانه ماه محرم ۱۳۹۵/۷/۸. تکرار در مقاله محرم ماه اکبر)

خانه سنگی	رنگ میل است	خانمانی
خانه رنگی		شانه دیدم
چون کتابی	هر چه دیدم	شادمانی
جلد رنگی	رکن اصلی	
	رکن رحمان	در سیاهی
دیدنی بود	رکن ایمان	رو سفیدم
وقتی دیدم		در سفیدی
خواندنی بود	یک حجر بود	من سیاهم
وقتی خواندم	رنگ اسود	
	از ترنم	با خدایم
پرده داشتی	جزو اکبر	من سفیدم
رنگ مشکی		بی خدایم
پرده دارم	ضلع دیگر	من سیاهم
حد رنگی	حجر دیگر	
	نیم مدار است	بد سیاهی است
بی حجابی	کوی اکبر	بی خدائی
رنگ خیل است		بد نگاهی است
بی عفافی	خانه دیدم	بی نگاهی

	دیده باشم	بیت اصغر
رو ندارم	حج اکبر	
از تو پرسم	حج اصغر	مرد اول
روز اکبر		مرد آخر
روز اصغر	فصل اول	روح زینب
	فصل دوم	روز زینب
در محرم	بیت اکبر	

گنبد کعبه

(۱۴۰۲/۴/۳ برابر با پنجم ذی الحجه پنجم ذی الحجه ۱۴۴۴ ه.ق)

اگر گنبد دنیا آهنین است

وگر گنبد قلب خونین است

گنبد چشم نورین است

به پرده بیآویز

که گنبد کعبه بلورین است

زیر پای تو زرین است

طواف تو آئین است

آوازه شهر بین تین و زیتون است

بلد الامین دیار دیرین است